

کتاب
زبور داود پیغمبر

کتاب

زبور داود پیغمبر

که از زبان اصلی عبرانی بزبان فارسی

از دست ویلیام گلن کشیش انگلیسی

ترجمه کرده شده است

بفرمان المجمع المشهور به

بیمیل سوسیته

و در مطبع خانه رچارد واطس در دار الحکومت

لندن مطبوع گردید

۱۸۳۰

میچیم

زبور داود بیستم

زبور اول

- ۱ خوشا حال آنکسیکه در مشورت شرایر فروز و در راه گناه
۲ کاران نه ایستد و بر مجلس استهزا که خندگان نشینند
۳ * لیکن بهجت او در شریعت خداوند است که روز
۴ و شب در شریعتش بیندیشد * و خواهد بود مثل
۵ اشجاریکه بر کنار رودخانههای آب کاشته شده است که
۶ میوه خود را در زمانش خواهد داد و برگش پزمرده
۷ نخواهد گردید و هر چه بعمل آورد نیکو خواهد بود * اما
۸ اشرار با نند نیستند و مثل کاهیکه بار او را ببرد * ار
۹ آنرا اشرار در حکم و گناه کاران با جماعت صدیقان
۱۰ نخواهند ایستاد * زیرا که خداوند طریق صدیقان را عالم
است اما راه اشرار تناه خواهد شد

- ۱ چرا طوایف هنگامه مینمایند و مردمان خیال باطل میکنند.
- ۲ * پادشاهان زمین مقاومت مینمایند و حکام باهم مجتمع
- ۳ نمیکروند بر خلاف خداوند و خلاف مسیحش * قیدهای
- ایشانرا پاره پاره بکنیم و ریسانهای ایشان را از خود
- ۴ بپنداریم * آنکسی که در آسمان ساکن است تبسم
- ۵ خواهد نمود و خداوند ایشان را استهزا خواهد کرد * آنگاه
- در غضب خود آنها را تکلم خواهد نمود و در قهر خود
- ۶ ایشان را مضطرب خواهد کرد * لیکن من پادشاهم را
- ۷ بر کوه صیون مقدس خود نصب کردم * حکم را مشهور
- خواهم نمود که خداوند مرا گفت که فرزند من تویی امروز
- ۸ ترا توثیق کردم * از من سوال کن و قبايل را بدهم تا
- ۹ آنکه میراث نو و حدود زمین چون ملک تو باشد تو
- با عصابی آهنبین ایشانرا خوابی شکست و مثل کوزه
- ۱۰ کوزه گر ایشان را پاره پاره خواهی نمود و الحال بوشمند
- باشید ای پادشاهان و آموزیده شوید ای حکام زمین

زبور داودی * ۲ * ۳ *

۱۱ * خداوند را با خشوع و خضوع نماند و بار تعایش شادمان

۱۲ باشید * فرزند را بنویسید تا آنکه غضبناک نشود و راه گم

نکنید زیرا که غضبش عنقریب شعله ور خواهد شد خوشا

حال همه کسانی که بوی توکل نمانند

زبور سلیم

زبور داود در هنگام گریختن او از دست پیورش سلوم

۱ ای خداوند اعدای من چه بسیار گیر ویرند بسا و کنشانی

۲ که بضر من بر همچنین * و کسان بسیاری بجهت جانم

۳ میگویند که از خدا خلاصی برای او نیست سلمه * انا

۴ ای خداوند سپهر از جهت من و جلال من و فرازنده فرق

۵ من توئی * باواز خود خداوند فریاد نمودم و از کوه

۶ مقدس خود مرا استجابت نمود سلمه * من خوابیدم

۷ و غنودم و بیدار شدم زیرا که خداوند مرا نصرت کرد * از

کثرت الوف خلاصی بر خود من که گروا گرد مرا احاطه

۸ میکنند نخواهم ترسید * ای پروردگار قائم شو و ای خدای

۹ من مرا نجات ده بدرستی که جمله دشمنان مرا بر

زبور داود * ۳ * ۴ *

استخوان زنج زدی و دندانهای اشتر را شکستی * خلاصی
از آن خداوند است و برکت تو با خلق تست سلم

زبور چهارم

سالار مغنیان بر تارهای ربسمانی مزمور داود

۱ در حین خواندن من مرا استجابت کن ای خدای راستی
من دور تنگدستی بمن کشاوگی عطا فرمودی بمن رحم
۲ کن و دعای مرا بشنو * ای فرزندان آدم تا بکی جلال
مرا به نامی خواهید گردانید و دوست بظالت را میدارید
۳ و کذب را میجوئید سلم * و بدانید که خدا اهل تقوی را از
جهنم خود برگزیده است خداوند خواهد شنید چون
۴ من اورا بخوانم * ارتعاش کنید و گناه مکنید و بر بستر
خود در دلپای شما تفکر نائید و نیز خاموش باشید سلم
* قربانهای راستی را زنج سازید و بخدا امیدوار شوید
* بسا کسانی که میگویند کیست آن شخص که
خوبی را با اظهار خواهد نمود نور چهره خود را بر من
در خشان بگردان * ای خداوند تو خوشنود را بهرلم انعام

زبور داود * ۷ * ۵ * ۱

فرمودی از هنگامی که دلف ایشان و شیر و شراب

ایشان زیاده بوده است * من بآرامی هم بخوابم و هم

بخنوم زیرا که تو ای رب وحید مرا در اعتقاد ساکن

میگردانی

زبور پنجم سالار مغنیان بر سرنای مزبور داود

۱ ای خداوند بسخنیهای من گوش بده و اندیشه مرا تا میل

۲ بکن * آواز فریاد مرا استماع بنمای ای پادشاه من

۳ و ای خدای من زیرا که بتو استعدا خواهم کرد * خداوند

صبحدم آواز مرا خواهی شنید و صبحدم در حضور تو آماده

۴ خواهم شد و انتظار خواهم کشید * زیرا که تو نیستی آنخدای

که شر را دوست داشته باشی و بدی در حضور تو قرار

۵ نخواهد گرفت * ابله‌هان در پیش نظر تو نخواهند

۶ ایستاد همه فساد کننده گان را بغض مینمائی * دروغ

گویان را هلاک خواهی کرد خداوند آدم سفاک

۷ و فریبنده را تنفر خواهد نمود * اما من از بسیاری رحمت

تو بجانم ات خواهم در آمد و در پیکل مقدس تو از

زبور داود * ۵ * ۶ *

۸ ترس تو سجده خواهم کرد * نزد جهت دشمنانم ای
خداوند در صداقت خود مرا راهنمای کن و راه ترا
۹ پیش روی من راست گردان * زیرا که وفاداری در
۱۰ دهن ایشان نیست و اندرون ایشان از شراب پر
است گلهی ایشان (مانند) قبر باز است آنها بزبان
۱۱ چاپلوسی می نمایند * ای خدا ایشان را الزام بفرما که ایشان
از مشورات خود فرو افتند و آنها را از جهنم بسیاری
جرایم شان دور گردان زیرا که بر خلاف تو معصیت
۱۲ کردند * اما آنانیکه بتو اعتقاد مینمایند چه گنجی خوشنود
باشوند و ایم بسرایند و بایشان حمایت بفرمای و آنانی که
نام ترا دوست دارند ابتهاج در تو بدارند * زیرا که تو
ای خداوند صدیق را خوشحال خواهی گردانید و بمرحمت
چون سیر او را احاطه خواهی کرد

زبور ششم

۱ سالار مغنیان در قاره های ریسمانی بر هشتصدین تار مزمور داود
خداوند در خشم خود مرا تناب مکن و در قهرت مرا

زبور داد * ۶ ۱

- ۲ تنبیه منما * خداوند مرا رحمت کن زیرا که من ضعیفم
- ۳ و من شفا بخش زیرا که استخوانهایم مضطربند * و جان من بسیار در اضطرابست و تو ای خداوند تا بکنی
- ۴ * خداوند اعدا و گنا و جان مرا خلاص کن و از سبب رحمت خود مرا نجات ده * زیرا که ذکر تو در مردگان نیست
- ۶ و کیست که ترا در قبر حمد خواهد نمود * از نالش نمودن خود مانده ام تمامی شب بستم را جاری نمیکنم
- ۷ از اشک با سرشک فراشم را تر خواهیم ساخت * از اضطراب چشم خورده شده بسبب دشمنانم که نه میگردند
- ۸ ای بدکاران از من دور شوید زیرا که خداوند آوار گیرید * مرا شنیده است * خداوند تقصیر مرا شنید خداوند
- ۱۰ دعای مرا مستجاب کرد * که جمله دشمنان من بسیار شرمند شونده و مضطرب گردند و برگردانیده شوند و عنقریب تشویش بجایند

زبور داود *

زبور هفتم *

سرود داود که او از سخنهای کوش بن یمینی بخداوند

می سرود

۱. ای خداوند واله من بتو متوکلّم. من نجات بده از همه؛

۲. تعدی کنندگان من و مرا آزاد بکن * مبارا چون شیر

۳. درنده جان مرا رباید که رها نده؛ باشد * ای خداوند

۴. و اله من اگر این را بعمل آورم و اگر فساد در دستهای

۵. من راست * اگر بصلاح اندیش خود بدی را عوض

۶. کردم و کسی را که بی سبب دشمنم بود آزاد کردم * پس

دشمن جان مرا تعدی بنماید و بگیرد و حیات مرا در

زمین پایمال بکند و جلال مرا در خاک ساکن بگرداند

۷. سله خداوند در غضب خود قائم شو و از سبب قهر

دشمنان من ارتقاء خود را بنا و از جهت من برخیز بان

۸. حکمیکه امر فرمودی * و جماعت خلقت ترا احاطه خواهند

۹. نمود و از جهت شان بر بلندی تو کن * خداوند

خلق را تحکم خواهند نمود ای خداوند مرا تحکم نما موافق

زبور داود * ۷ *

- راستی من و موافقی اتمام خلوصی که بر من است
 ۹ * الحال شر شرایر با تمام بند رسد و صدیق را پایدار بکن
 ۱۰ زیرا که خدای صادق دل و میان آزماست * سپهرم از
 ۱۱ خداست که راستند لافرا نجات دهند * خدا حاکم بر
 ۱۲ صدیق است اگر چه خدا هر روز غضبناک نباشد * اگر
 (دشمن) بر نگرود شمشیر خود را نیز خواهد کرد کمان
 ۱۳ خود را خم میکند و او را حاضر میسازد * و مجبته او اسباب
 مرگ را آماده گردانید بر ظلم کننده گان تیراهمی خود را
 ۱۴ بکار میبرد * اینک (دشمن) از بدی بدرد مخاض
 است ورنج و عنارا حامله شد و کذب خواهد زائید
 ۱۵ * چاه را کند و او را حفر کرد و خود افتاده است در
 ۱۶ چاهیکه او را ساخت * عملش بر سر او برگردانیده
 خواهد شد و ظلمش بر کلمه سر او نازل خواهد بود
 ۱۷ * بخداوند موافق راستیش حمد خواهم کرد و تسبیح
 باسم خداوند تعالی خواهم نمود

رَبُّورِ دَاوُدَ * ۸ *

زبور هشتم. سالار مغنّویان بر حکایت مزبور داود

- ۱ ای خداوند پیرور دگر ما که، جلال خود را بر بالائی آسمان
- ۲ نهاده‌ی چه عظیم‌ست اسم تو در کل زمین * در ضدّ ظلم
- کنندگان از برای متوقف گردا پذیرن دشمن و انتقام
- کننده را از دهن اطفال و کودکان شای را نابت کردی
- ۳ * هنگامیکه ملاحظه با سانهایی تو و ماه و ستارگان مینمایم
- ۴ مِعْمُولِ اِنَامِلِ تو که ایشان را ثابت نمودی * (آنگاه
- میگویم) که چیست انسان که او را بخاطر بگنذرانی
- ۵ و فرزند انسان که بروی توجه مینفرمائی * تا مدتی او را
- کمتر از فرشتگان داشتی و او را بعزّت و اکرام متوجّ
- ۶ فرمودی * او را بر کارهای دست خود گذاشتی و همه را در
- ۷ تحت اقتدارش نهاده‌ی * تمامی میش با و گاوها و نیز
- ۸ و حیوش صحرا را * طیور هوا و ماهیان دریا که بسخت
- ۹ دریا با عبور نمایند * ای خداوند پیرور دگر ما چه عظیم
- است اسم تو در کل زمین -

زبور داود * ۹ *

زبور نهم سالار مغنیان بر وفات نبدل مزمور داود

۱. بهمه دل خود خداوند را حمد خواهم نمود و تمامی تعجایب
۲. ترا مشهور خواهم کرد * در تو خوشنود خواهم شد و مسرور
۳. خواهم گردید و اسم ترا ای تعالی خواهم سرود * چون
- دشمنان من برگردانیده شوند در حضور تو ناتوان
۴. خواهند بود و هلاک خواهند شد * زیرا که از جهت
۵. من حکم دادی برای من فتوی دادی و بر کرسی نشستی
- ای داور بحق * قبایل را زجر نمودی و شیرها هلاک
۶. کردی و اسم ایشانرا محو کردی تا ابد الابد * ای
۷. دشمن خرابیهها همیشه تمام است و شهرها را خراب کردی
- و زکریا ایشان با خودشان هلاک شده است * و خداوند
۸. همیشه باقی خواهد بود کرسی را از برای حکم نمودن
- آماده کرد * و او جهان را در راستی تحکیم خواهد نمود
۹. و خلائق را در عدالتها فتوی خواهد داد * و خداوند از
- جهت مظلوم یامن خواهد بود یامنی که در هنگامهای
۱۰. تنگدستی (باشد) * آنکسانیکه اسم ترا می شناسند اعتماد

- برتر خواهند نمود زیرا که ای خداوند طالبان خود را ترک
 ۱۱ ننمودی * بسراشید خداوند زیرا که در صیهون ساکن
 ۱۲ است و در میان امم اعمال او را خبر دهید * هنگامیکه
 تفتاح خون می نماید ایشانرا بخاطر می آورد و فریاد
 ۱۳ مفلوکان را فراموش نمیکنند * ای خداوند مرا رحمت
 نما ای رهاکنده من از ابواب هرگ زلت مرا از
 ۱۴ مَبْضَان من ملاحظه نما * تا آنکه تمامی اوصاف ترا در
 دروب دختر صیهون مشهور کنم و بجات تو وجد نمایم
 ۱۵ * غوطه میخورند کافران چاهیکه او را ساختند و پامی
 ۱۶ ایشان گرفتار آمد در دای که پنهان کرده بودند * خداوند
 معروفست از حکمی که بعمل آورده است شریر
 از اعمال درست خود در دام است هگایون سلمه
 ۱۷ * اشرار بجهنم برگردانیده خواهند شد با تمامی خلائق که
 ۱۸ خداوند را فراموش کنند * زیرا که محتاجی تا با آخر
 فراموش نخواهند شد امید مفلوکان تا باید ضایع نخواهند
 ۱۹ گردید * بر خیز ای خداوند که مردم غالب نباشند

زبور داود * ۹ * ۱۰ *

تا آنکه طوایف به حضور تو محکوم گردند * ای
خداوند ترس را در ایشان بگذار تا طوایف بدانند که
آنها بشرنده سله

زبور دهم

- ۱ ای خداوند چرا مبادعت می نمائی و در زمانهای تنگدستی
- ۲ من خود را پنهان میکنی * ظالم بخود مظلوم را تعدی
خواهد کرد و در آن مشورتها که خیال نموده گرفتار خواهند
- ۳ شد * زیرا که شریر در خواهش نفس خود فخر مینماید
و حریص را توصیف میکند و خداوند را حقیر مینماید
- ۴ * شریر از تکبر چهره خود (خدا را) تجسس مینماید
- ۵ خدا در همه ذکرهایش در نمی آید * همیشه طریقههایش
فاسد میباشد و علو احکام تو از نظرش دور است
- ۶ و او تمامی دشمنان خود را عبوس مینماید * در دل خود
گفت که هرگز متبدل نخواهم شد زیرا که در نکبت
- ۷ نخواهم بود * بهنش از لعنت و فریبهها و هیله مملو
- ۸ و تحت زبانش زجر و فساد است * در همین قریبها

می نشینند و در کهینها بی تقصیری می کشد و چشمهایش
 ۹ بکین می نگرند، خفیه کور کهین است * چون شیر
 در کهینگاه پنهان می باشد و از جهت گرفتار نمودن
 مظلومان پنهان خواهد بود و بیچاره را خواهد گرفت
 ۱۰ چون او را بدامش می کشد * خود را حم می کند و قدر خود را
 پست می نماید تا آنکه عاجزان از دست زور آورانش
 ۱۱ بیفتند * در دل خود گفت که خدا فراموش کرده است
 ۱۲ و دیدار خود را نهان کرده است و هرگز نمی بیند * ای
 خداوند الهی بر خیز و پست را بر دار و مظلومان را
 ۱۳ فراموش مکن * چرا ظالم خدا را خار داشته است و در
 ۱۴ دل خود گفت که تجسس نخواهد کرد * ملاحظه نموده
 زیرا که بدی و کین را می نگریم تا آنکه بدست خود عوض
 بکنیم مسکین خود را بتو خواهد سپرد معین بتیم توئی
 ۱۵ * بازوی اهل شر و بدی را بشکن و بدی او را تجسس
 ۱۶ بشما تا یافت نمائیم * خداوند پادشاه است تا ابد الابد
 ۱۷ طوایف در زمین هلاک خواهند کرد و خداوند را خواهش

زبور داود * ۱۰ * ۱۱ *

مفلوگان را استماع خواهی فرمود دل شان را آماده خواهی
 ۱۸. کرد و اصغا خواهی نمود * از برای حکم کردن یتیم و مظلوم را
 تا دیگر مردم زمین مطلقا ظلم ننمایند

زبور یازدهم سالار مغذیان مزبور داود

۱. بخندوند متوکلیم چکوه بجان من میگوئید که چون
۲. عصفور بکوه خود به پیر * زیرا که اینک اشرار کمان را خم
 میکنند و نیز خودشان را پیوسته بزه میکنند تا آنکه در
۳. پنهانی بر استدلال بپسندازند * چون بنیاد در خرابیست
۴. عادل بچه مشغول بشود * خداوند در هیچکس منتقس
 خود است و کرسی خداوند در آسمانهاست چشمهایش
۵. می بینند و پلکهایش تقشیر می نمایند فرزندان
 انسان را * خداوند عادل را امتحان میکند و بنفش خود
- شیر بر بغض مینماید و کسیکه ظلم را دوست میدارد
۶. * بر اشرار خواهد بارانید صواعق و آتش و کو کرد و باد
۷. سهم را و حصص کاسه ناپایدار است * زیرا که خداوند صادق
 صبر را دوست میدارد و با عدل چهارش مینگرد

می نشیند و در کمینها بی تقصیری می کشد و چشمهایش
 بکمین می نگرند مخفیانه گور کمین است * چون شیر
 در کمینگاه پنهان میباشد و از جهت گرفتار نمودن
 مظلومان پنهان خواهد بود و بیچاره را خواهد گرفت
 ۱ چون او را بدامش میکشد * خود را خم میکند و قدم خود را
 پست می نماید تا آنکه عاجزان از دست زور آورانش
 ۲ پیچند * در دل خود گفت که خدا فراموش کرده است
 ۳ و دیدار خود را نهان کرده است و هرگز نمی بیند * ای
 خداوند الهی بر خیز و پیر را بر دار و مظلومان را
 ۴ فراموش مکن * چرا ظالم خدا را خوار داشته است و در
 ۵ دل خود گفت که تجسس نخواهد کرد * ملاحظه نموده
 زیرا که بدمی و کین را مینگری تا آنکه بدست خود عوض
 بکنی مسکین خود را بتو خواهد سپرد معین یتیم توئی
 ۱۰ * بازوی ابل شر و بدمی را بشکن و بدمی او را تجسس
 ۱۱ بشرمانا یافت ننمایی * خداوند پادشاه است تا ابد الابد
 ۱۲ طوایف در زمین هلاک خواهند کرد و خداوند را خواهش

زبور داود ۱۰ * ۱۱ *

مفلوگان را استماع خواهی فرمود دل شان را آهوا خواهی
 ۱۸ کرد و اصغا خواهی نمود * از برای حکم کردن یتیم و مظلوم را
 تا دیگر مردم زمین مطلقا ظلم ننمایند

زبور یازدهم سالار مغنیان مزبور داود
 ۱ بخداوند متوکلیم چگونه بجان من میگوئید که چون
 ۲ عصفور بکوه خود به پر * زیرا که اینک اشرار کمان را خم
 میکنند و پیر خودشان را پیوسته بنده میکنند تا آنکه در
 ۳ پنهانی بر استرلان بپندازند * چون بنیاد در خر * بیست
 ۴ عاقل بجه مشغول بشود * خداوند در پیکل مقدس
 خود است و کرسی خداوند در آسمانهاست چشمهایش
 ۵ می بینند و پلکهایش تفتیش میکنند فرزندان
 انسان را * خداوند عادل را امتحان میکنند و بنفش خود
 شرب را بغض میکنند و کسیکه ظلم را دوست میدارد
 ۶ * بر اشرار خواهد بارانید صواعق و آتش و کوکرو و باد
 ۷ سموم را و حصی کاسه نماندست * زیرا که خداوند صادق
 صدق را دوست میدارد و عادل چهارش مینگرد

زبور دوازدهم

سالار مغنیان بر هشمینست مزبور داد

- ۱ ای خداوند مرا خلاص بکن زیرا که اهل تقوی باتمام
- میرسند چهته آنکه مؤمنین از اجنای بشر تقلیل می
- ۲ یابند * پر کس با همسایه خویش دروغ میگوید با لبهای
- ۳ فریبنده و درو دل میگویند * خداوند تمامی لبهای
- فریبنده را جدا خواهد کرد و زبانی را که حرفهای بزرگ
- ۴ میزند * که میگویند که با زبان خود ما غالب خواهیم شد
- ۵ لبهای ما از آن ماست کیست که خداوند ماست * از
- برای بلامی مفلوکان و ناله بیچارگان خداوند میگوید
- که الحال قیام می نمایم و خلاص میکنم ز آن کسی را که براد
- ۶ عبوس می نماید * سخنان خداوند کلامه پاکیزه هستند
- (مانند) نقره خالص شده در کوره زمین که هفت بار
- ۷ صاف شده است * تو ای خداوند ایشان را محافظت
- خواهی کرد و ایشان را ازین قرن همیشه نگاه خواهی

۸ داشت * در حوالی اشرار میگردند چون فرزندان ذلیل
انسان در ارتفاعند

زبور سیزدهم سالار مغنیان مزمور داود

۱ ای خداوند مرا تا بکسی فراموش خواهی کرد آیا تا باید
۲ تا بکسی دیدار ترا از من مستور خواهی کرد * تا بکسی
من مشورت بنفس خود نمایم با درد دل من روز
۳ بروز تا بکسی دشمن بیالای من مرفوع خواهد شد * بنگر
و مرا بشنو ای خداوند واله من و چشمهای مرا منور گردان
۴ مبادا با مرگ بخنوم * مبادا دشمن من بگوید که بر
او غالب بودم و اعدای من وجد نمایند چون بحرکت
۵ آیم * اما من بر رحمت تو امیدوارم دل من در نجات
۶ تو وجد خواهد نمود * خداوند سرود بخوانم زیرا که بمن
احسان فرموده است

زبور چهاردهم سالار مغنیان از آن داود

۱ ایله در دل خود گرفته است که خدائی نیست تپاه
میشوند و اعمال بلیه می آورند و نگویند که نیست
c

۱ * خداوند از آسمانها بر فرزندان آدم نگریست که
 ۲ بنظر آید کسی که فهم کند یا طالب خدا باشد * همگی
 با یکدیگر از راه کعبه میروند و گنبدیده میشوند زکو کنند
 ۳ نیست یک کس هم نیست * آیا نمیفهمند تمامی
 فساد کنندگان که قوم مرا تناول مینمایند چون نان را
 ۴ میخورند و خداوند را نمیخواهند * آنجا بغایت مخوف
 ۵ گیرید زیرا که خدا در مسائل صدیق است * موعظه
 مفلوک را حمل بختلست مینمائید زیرا که تنه
 ۶ او خداوند است * آیا کیست که نجات اسرائیل را
 از صیهون خواهد داد زانیکه خداوند اسیر قوم خود را
 رد کند یعقوب خوشحال گردد و اسرائیل مسرور
 خواهد گشت

زبور پانزدهم مزبور داود

۱ خداوند در خیمه تو کسی متوطن خواهد گشت یا کسی
 ۲ در کوه مقدس تو ساکن خواهد گردید * آنکسی که تاناً
 رفتار مینماید و صدق را بعمل آورد و در دل خود بحق

زبور داود * ۱۵ * ۱۶ *

۳ میگوید * ویدی بر جهان نمی آرد و بهمسایه خویش ظلم
۴ نمی کند و ملامت بر قریب خود روا ندارد * و ارازل
در دیدایش حقیر شمرده شده است لکن متقیان
خداوند را محترم دارد و سگند بزیان خود میخورند و تغییر
۵ نمی نمایند * نقره خود را از جهت ربا نمیدهند و رشوه بر خد
بی تقصیری نمیگیرند آنکسی که اینها را بعمل آرد متحرک
نخواهد شد تا باید

زبور شانزدهم مکتم داود

۱ ای خدا مرا محافظت کن زیرا که بتو امید دارم
۲ * خداوند عرض نمودم که خداوند من توئی مرا بهتر غیر
۳ از توئی نیست * مقدسانیکه در زمین هستند با
۴ متعززان بالتعاضد خوشنودی من از ایشانست * غمهای
ایشان بسیار خواهد شد که (خدای) دیگر فی شتابند
بسفک الدماء قریانیهای ایشان مرتکب نخواهم شد
۵ و هم نامهای ایشان را بر لبهای خود نخواهم آورد * حصه
میراث من و کاسه من خداوند است توئی آنکه قسمت

۶ مرا استیادت میکنی * ریمانهای رسد در جایهای پندیده
۷ افتادند زیر که وراثت برائی من خوشست * شکر خواهم
نمود خداوند را که مرا موعظه فرمود زیرا که شبها قلب من
۸ مرا تعلیم میدهند * خداوند را همیشه در پیش روی خود
بنظر در آوردم ز آنرو که در بحین من است متحرک
۹ نخواهم شد * از سبب آن دل من فرحناکست و جان
من بوجد آمده. علاوه بر آن جسم من با امید خواهد
۱۰ آرمید * زیرا که نفس مرا در جحیم نخواهی گذاشت
۱۱ و اجازت نخواهی داد که برگزیده، تو فساد بیند * راه
زندگی را بمن نشان خواهی داد و وفور شادانیها در
حضور خود و خرمیها تا باید به بحین تست

بور هفدهم دعای داود

۱ ای خداوند صدق را بشنو و تصریح مرا استماع بفرما و دعای
۲ لبهای نا فریبنده، مرا اصغاکن * حکم در باره من
۳ از حضور تو بگنزد چشمهای تو راستی مرا به بیند * دل
مرا آزمودی و در شب نظر فرمودی و مرا تجربه نمودی

- و (در من) چیزی را یافت * نکردی جزم نمودم که مبادا
 ۴. دهن من تجاوز بنماید * من نسبت باعمال مردم
 طریقه‌های ادب‌اش را موافق سخن لب‌های تو نظر
 ۵. داشتم * قدم‌های مرا در راه‌های خود مشید گردان مبادا
 ۶. پای‌های من لغزش کنند * ای خدا ترا خوانده‌ام زیرا که
 مرا استعجاب خواهی نمود و گوش خود را بمن نگاهدار
 ۷. و سخن مرا (اصغاکن) * رحمت‌های عجیب خود را اظہار
 کن ای توئی آنکه بدست بچین خود امیدوارانت را
 ۸. از فتنه انگیزان نجات میدهی * مرا چون مردمک
 دیده محافظت بفرما و در کنف اجنه خود مرا مستور
 ۹. بگردان * از روی ظاملانیکه مرا هجوم می آورند و دشمنان
 ۱۰. من که مرا بجان احاطه مینمایند * و دوائر دولت
 خودشان را بستند و بدین خود متکبرانہ نگام فی نمایند
 ۱۱. * الحال گذرایی مرا احاطه نموده اند و بنظرهای خود مرا
 ۱۲. نشانند تا آنکه بر زمین بیفکنند * شبیهند بشیری که
 از جهت دریدن مشتاق باشد و بشیر بچہ که در کمینها

۱۳ می نشینند * قائم شو ای خداوند و بناد بر سر وادرا خم کن
 ۱۴ و جان مرا ز شریر بشمشیر خود خلاص کن * خداوند ابر
 پیر خود مرا از مردمان و خلقان امین روزگار (برهان) که
 حصه ایشان در زندگانی (دعیاست) شکم ایشان را از
 خزانه خود مملو میکنی فرزندان ایشان بسیارند و الباقی
 ۱۵ خود را برای اطفال شان میگذارند * من دیدار ترا
 براستی خواهم دید و از امثال تو خوشنود خواهم شد چون
 دیدار شوم

زبور هشدهم

سالار مغذیان از آن بنده خداوند داود که کلمات این
 سرود را بخداوند عرض نمود در روزیکه خداوند او را رهانید
 از دست تمامی دشمنان او و از دست ساول گفت

۱ خداوند ترا دوست خواهم داشت که قوت من توئی
 ۲ * خداوند کوه من است و قلعه من و پناهنده من و اله
 من و قوت من که بر او اطمینان دارم سپر من و شاخ
 ۳ نجات من و برج من اوست * خداوندی را که سزاوار

- حمد است خواهیم بخواند و از دشمنان من نجات خواهم یافت * زیرا که غمراست منوت مرا احاطه نمودند و سیلاب
- ۵ مفتنان مرا مضطرب ساختند * ریسانهای قبر مرا
- ۶ دائره بستند و تلهای مرگ مرا رسیدند * در تنگستی خود خداوند را خواندم و بخدای خود فریاد نمودم آواز مرا در پیکل خود شنید و فریاد من داخل حضورش
- ۷ شد و بسمعش آمد * و زمین متزلزل گردید و کبرزان شد و اساس کوهها متحرک و جنبیده گشتند زیرا که
- ۸ (خداوند) غضبناک شد * و از غضبش دود متصاعد شد و آتش در حضور او ملتهب شد و اکرها از او فروخته
- ۹ شد * و آسمانها را خم کرد و فرود آمد و ظلمت زیر قدمهای او بود * و بر کمر و بین سوار نمود و پیر و از نمود و بحر بالهای
- ۱۱ باد طپران کرد * تاریکی را که مینگاه خود ساخت ظلمت آنها و ابرهای آسمان را در اطراف خود پرده خود نمود
- ۱۲ * از روشنائی پیمیش او ابرهایش بارانیدند و تگرگ
- ۱۳ و اکرهای آتش را * و خداوند در آسمانها تر نمود و تعالی

- ۱۴ آواز خود را داد تکرر و اخگر هیتی آتش را * و تیرهای
خودش را انداخت و ایشانرا پراکنده کرد و بر قهارا موفور .
- ۱۵ کرد و ایشان را مضطرب ساخت * و چشمهای آب
هویا شد و بنیادهای کره ؛ جهان کشاده گردید از برای
مانعت تو ای خداوند و از برای هبوب ریح تقهر تو
- ۱۶ * از بلندی فرستاد و مرا گرفت و از آبهای بسیار مرا
۱۷ کشید * و از دشمن زور آور من مرا رها نید و از بغض
۱۸ کنندگان من زانرو که از من نیرومند تر بودند * در روز
تنگدستی من بر من رسیدند و خداوند پشتیبان من بود
- ۱۹ * و مرا بیرون بکشادگی آورد و مرا رها نید زیرا که از من
۲۰ خوشنودی بود * خداوند موافق راستی من مرا مزد داد
۲۱ و موافق پاک دست من مرا عوض داد * زیرا که
طریقهای خداوند را محافظت نمودم و از خدایی خودم
۲۲ شری نمی نمودم * زانرو تمامی احکام او در نظر من است
۲۳ و حقوقش را از خود دور نکردم * دور نزدش کامل بودم
۲۴ و خود را از معصیت خود محافظت کردم * و خداوند

- موافق راستی من هوا اجر داد و موافق پاک دست من
 ۲۵. در حضور نظرش * باهل به نصرت رحیم خواهی بود و ببرد
 ۲۶. کامل کمالیت را اظهار خواهی داشت * و پیاکان پاکسی
 ۲۷. خواهی نمود و با کجرو کج رفتاری خواهی کرد * زیرا که
 خلق مغلوک را خلاص خواهی کرد و دیدهای متکبرانرا
 ۲۸. فرود خواهی آورد * زانرو که تو چراغ مرا منور خواهی
 کرد خداوند واله من تاریکی مرا روشن خواهد کرد
 ۲۹. * زیرا که بمعاضدت تو فوج را عبور خواهم نمود و بسبیل
 ۳۰. خدایم حصار را خواهم جهید * راه خدا کامل است
 و سخنان خدا معجز است و او بهمه متوکلان خود
 ۳۱. سیر است * بدرستی که کیست خدا جز خداوند و کیست
 ۳۲. مامن غیر از خدای ما * خداوند نیرومندی را بمن می
 ۳۳. پوشاند و راه مرا کامل میسازد * قدمهای مرا مثل
 پایهای غزال مینماید و مرا در بلندبها ایستاده میگردداند
 ۳۴. * و دستهای مرا از برای جنگ تعلیم مینماید و بازوهای
 ۳۵. مرا چون کمانی از فولاد میگردداند * و سپر نجات ترا

- ۳۶ بحسن دادی و بحسن تو سرا اعانت داد و احسانت مرا
عظیم کرد * و شارع هرا در زیر قدمهای من کشاده
۳۷ کردی و پایهای من لغزش نکردند * در پی دشمنان
خود رفتم و ایشان رسیدم و رجعت ننمودم تا منقطع
۳۸ نشدند * ایشان را کوبیدم و نتوانستند بر خواست
۳۹ زیر پایهای من افتادند * و از برای جنگ بمن قوت را
یومانییدی و تجت من فردو آوردی آن کسانی
۴۰ که در خدمت من بر خواستند * گردن گردنکشان مرا
بحسن دادی تا آنکه منقطع کنم آنانیکه مرا بغض مینمایند
۴۱ * فریاد نمودند و دربانده نبود (و استغاثه) بخداوند (کردند)
۴۲ و اجابت ننمود * و ایشان را چون خاک خورد کرده بر
۴۳ باد تادم و چون گل کویها ایشان را پایمال نمودم * تو
هرا از منازعات قوم خلاص کردی و مرا بر طوایف
حاکم گردانیدی قومیکه ایشان را نمیشناختم بندهگی
۴۴ من خواهند نمود * هرگاه بگوشن (خود) حرف مرا می
شنوند اطاعت خواهند نمود و فرزندان شریب فرمان

۴۵ بر دار خواهند شد مغروران غریب فرود خواهند افتاد
 ۴۶ و از کمین گلهای شان خواهند ترسید * خداوندی است
 ۴۷ و مبارک ما من منست و خدای منجی من مرفوع باد * خدا
 در حق من کشنده، انتقام است و خلایق را در تحت
 ۴۸ من فرود می آورد * از دشمنان من مخلص من است
 ۴۹ تو نیز مرا مرفوع میداری از آنانیکه در خد من بر
 میخیزند و از مرد ظالم مرا خلاصی میدهی * بدین سبب
 ای خداوند ترا حمد خواهم نمود و در میان طوایف باسم تو
 ۵۰ خواهم سرود * او آنستکه بسیار نجاتهای پادشاه خود را
 میگرداند و مسیح خود را کرم مینماید بر داود و اولاد او تا
 باید

زبور نوزدهم سالار مغنیان مزمور داود

۱ آسمانها جلال خدا را آشکار میکنند و سپهر عمل و ستش را
 ۲ مشهور میسازد * روز بروز تکلم مینماید و شب بسبب
 ۳ علم را نشان میدهد * سخن نیست و کلمات نیند آواز
 ۴ ایشان را نشنیدند * (آ) آواز ایشان بتعالی زمین

ز بیور دادده * ۱۹ *

- ۵ منتشیر گردید و الفاظ ایشان باختر عالم (رسید) * و در ایشان از جهته آفتاب خیمه قرآن و از فرمود واد چون داماد از صبحره خود بیرون آمده مثل صاحب قوتی در دویدن
- ۶ راه خوشوقتی می نماید * از کران آسمان بیرون می آید و تا بکران دیگر گردش اوست و چیزی نیست که از
- ۷ گیرمیش پنهان باشد * شریعت خداوند کامل است و روح را بر میگردداند و شهادت خداوند صدق است و ساره
- ۸ دل را عالم میسازد * فرایض خداوند راستست و دل را خوشنود میکند و امر خداوند درخشنده است که دیدار را
- ۹ منور می سازد * خوف خداوند مطهر است و تا باید
- ۱۰ باقیست احکام خداوند درستست و تا ما صادق * این چیزها پسندیده تر از طلا اند بلکه از بسیار مضقی بالاتر و هم شیرین
- ۱۱ تر از غسل بل از شیره شهید * و نیز بنده تو از اینها منور میشود و در محافظت ایشان نفع کشیر است
- ۱۲ * کیست که درک خطایایش میکند از جرایم نهانی
- ۱۳ مرا صاف کن * و بنده خود را از غرور با نگاهدار تا آنکه بر

من مسلط نباشند تنگاه برمی خواهم شد و از تجاوز جزرگ
 ۱۲ مصطفی خواهم گردید * اقوال زبان من و تفکر دل من
 پسندیده در حضور تست خداوندان من و راننده من
 (توتی)

زبور بیستم سالار مغنیان مزبور داود

- ۱ در روز تنگدستی خداوند ترا استجابت نماید و اسم خدای
- ۲ یعقوب بتو یاری نماید * برای تو معاوضت از قدمین
- ۳ بفرستد و از صیحون ترا نصرت بدهد * جمیع قربانیهای
- ۴ ترا بخاطر بیاورد و قربانی سوختنی ترا بسوزاند سلمه * ترا
- بموافق دل تو عطا بفرماید و همه مشورت ترا کامل
- ۵ بکند * نجات تو و جمدناییم و باسم خدای ما علم را آشکار خواهیم
- ۶ نمود و بر در دگر تمامی مسائل ترا کامل بکند * الحال
- میدانم که خداوند مسیحش را رستگار خواهد کرد و از
- آسمانهای قدس خود جواب خواهد داد و نجات یحیی
- ۷ او با قوتست * ذکر بعضی بعبادهها و بعضی با سپهها است
- ۸ و ما باسم خداوند خدای خود ذکر خواهیم نمود * ایشان

خیم گشته افتادند و ما بر میخیزیم و بتریا می ایستیم * خداوند
پادشاهی را رستگار کرد و در آن زمان خواندن ما استجاب است.
ما را خواهد کرد

زبور بیست و یکم سالار مغذیان مزمور داود

- ۱ ای خداوند در قوت تو پادشاه خوشنود خواهد شد و در
- ۲ نجات تو بجه مقدار و جود خواهد نمود * آرزوی دلش را
- بهی عنایت فرمودی و سوال لبهایش را مضایقه نمودی
- ۳ سله * زیرا که او را ببرکات صالحه رسانیدی و بر سر او
- ۴ تاجی از زر پاک نهادی * از تو سوال حیات نمود باو
- ۵ ایام مطول را تا ابد الابد عنایت فرمودی * معجزش
- ۶ در نجات تو عظیمست و بر او عزت و بزرگی را نهادی
- * از آنجا که برایش بر کشتهای را معین نمودی تا باید و او را با
- ۷ مسروری در حضور خود خوشنود خواهی ساخت * سبب
- آنکه پادشاه متوکل خداوند است و با رحمت عالی
- ۸ لغزش نخواهد نمود * مید تو غمی در شمنان ترا پیدا خواهد
- ۹ کرد و بهین تو مبعضان ترا بیايد * ایشان را مثل تنور

زبور هادو * ۲۱ * ۲۲ *

آتش در وقت غضب خود خواهی گردانید خداوند بغیظ
 خود ایشان را هلاک خواهد کرد و آتش ایشان را خواهد
 ۱۰ خورد * و کمر ایشان را در زمین بل زیرت ایشان را
 ۱۱ از میان فرزندان انسان هلاک خواهی نمود * زیرا که
 بتو بدمی نیت نمودند و اندیشه مشورتی را کردند که
 ۱۲ نمی توانستند * ز آنرو که ایشان را هدف خواهی ساخت
 و بر روی ایشان بکمانهای خود تیر اندازی خواهی نمود
 ۱۳ * خداوند با قوت خود مرفوع بنا که عظمت ترا خواهیم
 سرائید و حمد خواهیم نمود

زبور بیست و دوم

سالار مغنیان بر ظاهر شدن صبح مزمور داود
 ۱ ای خدای من واله من چرا و گذاشته مرا دور از
 ۲ نجات من و از کلمات فریاد من * ای خدای من
 در روز میخوانم و جواب نمیفرمائی و در شب (میخوانم)
 ۳ و مرا خموشی نبود * لکن تو مقدسی که در ستایشهای
 ۴ اسرائیل ساکنی * والدان ما بر تو امیدوار بودند بل

- ۵ امیدوار بودند و تو ایشان را تَراد کردی * ترا فریاد نمودند و رستگاری یافتند از تو متوکل بودند و خجالت نکشیدند * لکن من کرم و نا کس میباشم ملامت مردم و محقر قوم * تمامی کسانی که مرا می بینند مرا تمسخر میکنند و لب می پیچند و سر میجنبانند * متوکل بخداوند بود و او را برانند و او را رستگار بکنند از آنرو که از خوشنود
- ۹ یَاسْت * اما تو از رحم مرا بیرون آوردی و بر پستانهای
- ۱۰ مادرم مرا مامون کردی * بر تو در رحم بنا نهادم و در شکم مادرم خدای من تولدی * از من مبادت مکن زیرا که تنگدستی نزدیکست ز آنرو که نصرت
- ۱۲ دهنده نیست * گاوان موفور مرا احاطه کردند و گاوهای
- ۱۳ پر زور باطن مرا دائره نمودند * (ماغند) شیر درند
- ۱۴ و غرش کننده دهن خود را بر من کشانند * مثل آب ریخته شده ام و تمامی استخوانهای من از هم جدا شدند و دل من چون موم گشته در میان بطن من گداخته
- ۱۵ شده است * قوت من چون سفال خشک گردید

و زبان من بدماغ من چسبیده است و بجا کف فنا
 ۱۶ مرا انداختی * زیرا که سگان خاطر فم را گرفتند و گروه شراب
 مرا احاطه نمودند دستهای مرا دیامی مرا سوراخ نمودند
 ۱۷ * و میتوانم که استخوانهای خودم را بشمارم ایشان مرا
 ۱۸ می بینند و مینگیرند * رختهای مرا در میان خود قسمت
 ۱۹ مینمایند و بر پیراهن من قرعه افکنند * و تو ای خداوند
 از من مبادت منمای قوت من بمجادت من
 ۲۰ شتاب کن * جان مرا از شمشیر و فرودیت مرا از
 ۲۱ جنگ سک برهان * از دهن شیر مرا خلاص کن و از
 ۲۲ شاخهای کمرگدن (الاحال) مرا استجابت کردی * اسم
 ترا به برادران من آشکار خواهم کرد و ترا در میان
 ۲۳ جماعت حمد خواهم کرد * ای متقیان از خداوند اورا
 حمد نمائید ای جمیع ذریب یعقوب اورا ستایش
 ۲۴ بکنید و ای جمیع فرزندان اسرائیل از او بترسید * زیرا که
 مصیبت ستم بریده را خوار نکرد و نفرت نمود و رویش را
 از او محجب نداشت اما چون اورا خواند استماع نمود

- ۲۵ * ستایش من در میان جماعت بزرگ از برای تو
خواهند بود و نذورات خود را ادا خواهم نمود در حضور.
- ۲۶ آن کسانی که از تو خائفند * فقر اطعام خواهند خورد
و سیر خواهند شد ایشان و منتجستانش خداوند را حمد
- ۲۷ خواهند نمود و دل شادمانه خواهند بود تا باید * تمامی حدود
زمین یاد خواهند کرد و بخداوند رجعت خواهند کرد و همه
- ۲۸ بنسائیل اِهم در حضور تو سجده خواهند نمود * زیرا که
ممالک زان خداوند است و بر قبایل پادشاهی
- ۲۹ میکنند * تمامی اغنیای ارض تناول خواهند کرد و سجده
خواهند نمود و همگی که بخاک فرو میروند در حضورش
- بِسَجْدَةٍ فِی افْتِنَةٍ و روح من برای او خواهند زیست
- ۳۰ * و ذریت (من) او را عبادت خواهند کرد و از خاندان
خداوند شمرده خواهند شد * خواهند آمد و صدق او را
- بخلق آشکار خواهند کرد که زایده خواهند شد زیرا که
خداوند صانع نمود

زبور بیست و نهم مزمور داود

۱ خداوند شبان من است ناچار نخواهم شد * مرا در
 علفزارهای گیاه میخواباند و بر آبهای راحت مرا رهبری
 ۲ میفرماید * روح مرا بر میگردد و در طریقهای صدق
 بسبب اسم خود مرا هدایت مینماید * اگر چه در
 سایه دره، مرگ راه روم از شر نخواهم ترسید زیرا که
 تو همراه منی چوب تو و عصای تو مرا تملی نمیدهند
 ۳ * سفره در حضور من نذر دشمنان من آماده میسازی
 و سر مرا بروغن چرب میکنی و کاسه من لبریز است
 ۴ * خلاصه نیکوئی و رحمت در تمامی روزهای زندگانی من
 مرا متابعت خواهند نمود و در خانه خداوند ساکن خواهم
 شد تا ابد الابد

• زبور بیست و چهارم مزمور داود

۱ زمین و مملویش و جهان و ساکنان در او از آن
 ۲ خداوند است * زیرا که او را بالای دریای جنانهاد
 ۳ و او را بالای آبهای جاری ثابت کرد * کیست که بگوید

خداوند بالا خواهد رفت و کیست که در مکان مقدس
 او خواهد ایستاد * کسی که پاکدست و صاف دست
 و جانفش را ببطالت بر نمیخیزاند و کاذبانه سوگند نمیخورد
 * ویرکت را از خداوند خواهد گرفت و صدق را از آنخدائی
 که رها نمیدارد * اینست نسل متجسسان او که
 دیدار ترا ای یعقوب تفحص مینمایند سلمه * ای
 پرور واز با سرهای شمارا بلند نمائید وای وروب ابد مرفوع
 شوید که پادشاه صاحب جلال داخل خواهد شد * این
 پادشاه صاحب جلال کیست خداوند قومی و توانا
 خداوندی که در جنگ پرزور است * ای دروازه
 سرهای شمارا بلند نمائید وای بابهای ابد مرتفع شوید
 که پادشاه صاحب جلال داخل خواهد شد * آن کیست
 که این پادشاه صاحب جلالست خداوند لشکر آنکس
 پادشاه صاحب جلالست سلمه

زبور بیست و پنجم از آن داود

خداوند جان مرا بسوی تو بلند خواهیم نمود * الهی بتو

- ۱ امیدوارم خجالت نخواهم کشید و دشمنانم بر من و جبر
 ۲ نخواهند نمود * منتظران تو نیز هرگز شرمندگی نخواهند
 کشید و کسانی که بی سبب معصیت مینمایند شرمسار
 ۳ خواهند بود * خداوند مرا معروف طریقهای خود
 ۴ بگردان و راههای خود را بمن تعلیم کن * مرا در راستی
 خود رهبری نما و مرا تعلیم بفرما زیرا که خدای منجی من
 ۵ تویی و همه روزه منتظر تو میباشم * خداوند رحمتهای
 خود را و مهربانیهای خود را یاد کن بدرستی که اینها
 ۶ ازینند * تو خطایای شباب مرا و گناهای مرا یاد مکن تو در
 مرحمت خود مرا یاد آر بسبب تفضل خود ای خداوند
 ۷ * خداوند نیکو و صادق است ز آنرو که گناه کاران را
 ۸ براه (راست) تعلیم خواهد نمود * افتادگان را در حکم
 (خود) هدایت خواهد فرمود و فروشان را طریق خود را
 ۹ تعلیم خواهد کرد * جمیع طریقهای خداوند رحمت
 و راست میباشد از جهت انانیکه عهد او و شهادت

- ۱۱ اورا محافظت می نمایند * ای خداوند معصیت مرا
بحق اسم خود بخش بدرستی که (گناه من) عظیم است
- ۱۲ * کیست آنکس که از خداوند مخوفست و آنکس را
۱۳ تعلیم خواهد کرد در طریقی که خود پسند میکند * جان
او در نیکوئی ساکن خواهد شد و نسلش وارث
۱۴ زمین خواهد بود * راز خداوند با خائفان اوست
- ۱۵ پوشیده خود را با ایشان آشکار خواهد نمود * دیدهای من
همیشه بطرف خداوند است زیرا که یابای مرا از دام
۱۶ متخلص خواهد کرد * بر من نظر بنما و مرا رحمت
۱۷ کن ز آن رو که واحد و مظلومم * تنگیهای دل من
زیاده میشوند مرا از تنگدستیهای من خلاص کن
- ۱۸ * معصیت و انفعال مرا به بین و تمامی گناهان مرا بخش
۱۹ * اشدای مرا نظر کن بدرستی که بسیار میشوند و بغض
۲۰ شدید مرا بغض مینمایند * جان مرا محافظت بفرما
و مرا رستگار بکن تا شرمسار نشوم زیرا که بتو متوکلم

- ۲۱ * انصاف و راستی خدا نگاه دارند بسبب آنکه بتو منتظرم
 ۲۲ * ای خدا اسرائیل را از جمیع تنگدستیهای ایشان

خلاص کن

زبور بیست و ششم از آن داود

- ۱ ای خداوند در باره من فتوی بده زیرا که من در
 ساده لوحی خود رفتار مینمایم و بر خداوند متوکلیم و لغزش
 ۲ نخواهم کرد * ای خداوند مرا امتحان کن و مرا تجربه
 ۳ بنما و اندیشههای مرا و قلب مرا خالص گردان * زیرا که
 مرحمت تو در پیش چشمهای من است و راستی
 ۴ تو رفتار مینمایم * با اشخاص باطل همی نشینم و همراه
 ۵ ریاکاران روان نمی شوم * جماعت بدکاران را بغض
 ۶ مینمایم و باشرایر نخواهم نشست * دستهای خود را شسته
 پاک خواهم کرد و در قربانگاه تو ای خداوند خواهم گردیده
 ۷ * تا آنکه باواز شکر گذاری تمامی عجایب ترا مسجود
 ۸ گردانیده آشکار سازم * خداوند موضع خانه ترا دوست
 ۹ میدارم و مقامیکه جلال تو در او ساکن است * جان

مرا پانگاه کاران و حیات مرا بدمردمان سفاک درد
 ۱۱ مکن * که در دستهای ایشان شراست و بهین ایشان
 ۱۲ از رشوت پر است * و من بساده لوحی خود رفتار
 مینمایم مرا فدا بکن و مرا مرحمت بنمای * پای من
 بر جای هموار می ایستد و در مجامع خداوند را شکر
 خواهم نمود

زبور پیدست و هفتم از آن داود

۱ خداوند نور من و نجات من است از که خواهم ترسید
 خداوند قوت حیات من است از که براسان خواهم
 ۲۰ شد * اشاری که دشمنان من و اعتمادی من (بودند) از
 برای خوردن گوشت من چون بر من رسیدند
 ۳ لغزشن کرده افتادند * اگر چه لشکر بر من خیمه زند
 دل من نخواهد ترسید اگر چه حرب برای من
 ۴ بر خیزد ازین بی شک خواهم بود * یکمطلب را
 از خداوند سوال نمودم و همین را منجبتسم که در خانه
 خداوند جمیع ایام حیات خودم ساکن شوم تا آنکه

- جلال خداوند را ملاعظه نمای نمودر هیکلش تفحص کنم
- ۵ * زیرا که در یوم بلا در خیمه خود مرا مستور خواهد
- کرد در قطب خیمه اش مرا پنهان خواهد نمود و در
- ۶ کوه مرا بلند خواهد ساخت * والاحال سر مرا بلند
- مینماید فوق دشمنانیکه در اطراف منند و قربانیهای
- شادمانی را در خیمه اش خواهم رسانند و خداوند را سرود
- ۷ و حمد خواهم نمود * خداوند اینک میگوید ترا بخوانم آواز مرا
- ۸ بشنوم مرا رحمت کن و هم مرا استجابت بفرما * ای
- دل من خداوند ترا گفته است که حضور مرا تجسس
- ۹ کن خداوند حضور ترا تفحص خواهم کرد * رویت را
- از من میپوش و بغضب از بنده خود متوجه مباش
- پناه من بوده مرا و نگذار مرا ترک مکن ای
- ۱۰ خدای منجی من * اگر چه پدرم و مادرم مرا و گذارند خداوند
- ۱۱ مرا قبول خواهد کرد * خداوند طریق خود را بمن
- نشان بده و از جهته دشمنان من در راه متقیم مرا
- ۱۲ رهبری بفرما * باختیار دشمنان من مرا تسلیم مکن

زیر آنکه شاهان کاذب و ظلم و در خدمت من بر میخیزند
 ۱۳ * اگر امیدان نبودی که در زمین زندگان کرم خداوند را
 ۱۴ دیده باشم (بیهوش شدم) * خداوند را انتظار کش و خاطر
 جمع باش که دل ترا قوت خواهد داد و بخداوند انتظار
 کش

زبور بیست و هشتم از آن داود

۱ ای پروردگار و پناه من ترا خواهم خواند از من خواهم
 مپاش اگر از من خواهم باشی شبیه میشوم بان
 ۲ کسانی که بچاه فرو میروند * آواز استغاثه مرا بشنو
 ۳ هنگامی که ترا بخوانم و در هنگامیکه دستهایم بسوی مقام
 ۴ قدس تو بلند میکنم * بگذار که تسلیم کرده شوم با شرار
 و بدکارانی که با شنایان خویش سلام میگویند هنگامی که در
 ۵ قلب ایشان بدی هست * ایشان را موافق کردار
 ایشان و موافق کوششهای بدی ایشان بده و ایشان را
 موافق عمل دستهای ایشان بده و عوض ایشان را بایشان
 ۶ رد کن * از آنجا که اعمال خداوند را و صنعت دستهایش را

زبور داور * ۲۸ * ۲۹ * ۳۰ * ۳۱

ورک ننمودند (خدا) ایشان را خراب خواهد کرد
 ۶ و ایشان را تعمیر نخواهد نمود * خداوند مبارک باد زیرا
 ۷ که آواز تضرعهای مرا شنید * خداوند قوت منست
 و سپهر من که دل من باو متوکل است و معاونت می
 یابم و از آنرو دل من وجد مینماید و بسرود خودم او را حمد
 ۸ خواهم نمود * خداوند قوت قوم خود است و استوار
 ۹ کننده نجاتهای مسیحش اوست * بقوم خود نجات
 ده و میراث ترا برکت بده و ایشان را پرورش کن
 و ایشان را مرفوع کن تا بابد

زبور بیست و نهم از آن داود

۱ ای فرزندان پروردان خداوند را وصف نمائید و جلال
 ۲ و قوت خداوند را وصف نمائید * بخداوند عظمت
 اسمش را وصف نمائید و در رفق قدس خداوند را
 ۳ سجده نمائید * آواز خداوند بر آبهاست خدای جلیل
 ترعد مینماید بخداوند در بالایی آبهای بسیار است
 ۵ * آواز خداوند بقوتست و قول پروردگار بفضیل * آواز

خداوند سرود آزادارای می شنکند بلکه خداوند سرود آزادارای
 ۶ لبنان را میشکند * وایشان را مثل گوساله ولبنان
 ۷ و سریان را چون بچه کمرگدن میجهاند * آواز خداوند
 ۸ شعلهای آتش را جدای کند * آواز خداوند بیابان را لرزان
 میگرداند (بلکه) خداوند بیابان قافش را متزلزل
 ۹ میکند * آواز خداوند غزالها را حمل میگرداند و جنگلها را
 برهنه میسازد و هر کس جلالتش در هیچکس وصف مینماید
 ۱۰ * و خداوند بر بالای طوفان می نشیند و پیاوشاهی خداوند
 ۱۱ می نشیند تا بابد * خداوند بقوم او قوت خواهد داد
 و امت خود را با سلامت مبارک خواهد کرد

زبور سلیم

۲ مزمور و سرود از برای وقف خانه داود

۱ ای خداوند ترا حمد خواهیم نمود زیرا که مرا بر داشتی
 ۲ و دشمنان مرا بر من و دشمنان نگذاشتی * ای خداوند
 ۳ و اله من استغاثه نمودم و بمن شفا بخشیدی * ای
 خداوند جان مرا از قبر برگردانیدی و مرا زنده نگاهداشتی

- ۴ تا بچاه قبر فرو نروم * خداوند را براهید ای مقیدسان
 ۵ او در ذکر قدس او حمد نائید * بدرستی که در غضبش
 دقیقه و در لطفش حیات است در شام گریه بر
 ۶ میبرد و در صبح خوشنودی * و من در استراحت خود
 ۷ گفتم که تا باید متحرک نخواهم شد * خداوند در لطف
 خود بدن مرا محکم و قوی ساختی و روی خود را محجب
 ۸ نمودی و مضطرب گردیدم * ای خداوند بتو استغاثه
 ۹ خواهم نمود و بخداوند تضرع خواهم کرد * از خون من
 چه حاصل اگر بچاه فرو روم آیا خاک بتو حمد خواهد
 ۱۰ نمود آیا صدق ترا آشکار خواهد نمود * خداوند بشنو
 ۱۱ و مرا رحم کن خداوند مرا یاری کننده باش * ناله مرا
 بوجه منعکس گردانیدی و دل را از من بپروان کشیدی
 ۱۲ و مرا با شادمانی کمر بستگی * تا آنکه جلال ترا سراپم و خواهم
 نباشم ای خداوندی واله من تا باید ترا حمد خواهم نمود

- ۱ زبور سی و یکم سالار مغنّین مزمور داود
- ۲ خداوند! بشو پناه می آورم. شرمسار نخواهم شد تا بانه
- ۳ و براستی خود مرا رستگار کن * گوش خود را بمن
- ۴ فرا وادار و بنزدی مرا برهان و از برای من کوه قومی
- ۵ و خانه * مشید بسبب استخلاص من باش * بدرستی که
- ۶ کوه من و قلعه من توئی و بحق اسم تو مرا هدایت
- ۷ کن در بهیمنی نمای * از آن دامی که برای من پنهان
- ۸ کردی مرا مخلص کن زیرا که قوت من توئی
- ۹ * بید تو روح خود را می سپارم (زیرا که) ای خداوند و خدای
- ۱۰ صادق مرا فدا کردی * بغض مینمایم بآن کسانی
- ۱۱ که بتهمای باطل را نگاهدارند و من بخدا متوکلیم * در
- ۱۲ رحمت و تو خوشنود خواهم گردید و وجد خواهم نمود
- ۱۳ زیرا که مصیبت مرا نگرستی و در تنگسینها جان
- ۱۴ مرا نگاهداشتی * و مرا بسته بدست دشمنان من
- ۱۵ تسلیم نکردی و قدمهای مرا در کشابگی پایدار نمودی
- ۱۶ * خداوند! مرا شفقت بفرما زیرا که تنگدستی زان من

است چشم من از غم خورده شده و جان و بهر من
 (کاهید) * زیرا که حیات من در غم و سالهای من در
 نالش باخر میرسند قوت من بسبب مصیبت من
 سست شد و استخوانهای من تهی گردیدند * از تمامی
 دشمنان خود خصوصاً همشینیان خود مشغول شدم
 و کسانی که مرا شناختند خائف شدند و ایشان که مرا
 ۱۲ در بیرون دیدند فرار نمودند * مانند ابله موت فراموش
 ۱۳ شدم و مثل کاسه شکسته از خاطر رفتم * زیرا که بدنامی
 از اشخاص بسیار شنیدیم و ترس در اطراف هنگامی که
 هر یک بر ضد من مشورت کردند و خیال بستند که جان
 ۱۴ مرا بگیرند * وای خداوند من بر تو اعتماد نمودم و گفتم
 ۱۵ که خدای من توئی * زمانهای من در دست دست
 و مرا از دست دشمنان من و از آنانی که مرا تعدی می
 ۱۶ نمایند مخلص کن * روی خود را بر منده خود درخشان
 ۱۷ بکن و در شفقت مرا نجات بده * خداوند خجالت
 مخوام کشید زیرا که ترا خوانده ام و اشرار خجالت بکشند

- ۱۸ و در قبر خموش باشند * لبهای دروغ خموش گردیده
خوانند گشت که متکبران و تحقیرانه حرفهای سخت بر
۱۹ صدیقی میزنند * چه بسیار است نکوئی تو که نهان
کردی از برای خائفان خود و بجا آوردی از جهت آن
کسانی که در حضور فرزندان انسان بر تو امیدوارند * وار
۲۰ غرور مردم ایشان را در خلوت حضور خود مستور
خواهی کرد و ایشان را از منازعت زبانها در خیمه نهان
۲۱ خواهی نمود * خداوند مبارک باد زیرا که رحمت عجیب
۲۲ خود را بمن در شهر محکم نشان داد * و من در نفس
خود گفتم که از پیش چشمهای تو دور میشوم اما
۲۳ هنگامیکه ترا خواندم آواز تضرعهای مرا شنیدی * خداوند را
دوست دارید ای مقدسانش که خداوند مؤمنین را
۲۴ نگاه میدارد و مغرور را فراوان عوض می نماید * خاطر جمع
باشید که قلب شما قوت خواهد داد هنگامی شما که از
خداوند امید دارید

زبور سی و دوم از آن داود تعلیم دهنده :
 خوشا حال آن کسی که تجاوزش معفو و گناهش مستور
 است * خوشا حال آن کسیکه خداوند معصیتش را
 بر او محسوب نمیکنند و در روحش غشی نیست * از
 جهت آنکه همه روزه فریاد کردم استخوانهای من
 ضایع گردیدند در هنگام خروش بودن من * زیرا که
 روز و شب دست تو بر من گران بوده و تو
 و تازگی من بخشکی تابستان مبدل گردید سله * بگناه
 خود معترف شدم و معصیت خود را پوشیده ام گفتم
 تجاوزهای خود را بخداوند اعتراف کرده باشم و تو
 و زربال مرا برداشتی سله * از اینجهت هر صدیقی در
 زمان اجابت استغاثه خواهد نمود و یقین در زبان
 طغیان نمودن آبهای بسیار با و نخواهد رسید * و تو
 برای من ملاحظائی و مرا از تنگدستی نگاه خواهی داشت
 و بسروهای رستگاران مرا احاطه خواهی نمود سله * ترا
 تفهیم نمایم و تعلیم خواهیم داد برایی که در او خواهی رفت

۹ و نظیر من بر تست و موعظه خرابم نمود * مانند اسپ
و استری که آموخته بلام نخواهد شد مباحث که بدین
سبب باید دهن بند بدینش به بندند مبادا که اینزایش
۱۰ بتو برسد * عذابها از جهت شریر بسیار است اما
رحمت احاطه خواهد کرد بانکسانی که بخداوند متوکلند
۱۱ * ای صدیقان از خداوند خوشنود باشید و وجد نمائید
و آتی تمامی راسته‌لان از جهت شادمانی بسرائید

زبور سی و سیم

۱ ای مقدسان خداوند را بسرائید که حمد شایسته از
۲ برای راستانست * خداوند را در جنگ شکر نمائید
۳ و در تار و ریسمانی بوی بسرائید * سرود تازه را برایش
۴ سرود کنید و بشادمانی ساز را بنوازید * بد رستیکه سخن
خداوند راستست و هر عملش در حقیقت است
۵ * صداقت و حکم را دوست دارد و زمین از رحمت
۶ خداوند مملو است * از سخن خداوند آسمانها بوجود

- ۷ آمدند و بروح دهنش تمامی شکرهای ایشان * قلبهای
- ۸ در برابر او مانند میان شیشه بهم مجتمع میگروند و عمیق بار
- ۹ در خزاین بگذارد * تمامی مخلوق زمین از خداوند
- ۱۰ بترسند و تمامی ساکنان جهان از وی هراسان باشند
- ۱۱ * زیرا که خودش گفت و بعمل آمد و خودش فرمان داد
- ۱۲ و پایدار شد * خداوند مشورت طوایف را ضایع میکند
- ۱۳ و اندیشههای خلافت را معدوم می سازد * تدبیر خداوند تا
- ۱۴ بابد باقی خواهد بود و اندیشههای قلبش پشت به
- ۱۵ پشت * خوشا حال آن قومی که خدای ایشان خداوند
- ۱۶ است و خلقی را که از جهت خود بوراثت برگزیده
- ۱۷ است * خداوند از آسمان می نگرد و جمله فرزندان
- ۱۸ انسان را می بیند * از مکان نشستن خود بر تمامی
- ۱۹ ساکنان زمین نگریست * قلبهای ایشان را یک
- ۲۰ بیک مشکل کرده تمامی اعمال ایشان را ادراک می
- ۲۱ نماید * پادشاهی نیست که از وفور قوت نجات یابد
- ۲۲ و نه شجاعی که از نیرومندی عظیم خود خلاص یابد

- ۱۷ * استپ از برای نجات چیزی فریبنده است و از
بسیاری قوت خود صیاحش را خلاص نتواند نمود
۱۸ * اینک نظر خداوند بر خائفان اوست و آنانکه از
۱۹ رحمتش امیدوارند * تا جان ایشانرا از مرگ برانند
۲۰ و ایشان را از جوع زنده نگه دارد * جان ما منتظر
۲۱ خداوند است که پناه ما و سیر ما اوست * بیقین دل
ما از او خوشنود، خواهد شد زیرا که باسم مقدس او
۲۲ متوکیم * خداوند بر ما رحمت تو باشد بطوری که از
نو امیدواریم

زبور سی و چهارم

- از آن داود در زمانی که در حضور ابی ملک عقل
خودرا تغییر داد و ملک او را براند و داود بیرون رفت
۱ در هر وقت خداوند را شکر خواهم نمود و همیشه شایش
۲ در دهن من خواهد بود * جان من از خداوند فخر
خواهد نمود و مفلوکان خواهند شنید و شادمانی خواهند
۳ نمود * عظمت خداوند را با من وصف نمانید و با هم دیگر

- ۴ اسمش را بلند نمائیم * خداوند را تجسس کردیم و مرا
استجابت کرد و از تمامی تپشهای من مرا خلاص کرد
- ۵ * کسانی که او را نگریدند منور شدند و رویهای
ایشان خجالت نکشیدند * و این مفلوک دعا نمود
- و خداوند استجابت فرمود و از تمامی تنگدستیهایش او را
نجات داد * و فرشته خداوند در اطراف خائانش خیمه
- ۸ میزند و ایشان را نجات میدهد * زائقه نمائید و ببینید
خداوند را که نیکوست خوشا حال آنکس که بر او
- ۹ متوکل است * ای محققان او از خداوند بترسید زیرا که
۱۰ نقصی بخائانش نخواهد رسید * شیر، بچگان محتاج
و گرسنه میشوند اما آن کسانی که بخداوند متجسسند
- ۱۱ در هر چیز خوب هرگز کم نخواهند دید * ای فرزندان بیایید
و از من بشنوید که شمارا بترس خداوند خواهم آموخت
- ۱۲ * کیست آن کسی که خواهش حیات دارد و ایام را
۱۳ از برای دیدن خوبی دوست میدارد * زبان خود را
۱۴ از بدی و لبهای ترا از گفتن غدر نگاهدار * از شر

- دور شو و بخوبی مشغول شو و صلح را تفحص کن
 ۱۵ وادرا متابعت بنما * نظر خداوند بر صدیقانست و گوشش
 ۱۶ بفریاد ایشان * روی خداوند در خدمت بندگان است
 ۱۷ تا آنکه ذکر ایشان را از زمین منقطع سازد * صدیقان
 استغاثه می نمایند و خداوند اجابت میکند و ایشان را از
 ۱۸ تمامی تنگدستیهای ایشان میراند * خداوند بدل
 شکستگان نرویکست و بان کسانی که روح ایشان
 ۱۹ ضعیف است نجات خواهد بخشید * بلاهای صدیق
 بسیار است اما از همه ایشان خداوند بوی نجات
 ۲۰ خواهد داد * استخوانهای ایشان را نگاه خواهد داشت
 ۲۱ که از آنها یکی شکسته نخواهد شد * بلا شیر را بقتل
 خواهد رسانید و مبعضان صدیق خراب خواهند شد
 ۲۲ * خداوند جان بندگان خود را فدا کند و تمامی کسانی که
 باو متوکلند هرگز خراب نخواهند گردید

زبور سی و پنجم از آن داود

۱. خداوند با متعديان من جدال کن و ستیزه کن با آن
۲. کسانی که با من جنگ می نمایند * سپهر و اسلحه را بگیر
۳. و معاومت من بر خیز * و در خدمت متعديان من نیر
۴. و شمشیر را بکش و بجان من بگو که منجی تو منم * آن
- کسانی که متجسسان جان منند خجالت بکشند
- و شر مسار باشند و آنانی که از برای اضرار من متفکرند
۵. بر گردیده شوند و رسوا گردند * مثل گاه در پیش باد
۶. باشند و فرشته خداوند ایشان را براند * راه شان تاریک
۷. و لغزنده باشد و فرشته خداوند ایشان را طرد نماید * زیرا که
۸. بی سبب از برای من دام خود را پنهان کردند و بی
- سبب از برای جان من چاه را کنند * و انهدام
- ناگهان بر او برسد و بگیرد او را آن دمی که خود
۹. پنهان کرده بود در همان تپاهی بفتند * و از خداوند جان
- من و جود خواهد کرد و در نجاتش فخر خواهد نمود
۱۰. * جمیع استخوانهای من خواهند گفت که پروردگار ما

تو کیست که مظلوم را برانند از آن کسی که چیره
 دست تر از اوست بلکه مظلوم و بیچاره را از مختربش
 ۱۱ * شاهمان ظالم بر پا ایستادند و آنچه ندانستم از من
 ۱۲ سوال نمودند * عوض خوبی بدی را بمن برای خرابی جان
 ۱۳ من باز رسانیدند * و خودم هنگامی که ایشان بیمار شدند
 لباسم از دلق شد جانم را بروزه مظلوم کردم و دعای من
 ۱۴ بشویم بازگشت نمود * و خودم مثل رفیق و مانند برادر
 رفتار نمودم در لباس سیاه ختم شدم مثل کسی که از برای
 ۱۵ داورش غمخورد * لیکن در نکبت من شادمانی می
 نمایند و بهم میبرسند بلکه کوبند گاهی که (ایشان را) نمی
 شناسم بر من مجتمع میکردند و میکوبند و توقف
 ۱۶ نمی نمایند * زبان ستم دیدن من تمسخرانه استهزای
 ۱۷ نمودند و دندان خود را بر من می فشارند * خداوند تا
 بکسی ملاحظه خواهی نمود جان مرا از پایمال ایشان
 ۱۸ و فردیت مرا از شیران برگردان * در میان جماعت
 بزرگ ترا حمد خواهیم نمود و در میان قوم پرزور ترا

- ۱۹ تمجید خواهیم کرد * آن کسانی که بلا انصاف در میان
 میزند بر من وجه نمایند * آنانی که بیعت مرا بغض
 می نمایند چشم را کج نکنند * زیرا که صلح را گفتگو نمیکنند
 ۲۰ دور خد مصلحان زمین سخنان فریبده را اندیشه
 ۲۱ مینمایند * و من خود را بر من کشاده میگویند که آخ
 ۲۲ نظر ما می بیند * خداوند نظر میفرمائی خدوش مباحث
 ۲۳ پروردگارا از من دور مشو * امی خداوند من واله
 من برای داری من بر خیز و بدعوی من بیدار
 ۲۴ باش * امی خداوند واله من برستی خود مرا تحکم
 ۲۵ بفرما تا در خد من مفتخر نباشند * در قلب خودشان
 بگویند که آخ بکام ماست و بگویند که او را فرود آوردیم
 ۲۶ * آنانی که در بالای من مسرورند تمامی خجالت بکشند
 و شر بسیار گردند و بحجالت و انفعال مستور شوند که
 ۲۷ خود را بالای من رفوع نمایند * آنانی که از صدق من
 خوشنودند بسپارید و شادمان باشند و همیشه بگویند که
 معظم بار خداوند که بسلامت بنده خود را اراده فرمود

زبور داود * ۳۵ * ۳۶ *

۲۸ * پیله روزه زبان من عدالت ترا خواهد بیان نمود
و ترا حمد خواهد کرد *

زبور سی و ششم

سالار مغنیان از آن داود عبد خداوند

- ۱ اندرون دل شریر سخن عاصی است و بیش
- ۲ چشمهایش ترس خدا نیست * زیرا که او در نظرهای
- خویش می پسندد کار خود را نه آنکه گناهش را پیدا
- ۳ نموده بگناه بغض نماید * سخنهای دهنش باطل
- و فریبنده است و در فهمیدن نسبت بعمل خوبی
- ۴ توقف مینماید * بطلان را بر بستر خود تفکر میکند و در
- ۵ راه ناشایسته قرار میگیرد و بدی را تنفر ندارد * خداوند
- رحمتد تو در آسمانها و حقیقت تو تا بسپهر است
- ۶ * راستی تو مانند کوههای عظیم است و احکام تو بسیار
- عمیق وای خداوند انسان و حیوان را نگاه میداری
- ۷ * ای خدا کرم تو چه بسیار عزیز است و فرزندان انسان
- ۸ بکنف اجحه نو بنه می آورند * از نعمت خانه تو

سیر خواهند شد و از رودخانه‌های لذت خود ایشان را
 ۹ خواهی نوشانید * زیرا که چشمهٔ حیات پائست در
 ۱۰ روشنی تو نوری را خواهیم دید * رحمت خود را بعارفان
 ۱۱ خود و صداقت خود را براستدلان برسان * پای کبر
 ۱۲ بر من نرسد و دست اشار مرا متحرک نکند * اینک
 فسادکنندگان افتاده اند و مردودند و نمیتوانند بر
 خواست

زبور سی و هفتم از آن داود

۱ بر اشار افروخته مشو و بر بدکاران حسد مبر
 ۲ * بدرستی که ماغذ گیاه بزودی منقطع خواهند شد و مثل
 ۳ نبات تازه پژمرده خواهند گردید * متوکل بخداوند
 باش و خوبی را بعمل بیاور تا در زمین سعادتمند باشی
 ۴ و در امنیت پرورش یابی * بر خداوند مسرور شو که
 ۵ خواهشهای دلت را بتو عطا خواهد کرد * طریق خود را
 بخداوند بسپار و بر او اعتماد بنما که او درست خواهد
 ۶ کرد * و چون نور بیرون راستی ترا خواهد آورد و حکم

- ۷ تیر چون (زمان) ظهر * نژد خداوند ساکت باش و از او
منتظر باش و افروخته مباش بر آن کسی که براه
خود بر خوردار است و از برای کسی که تدبیر نمی (خود را)
۸ بجای آورد * از خشم توقف کن و غیظ را و گذار
۹ و افروخته مباش که مبارز بدی را عمل نمائی * زیرا که
بدکاران منقطع خواهند شد اما آنانی که منتظر خداوندند
۱۰ زمین را باثبات خواهند داشت * هنوز زمانی (باقست)
و شیر نخواهد (زیست) و جستجوی بسیار برای مقامش
۱۱ خواهی کرد و او را بنظر نخواهی در آورد * خود فروتنان
دارت زمین خواهند شد و از بسیاری سلامت عیش
۱۲ و عشرت خواهند یافت * شیر در خمد صدیق حبله می
۱۳ کند و بر او دندان خود را می فشارد * خداوند باو استهزا
۱۴ خواهد کرد زیرا می بیند که روزش می آید * اشار
شمشیر را کشیدند و کمان را خم کردند تا مفلوکان
و بیچارگان را بیندازند تا راست رفتارشان را زبح سازند
۱۵ * شمشیر ایشان در دل ایشان فرو خواهد رفت

- ۱۶ و کمانهای شان شکسته خواهند گردید * قلیل البینانه
 ۱۷ صدیق از دولت اشرار بسیار افضل است * زیرا که
 بازوهای اشرار شکسته خواهند گشت و خداوند معین
 ۱۸ صدیقانست * خداوند روزهای مخلصان را ادراک
 ۱۹ نماید و میراث ایشان خواهد بود تا بابد * در زبان بلا
 خجل نخواهند گشت و در روزهای گرسنگی سیر
 ۲۰ خواهند شد * زیرا که اشرار هلاک خواهند شد و دشمنان
 خداوند مانند پیمه برآ مضحک خواهند گردید و مانند
 ۲۱ دودی نابود خواهند شد * زیرا شریر عاریت میگیرد
 ۲۲ و ادا نمی نماید اما صدیق کرم میکند وی بخشنه * زانرو که
 سبیدانش وارث زمین خواهند گشت اما ملعونانش
 ۲۳ منقطع خواهند شد * قدمهای مرد نیکو از خداوند
 استوار گردیده شوند و از طریقش خوشنود خواهد شد
 ۲۴ * اگر چه بیفتند هلاک نخواهند شد زانرو که دست
 ۲۵ او را خداوند بگیرد * جوان بودم و حالا پیرم لیکن
 هرگز صدیق را ندیدم که ترک گشته شود و زریقتش

- ۲۶ ناری را در یوزه کنند * همه روز کرم است و عاریت
 ۲۷ میدهم و ذریتش نیز مبارکند * از بدی دور شو
 ۲۸ و نیکوئی را بعمل آور و باقی باش تا باید * زیرا که
 خداوند عدل را دوست میدارد و مقدسانش را
 و نمیگذارد محفوظ میباشند تا باید لیکن ذریّت
 ۲۹ اشار منقطع خواهند گشت * صدیقان بوراشت
 زمین را خواهند داشت و در او ساکن خواهند شد تا
 ۳۰ باید * دهن صدیق حکمت را تقریر خواهد کرد و زبانش
 ۳۱ عدل را بیان خواهد نمود * شریعت الهی در دل
 ۳۲ اوست و قدمهایش لغزش نخواهد نمود * شریر بصدیق
 ۳۳ مینگرد و تفحص مینماید تا او را بکشد * خداوند در
 دست متجسس او را فراموش نخواهد کرد و در زمان
 ۳۴ حکم بر او باز خواست نخواهد نمود * منتظر خداوند
 باش و طریقتش را نگاهدار که ترا از برای دراشت
 زمین رفیع خواهد نمود در هنگامی که منقطع نمید
 ۳۵ شرایر را خواهی دید * شریر را مخوف دیدم چون

ماخذ درختی که در میان اصلیش خود را فرستاده کرده
 ۳۶ بشکند * عبور آگزشت و نا پدید گشت بلکه او را
 ۳۷ جستجو کردم و پیدا نشد * انصاف را نگاه دار و بر راستی
 بنگر زیرا که بقیه از برای مرد صالح می ماند
 ۳۸ * عاصیان بالکلیه هلاک خواهند گشت و شرار قطع
 ۳۹ نسل خواهند شد * و نجات صدیقان از خداوند است که
 ۴۰ در ایام تنگدستی مقومی ایشانست * و خداوند ایشان را
 معاوضت خواهد کرد و خلاصی خواهد بخشید و ایشان را
 از شرار متخلص خواهد فرمود و ایشان را نجات
 خواهد داد ز آنرو که باد متوکلند

زبور سی و هشتم

از آن داود از برای ذکر کردن
 ۱ خداوند در غیظ خود مرا عتاب ممکن و در غضب خود
 ۲ مرا تنبیه مفرأ * زیرا که تیرهای تو در من می نشینند
 ۳ و دست تو بر من شکنجه می نماید * بسبب غضب تو
 تندرستی در جسم من نیست و از برای گناه خود آرام

۴ در استخوانهای خود نمی یابم * بدرستی که معصیت‌های من
از فوق سر من گزشتند و چون بارگران بر من
۵ بسیار گرانی میکنند * از جهت نادانی من زخم‌های
۶ من متعفن میشوند و پوسیده میگردند * پیچ خورده
۷ بغایت خن شده ام و تمامی روز غمگین میگردم * کمرهای
من از تعب مملو است و تندرستی در جسم من
۸ نیست * بسیار ضعیف و شکسته میشوم و از طیش
۹ دل خود و لوله می‌کنم * خداوند ا تمامی خواهش من در
۱۰ حضور تست و نالش من از تو پوشیده نیست * دل
من می‌طپد و قوت من مرا و می‌گذارد و نور چشمان
۱۱ من خود نیز با من نمی ماند * محتبان من و مصاحبان
من در قفای من دور از صدمه من محبوسند و قریبان
۱۲ من و درادور ایستاده اند * اشخاصی که جان مرا
جستجو مینمایند دام‌هایی نهند و آن کسانی که ضرر مرا
تفحص مینمایند بدیهارا میگویند و تمامی روز فریب‌بار
۱۳ تدبیر میکنند * و من باغند که نمی شنوم و مثل گنگبی

- ۱۴ ام که دهن خود را نمی کشاید * مانند کسی میباشم که
اصفا نمی کند و کسی که در دهنش مناقشها نباشد
- ۱۵ ای خداوند ز آنرو که بتو متوکلیم تو استجابت بفرما
- ۱۶ ای پروردگار خدای من * جهته آنکه گفتم مبادا بر من
فخر کنند و در هنگامی که پامی من لغزش نماید خود را
بر من مرفوع بنمایند * زیرا که بلغزش میا ام و در
- ۱۸ من همیشه در نظر من است * برای آنکه معصیت
خود را آشکار مینمایم و بسبب گناه خود مضطرب
- ۱۹ میباشم * و دشمنان من قیوم و زور آورنده و کسانی
که مرا بی سبب بغض می نمایند بسیارند * و آنانی که
بهی را عوض نکوئی مینمایند اعدای من باشند از
- ۲۱ جهته آنکه خوبی را متابعت مینمایم * خداوند مرا و
۲۲ مگذار دای خدای من از من دور مباش * بمعاونت
من شتاب کن ای خداوند منجی من

د زبور سی و نهم

- سالار مغنیان از برای یدیتون مزمور داود
- ۱ گفتم که راههای خود را محافظت خواهم کرد که مبادا بزبان معصیت نایم و در هنگامی که شریر در حضور من است دهن من را بر دهن خود نگاه خواهم داشت
 - ۲ * از خواموشی گنگ شدم و از خوبی ساکت گشتم
 - ۳ اما غم من زیاده گردید * دل من در سینه مشتعل گردید و آتش در زبان تفکر من مرا سوزانید و بزبان خود گفتم * خداوند مرا عارف انجام من و پیمانهایم من کن که تا بدانم چند است و ناتوانی من چه مقدار است * اینک ایامهای مرا به پهنانی دست کردمی و عمر من در نظارت مانند هیچ است بدرستی که هر کس که زیست نماید بالکلیه با عبت میشود * یقین که انسان به بیهودگی رفتار مینماید و مشقت بیفایده می کشد و مال را جمع میکند و نمیداند کدام کس او را خواهد برداشت * و حال ای خداوند از برای چه منتظر هستم

- ۸ انتظار من از نُسْت * و مرا متخلص از همه تَجَازِی من
 ۹ کن و سرکوب احمقان مرا مگردان * گنگ شدم
 ۱۰ دهن خود را نکشادم ز آنرو که تو بعمل آورده بودی * از
 بالای من صدمه خود را بردار که من از ضرب دست تو
 ۱۱ کاهیده گشتم * مردم را از برای گناه بعقوبتها تنبیه می
 فرمائی و از رویش را مانند سپشه گداخته میسازی یقین
 ۱۲ همه کس عبت میشوند سله * خداوند دعای مرا بشنود
 و باستغاثه من اصغاکن و باشک من خموشی خود را
 ظاهر مساز زیرا که من مانند پدران خود نزد تو بیگانه
 ۱۳ و مسافرم * از من متوجه باش که قومی خواهم
 گردید پیش از اینکه بروم و باقی نباشم

زبور چهلم

سالار مغنیان مزمور داود

- ۱ با تمید داری انتظار خداوند را کشیدم و بسوی من میل
 ۲ فرمود و فریاد مرا شنید * از چاه ویران و از گِل
 و حل مرا برداشت و قدمهای مرا بر سنگ نهاد

۳ وگنوزهای مرا آراسته گردانید * صمد را برای خدای ما
 بدین من سرود تازه دارید (خلقان) بسیار ملاحظه خواهند
 نمود و خواهند ترسید و بخداوند متوکل خواهند گشت
 ۴ * خوشحال آن کس که خداوند را امید خود میگرداند
 و مغروران و اشخاصی که در پی کذب میروند توجه
 ۵ ننمایند * امی خداوند واله من بسیار گردانیدی عجایبات
 خود را و تدبیرات ترا کسی بجهت ما در حضور تو ترتیب
 نتواند نمود اگر (میخواستم ایشان را) بیان سازم و عرض
 کنم از حساب افزودن بودند * قربانی و هدیه را
 نخواستی گوشه‌های مرا سوراخ کردی قربانی سوختنی را
 ۷ و هدیه گناه را سوال نمودی * پس گفتم اینک فی
 ۸ آیم که در جلد کتاب در حق من نوشته است * الهی
 از برای عمل آوردن رضای تو خوشنودم و شریعت
 ۹ تو در میان دل من است * خداوند را نو میدانی که
 در جماعت بزرگ بصدق موعظه نمودم که اینک
 ۱۰ لبهای خودم را و انداشتم * در میان دل خود عدالت

ترا مخفی ننمودم وفاداری ترا و نجات ترا آشکار نمودم
 در جماعت بزرگ کرم ترا و حقیقت ترا پنهان
 ۱۱ نکردم * تو ای خداوند رحمت‌های خود را از من باز
 ۱۲ نگیر تا کرم و حقیقت تو مرا دایم نگاه بدارند * بدرستی که
 بلایای بیشمار مرا احاطه نمودند و معصیت‌های من مرا
 اینطور فرو گرفته اند که نمیتوانم نگریمست ز آن‌رو که
 از موای سر من بیشترند و دل من نیز مرا واگذاشته
 ۱۳ است * خداوند از برای استخلاص من راضی
 ۱۴ شو پروردگارا بمعاودت من شتاب کن * آن
 کسانی که جان مرا جستجو مینمایند تا او را هلاک
 بکنند بهم منفعلی شده شرمندگی برند و آن کسانی
 که از بلای من خوشوقتند برگردانیده و رسوا گردند
 ۱۵ * و آن کسانی که بمن افسوس می‌بهرند از برای نمک
 ۱۶ خود خراب کرده شوند * تمامی طالبان تو خوشنود
 باشند و از تو مسرور شوند و آنانی که محبان نجات تو
 ۱۷ اند همیشه بگویند که عظیم باد خداوند * اگر چه من

بچاره و مسکینم لیکن خداوند در باره من فکری نماید
معاون من و منجی من توئی ای خداوند توقف مکن

زبور چهل و یکم سالار مغنیان مزمور داود

- ۱ خوشا حال آن کس که مسکین را ادراک نماید
- ۲ خداوند او را در ایام بلا منخلص خواهد کرد * خداوند او را محافظت خواهد کرد و او را زنده خواهد داشت
- ۳ در زمین خجسته خواهد بود و او را بخوابش و شمنانش تسلیم نخواهد نمود * خداوند او را بر بستر سقم پناه خواهد بود (خداوند) در بیماری او تمامی فرشش را درست
- ۴ خواهی گردانید * من گفتم که خداوند مرا رحمت کن و بجان من شفا ببخش زیرا که بخلاف تو گناه کردم
- ۵ * دشمنان من در حق من تکلم می نمایند که کسی او
- ۶ خواهد مرد و اسمش کم خواهد شد * کسی اگر از برای ملاقات من آید فریانه متکلم می شود و دل او از برای خود بدی را فراهم آورد بیرون می رود و خبر

۷ میبهد * تمامی مبعضان من بیکدیگر در خید من
 نجوی میگویند و بلای مرا بر من حساب میکنند
 ۸ * که مرض فاسد بر او ریخته شده است چون که
 ۹ خوابید نمیتواند بر خیزد * و نیز آن کسی که مشفق
 من بود و باد متوکل بودم و نان مرا خورد بر من
 ۱۰ پامی خیانت را بلند کرد * و تو ای خداوند مرا رحمت
 ۱۱ بفرما و مرا بر خیزان تا بایشان عوض نمایم * ازین
 میدانم که از من خوشنودی زیرا که دشمن من بر
 ۱۲ من فخر ندهایند * و نسبت بمن در سادۀ دلی من
 معاونت نمودی و در حضور خود مرا قیوم ساختی تا
 ۱۳ باید * مبارک باد خداوند و خدای اسرائیل از ازل
 تا باید آمین آمین

زبور چهل و دویم

سالار مغنیان تعلیم از برای فرزندان قارون

۱ ای خدا بطوری که چون آه از برای آبهای جاری
 منتظر است بهمین طریق جان من منتظر تست

- ۲ * چنان من از برای خدا بل خدای حتی تشنه است
که کسی خواهم آمد و در حضور خدا نمودار خواهم گشت
- ۳ * اشکهای من روز و شب مرا عوض نان شده هنگامی
۴ که هر روزه بمن میگویند که خدای تو کجاست * اینهارا
بمخاطره آورده ام و (آرزوی) جان خود را بیرون میبریزم تا
آنکه چون گرده عید نمایند بگذرم (بخیمه) و باواز سرور
۵ و شکر گذاری ایشان را بخانه خدا روان نمایم * ای جان
من پیرا منهنی میشوی و در اندرون من چرا مضطرب
میکردی متوکل بخداوند باش زیرا که هنوز او را شکر
۶ خواهم کرد که منجی ذات من است * یا الهی جان
من در اندرون من منهنی میشود ز آنرو در زمین
اردن و خرموئیان و از کوه مصر ترا بمخاطره خواهم آورد
۷ * موج بحج در آواز تلاطمهای تو فریاد میکند تمامی
۸ شکستهای امواج تو بر من عبور نمایند * در روز
خداوند رحمت خود را عطا خواهد فرمود و در شب سرود او
با من خواهد بود و دعای من با خدای حیات من است

۹ * بخدا میگویم که ایکنه من از برای چه مرا فراهموش
 ۱۰ کردی چرا که از ظلم دشمن غمگین میروم * زمانی
 که شمشیر در استخوانهای من است اعدای من
 مرا فحش میدهند و هر روز میگویند که خدای تو
 ۱۱ کجاست * ای جان من چرا منهنی میشوی و در
 اندرون من چرا مضطرب میگردی متوکل بخداوند
 باش زیرا که هنوز او را شکر خواهم کرد که منجی ذات
 من و خدای من است

زبور چهل و سیم

۱ خدا یا حکم برای من کن و دعوی مرا تفتیش کن
 و از طائفهٔ بی رحم و آدم محیل و فساد کننده مرا منخلص
 ۲ کن * پدرستیکه خدای مقوی من تویی و مرا از چه
 سبب دور میگردانی چرا نوحه کنان در هنگام ظلم
 ۳ نمودن دشمن بروم * نور خود و حقیقت خود را بفرست
 تا آنها مرا رهبری نمایند و در کوه قدس تو در خیمه‌های

۴ تو مرا روان بگیر و انهد * بقربلنگاه خدا خواهم رفت که
خدا سرور و شادمانی من است و بر بر بقط ترا شکر
۵ خواهم نمود ای خدای من واله من * ای جان من
چرا منهنی می شوی و چرا در اندرون من مضطرب
میباشی بخدا متوکل باش زیرا که هنوز او را شکر
خواهم کرد که منجی زات من و خدای من است

زبور چهل و چهارم

۱ «سالار مغنیان تعلیم از برای فرزندان قارون
خداوند ابگو شهای خود شنیدیم و پدران ما با خبر دارند
عملی را که در ایامهای ایشان و در ایامهای قدیم بجا
۲ آوردی * تو بدست خود طوایف را بیرون کردی
و ایشان را نشاندی و قبایل را مبتلا کردی و ایشان را
۳ شگفته گردانیدی * زیرا که نه بشمشیر خود زمین را وارشی
کردند و نه بازوی شان ایشان را نجات داد مگر بهمین
تو و بازوی تو و نور دیدار تو بسبب آنکه از ایشان
۴ رضامند بودی * خدایا تو خود آنی که پادشاه منی نجاتهرا

- ۵ به یعقوب مقرر بقرا * بمرد ثور دشمنان ما را خواهیم راند
 و باسم تو کسانی که در خدمت ما بر میخیزند پایمال خواهیم
 کرد * زیرا که از کمان خود امیدوار نخواهم شد و شمشیر
 من بمن نجات نخواهد داد * زآنرو که ما را از دشمنان
 ما نجات دادی و مبغضان ما را شرمسار گردانیدی
 بخدا در تمامی روز فخر خواهیم نمود و باسم تو شاکر
 خواهیم شد تا باده سله * بدرستی که ما را در نمودی و شرمسار
 گردانیدی و با لشکریهای ما نمیروی * ما را از دشمن عقب
 می نشانی و مبغضان ما از جهت خودشان ما را عارت می
 نمایند * ما را مانند گوسفندان اطعمه تسلیم کردی و در
 میان طوایف ما را پراکنده نمودی * مخلوق خود را
 بیفایده فروختی و از قیمتهای ایشان (بمال) خود
 نیفزودی * ما را مطعون بهم سایگان ما و مسخره و مضحکه
 بآن کسانی که در اطراف ما میباشند گردانیدی * ما را
 مثل در میان طوایف و جنبانیدن سر در میان
 ۱۵ خلقان نمودی * ننگ من هر روزه در نظر من است

- ۱۶ دشمنم روی من مرا مستور نموده است * بسبب
 طعن کننده دشنام دهنده و برای انتقام کردن دشمن
 ۱۷ (بر من) * اینها همه با رسیده است و ترا فراموش نکردیم
 ۱۸ و در عهد تو کذب ننهادیم * از راههای تو دل ما بر
 ۱۹ نگریده است و پایی ما مخرف نرفته است * اگر چه
 ما را در مقام اژدر با شکسته گردانیدی و سایه هرگز
 ۲۰ بر ما پوشانیدی * مگر اسم خدای ما را فراموش کردیم
 ۲۱ و دسته‌های خود را بسوی خدای دیگر بلند کردیم * آیا
 این را خدا تفتیش نخواهد کرد زیرا که او عارف راههای
 ۲۲ دل است * بدرستی که همه روز از بهر تو بقتل
 رسانیده میشویم و مانند گوسفندان ذبیح شده میشویم
 ۲۳ * خداوند را بیدار باش چرا می غنوی بر خیز و دور مباش
 ۲۴ تا باید * چرا روی خود را پنهان می نمائی ظلم ما را دستم
 ۲۵ ما را فراموش میکنی * زیرا که جان ما بخاک منهنی
 ۲۶ شده است و بدن ما بر زمین چسبیده * برای معاوضت
 ما بر خیز و بسبب رحمت خود ما را بیدار کن

زبور چهل و پنجم

سالار مغنیان در حق سوسنهای تعلیم از برای فرزندان
قارون سرود محبتها

- ۱ دل من از سخن نیکو میجوشد و عمل خود را بپادشاه
عرضه میکنم زبان من مانند قلم نویسنده حاضر است
- ۲ زیباتر از بنی آدم هستی و مهربانی بر لبهای تو ریخته
شده است ز آنرو که خدا بتو برگزیده داده است تا
- ۳ باید * ای صاحب قوت بجلال تو و بزرگی تو شمشیر
۴ خود را بکمر خود به بند * و بر عظمت خود در باره
- ۵ حقیقت و حلم و عدالت بختیارانه سوار شو که بهمین
تو چیزهای مخوف را بتو نشان خواهد داد * تیرهای
- ۶ تو تیز در دل دشمنان پادشاه میباشند تا خلعتان
زیر (دست) تو بیفتند * خدایا کرسی تو تا ابد آباد
- ۷ است و عصای ملک تو عصای عدالتست * صدق را
دوست داشتی و شر را بغض نمودی ز آنرو که خدا

- خدا می تو از روشن شادمانی بیشتر از رفیقان تو ترا
 ۸ چرب کرد * تمامی زخه‌های تو از هر وعود و سلیخه اند
 از قصرهای عاجی بجهت شاد گردانیدن تو (می آورند)
 ۹ * دختران پادشاهان و روشیزگان مغرر تو حاضرند و بگم
 ۱۰ بیمین تو در زر اوفر ایستاده * امی دختر بشنو و به بین
 و گوش خود را واکن کسان خود و خانه پدرت را
 ۱۱ فراموش نما * آنگاه پادشاه آرزومند حسن تو خواهد شد
 ۱۲ او را تعظیم بکن از آنجا که صاحب تست * و دختر
 صور با تحفه (خواهد آمد) و خلقان دولت‌مند دعا گوئی
 ۱۳ نعمت تو خواهند بود * دختر پادشاه بالکلیه صاحب
 جلال است که لباس اندرونش از بافته‌های زر بست
 ۱۴ * در ماضی‌های گوناگون پیش پادشاه آورده خواهد
 شد و روشیزگان رفیقان او در عقبش میروند و پیش
 ۱۵ تو راه خواهند یافت * بعیش و وجد آورده خواهند شد
 ۱۶ و بدرگاه پادشاه داخل خواهند گشت * عوض پدران تو

فرزندان پیدا خواهند نمود و ایشانرا در تمامی زمین سرداران
 ۱۷ خواهی گردانیم * اسم ترا بیشتر به بیشتر مذکور خواهم
 کرد و ز آنرو که خلقان شاگرد تو خواهند گشت تا ابد الابد

زبور چهل و ششم

سالار مغنیان از برای فرزندان قارون و سرود در حق سرها
 ۱ خدا ملجأ و قوت ماست هنگام تنگ و سستیها معین
 ۲ نظایمی پیدا خواهد شد * ازین سبب اگر چه زمین
 متزلزل شود و کوهها از جا بقلب دریا افکنده شوند
 ۳ نخویم ترسید * اگر آبهایش خروشان و مضطرب
 ۴ گردند و کوهها از تموجش لرزان بشوند سلمه * رودخانه
 نیست که سیلهایش مدینه خدا را و مسکنهای قدس
 ۵ تعالی را مسرور میگردانند * متحرک نخواهند گشت
 که خدا در اندرون اوست و خدا در طلوع صبح یاری
 ۶ خواهد نمود * طوایف غوغا کردند و ممالک متحرک
 ۷ گشتند باو ازش فرمان داد زمین گداخته شد * خداوند
 لشکرها با ماست و خدای یعقوب سرافرازی ماست

- ۸ سلمه * بیایید و اعمال خداوند را ببینید که چه خرابیها
 ۹ در زمین کرده است * پانجمین جنگها را موقوف
 میگرداند و کمان را می شکند و نیزه را منقطع میکند
 ۱۰ و عرابها را از آتش می سوزاند * خواموش باشید و بدانید
 که من خدایم در میان طوایف مرفوع خواهم شد و در
 ۱۱ زمین بلند خواهم گشت * خداوند لشکرها با ما است
 و خدای یعقوب سرافرازی ما است سلمه

زبور چهل و هفتم

- سالار مغنیان مزمور از برای فرزندان قارون
 ۱ ای تمامی خلقان دست افشائید و بخدا باواز ظفر
 ۲ خدا زغید * زیرا که خداوند تعالی مهیب است
 ۳ و پاؤشاه عظیم بر تمامی زمین * خلقان در تحت ما
 ۴ و قومها را زیر پای ما فرو خواهد آورد * میراث را از
 جهت ما خواهد برگزید از سرافرازی یعقوب که او را
 ۵ دوست داشته است سلمه * خدا بغریو (خلایق) صعود
 نموده است و خداوند باواز کتره نامی * بسراشید خدا را

- ۷ بسرائید بسرائید پادشاه مارا بسرائید * از آنجا که خدا
 ۸ پادشاه تمامی زمین است عاقلاً نه بسرائید * خدا بر طوایف
 مسلط است و خدا بر کرسی قدسش می نشیند
 ۹ * بزرگان خلقتان جمع شده اند (یعنی) خلق خدای ابراهیم
 زیرا که سپهرهای زمین از آن خدا است که بسیار
 رفیع است

زبور چهل و هشتم

سرود و مزمور از برای فرزندان قارون

- ۱ خداوند عظیم است و بسیار ستایش کرده میشود در
 ۲ شهر خدای ما و کوه قدسش * خوش وضع است
 کوه صیہون که خوشنودی تمامی زمین است در
 ۳ طرف شالیش شهر پادشاه عظیم است * دور
 ۴ قصرایش خدا بملجأ معروفست * زیرا که اینک
 پادشایان مجتمع شدند و عبوراً با هم دیگر گذشتند
 ۵ * و ایشان دیدند ز آنرو متعجب شدند و مضطرب
 ۶ گردیدند و بشتاب رفتند * آنجا لرزش و درد مآخذ

- ۷ میخاض بر ایشان مستولی گشت * کشتیهایی
- ۸ ترشیش را از باد مشرق شکستی * بطوریتی که شنیدیم
- بهمان طریق دیدیم در شهر خداوند لشکرها و در شهر
- ۹ خدای ما خدا او را ثابت خواهد کرد تا باید سلمه * ای
- خداوند در باره رحمت تو اندیشه نمودیم که در اندرون
- ۱۰ هیکل تست * مانند اسمت ای خداوند تمجید تو
- تا بانجام زمین است و یحیی تو از عدالت مملو
- ۱۱ است * بسبب احکام تو (ساکنان) کوه صیهون
- ۱۲ خوشنود باشند و دختران یهو و جد نمایند * صیهون را
- بگردید و او را دور بکنید و برجهایش را حساب کنید
- ۱۳ * دل خود را بر حصارش بنهید و قصرایش را ملاحظه
- ۱۴ نمائید تا آنکه بذرتیت آخرین خبر بدهید * زیرا که این
- خدای خدای ماست تا ابد الابد واد مارا تا (وقت)
- مرگ رهبری خواهد نمود

زبور چهل و نهم

نسالار مغنیان از برای فرزندان قارون

- ۱ امی تمامی خلقت این را بشنوید وای جمیع ساکنان
- ۲ جهان گوش بکنید * هم فرزندان عام و هم فرزندان
- ۳ خاص و هم غنی و هم فقیر * دهن من حکمتها را نکلم
- ۴ و دل من عقلها را تفکر خواهد نمود * گوشم را
- ۵ بمثل دا خواهم کرد و معما خود را بر بربط فتح خواهم
- ۶ نمود * در روزهای بلا چرا خواهم ترسید با وجود آنکه
- ۷ ظلم آن کسانی که در ضد من حیل می بندند مرا
- ۸ احاطه نماید * آن کسانی که بمال خود متوکلند و فخر
- ۹ بر بسیاری دولت خودشان می نمایند * کسی برادر خود را
- ۱۰ بفدا و فدیة خلاص نتواند نمود و از جهتش بخدا کفاره
- ۱۱ نمی تواند داد * و فدیة جان ایشان گران بهاست
- ۱۲ و آنکس که همیشه متوقف است * هم زنده خواهد
- ۱۳ شد و تا باید فساد را نخواهد دید * اگر چه به بیست و دانا یان
- مانند نادان و بیعقل میبیرند و هلاک می شوند و مال

- ۱۱ خود را بگریبان وا میگذارند* و متخیله ایشان (خطور می کند) که خانهای ایشان را با میباشند و مساکین ایشان پشت به پشت (باقیست) و نامهای خود را
- ۱۲ بر زمینهای خود میخوانند* و انسان در عزت باقی نمی ماند و مانند وحشیان است که منقطع می شوند
- ۱۳* این راه ایشان از حماقت ایشانست و دلایل ایشان
- ۱۴ از دین ایشان خوشنودند سله* مانند گوسفندان در قبری انداخته می شوند و مرگ ایشان را شبانی مینمایند
- در استهلاک در صبح بر ایشان تسلط خواهند یافت و صورت ایشان متبدل خواهد گشت و قبر مسکین ایشان
- ۱۵ خواهد بود* اما خدا جان مرا از دست قبر خلاص
- ۱۶ خواهد کرد زیرا که مرا می پسندد سله* هنگامی که کسی مخفی میگردد و چون جلال خانه اش می افزاید متعجب
- ۱۷* بدرستی که هنگام مردنش چهری را نخواهد برد
- ۱۸ و عظامش در ققایی او نازل نخواهد شد* زیرا که زمان زندگانش خود را خوشوقت مینمورد اما (در

آخرت) ترا مدح خواهند نمود ز آنرو که از جهت خود
 ۱۹ عمل نیکو کردی * بسلسلیم پدرانیش ملحق خواهند
 گشت و تا باید نور را نخواهد دید * انسان که در عزتست
 و نمی فهمد ماخذ وحشیان است که منقطع باشند

زبور پنجاهم مزبور آصف

- ۱ خدای قوی و خداوند تکلم فرمود و زمین را از مطلع
- ۲ آفتاب تا بمغربش دعوت نمود * خدا از صیهون
- ۳ که حسن کامل دارد درخشان شد * خدای ما خواهد
- آمد و خواמוש نخواهد بود و آتش در پیش او مشتعل
- ۴ و در اطرافش طوفان تند است * از فوق آسمانها
- و زمینها را بکمرانی قومش دعوت خواهد فرمود
- ۵ * که ای مقدسان من مجتمع باشید که عهد مرا در
- ۶ زبج کردید * و آسمانها صدقش را آشکار خواهند کرد
- ۷ زیرا که خدا خود قاضی است سلمه * ای قوم من
- بشنوید که تکلم خواهم نمود و ای اسرائیل که بر تو
- ۸ شهادت خواهم داد خدا واله تو منم * ترا از برای

- ۹ زنجهای تو و قربانیهای سوخته‌نی تو عتاب نخواهم کرد
 ۱۰ که همیشه در حضور من می باشند * گوساله را از خانه
 ۱۱ تو و بزها را از علفزار تو نخواهم گرفت * زیرا که تمامی
 جانوران جنگل و وحشیان بر کوههای که گاوان در
 ۱۲ ایشان میچرند از آن من است * تمامی طیور کوهها را
 ۱۳ من شناسم و وحش صحار با من است * اگر گرسنه
 ۱۴ شوم ترا خبر نخواهم داد زیرا که جهان و مملویش از
 ۱۵ آن من است * آیا گوشت گاوان را خواهم خورد
 ۱۶ و خون بز را خواهم آشامید * بخدا شکر را قربان کن
 ۱۷ و بتعالی نذر ترا ادا کن * و مرا در روز تنگدستی بخوان
 ۱۸ که ترا خلاص خواهم کرد و جلال را بمن وصف خواهی
 ۱۹ نمود * و خدا بشیرر میگوید که بچه ترا کار آید که حقوق
 ۲۰ مرا مشهور میسازی و عهد مرا بر دهن خود بر میداری
 ۲۱ * و تو تعلیم را بغض نموده و سخنهای مرا خود در
 ۲۲ تاخیر انداختی * اگر در دریا بنظر در آوری از اد
 ۲۳ خوشنودی و حقه تو با زناکاران است * دهن خود را

۲۰ بهی و میکنی وزبان تو خیمه می بندد * می نشین
 و خلاف برادر خود حرف میزنی و خلاف فرزند مادر
 ۲۱ خود فحش میگوئی * این چیز را بعمل آوردی
 و خاموش بودم پنداشتی که من نیز مانند تو میباشم
 ترا عتاب خواهم کرد و اینها را پیش چشمهای تو خواهم
 ۲۲ گذاشت * الحال ای از خدا ناسیان این را بفهمید
 ۲۳ مبادا شمارا منقطع کنم و خلاص کننده نباشد * آنکس
 که شکر را فریغ می نماید بمن جلال را وصف می نماید
 و آنکس که راه خود را درست میسازد نجات خدا را
 باو نشان میدهم

زبور پنجاه و یکم

سالار مغنیان مزمور داود در هنگامی که به بیت شمع دخول
 کرده بود نائن پیغمبر نزد او آمد

۱ ای خداوند موافق رحمت خود مرا ترحم کن و مطابق
 ۲ کثرت رافت خود تجاوزهای مرا محو کن * مرا بالکلیه
 از معصیت من بشوی و از گناه من مرا مطهر ساز

- ۳ * زیرا که من به تجاوزائی خود، معترفم و گناهم همیشه در
- ۴ نظر من است * در خطه تو و مجرّد خلاف تو خطا
- در زیدم و پدری را در حضور تو بعمل آوردم تا آنکه زمان
- ۵ اقوال خود عادل و هنگام تحکّم خود پاک باشی * اینک
- در معصیت مصور شدم و ادرم در گناه مرا حمل
- ۶ گرفت * اینک راستی را در دلها میخواهی و حکمت را
- ۷ بقلب من شناخته میگردانی * با زوفا مرا از گناه
- ۸ مصفی کن که مطهر گردم و مرا بشوی که از برف سفید
- ۹ تر خواهم گشت * مرا مستمع سرور و شادمانی بگردان
- تا استخوانهایم که ایشان را شکسته بود آینه روی
- خود را از گناه من مستور کن و تمامی معصیتهای مرا محو
- ۱۰ ستاز * ای خدا در من دل پاک را خلق کن و در
- ۱۱ اندرون من روح راست را تازه کن * مرا از حضور
- ۱۲ خود دور مکن و روح قدس خود را از من بگیر * بمن
- خوشنودی نجات خود را باز برگردان تا روح اعتاق
- ۱۳ مرا معاونت کند * بمجاوزان طریقههای ترا تعلیم

خواهم داد و گناه کاران بسوزی تو برگشته خواهی شد
 ۱۴ * ای خدا و اله منجی من مرا از خونها متخلص کن
 ۱۵ که زبان من صدق ترا وصف خواهد نمود * پروردگارا
 لبهای مرا وا کن که دهن من وصف ترا آشکار
 ۱۶ خواهد کرد * زیرا که ذبح را قبول نمیکنی و گرنه خواهم
 ۱۷ ادا کرد از قربان سوختنی راضی نیستی * روح معززون
 ذبحهای خداست و خدا دل شکسته و غمگین را حقیر
 ۱۸ نخواهد نمود * در رضایت خود نیکوئی را بصیہون مقرر
 ۱۹ فرما و دیوارهای اورشلیم را بنا کن * آنزمان از ذبحهای
 صدق و قربان سوختنی و تمام سوختنی خوشنود خواهی
 بود آنگاه گوساله‌ها را در مذبح تو قربان خواهند کرد

زبور پنجاه و دوم

سالار مغنیان تعلیم داد در هنگامی که دَوُّگت ادومتی
 آمد و بسا دل خبر داد و او را گفت که داود بخانه
 آجیمِلت آمده است

۱ ای صاحب تکبر چرا در بدی فخر می نمائی هر روزه

- ۲ میوه‌بانی خدا (با من است) * ای چيله کننده ماخذ استره
- ۳ تيز زبان تو ضررا اندیشه مينمايد * بدرآ از نيكو
- ۴ وكذب را از راست ترجيح میدهی * ای از زبان
- ۵ محيل تمامی حرفهای متضرر را دوست میداری * هم
- خدا ترا هلاک خواهد کرد تا باید و ترا ریزه ریزه خواهد
- کرد و از خیمه تو ترا بیرون خواهد افکند و ترا از زمین
- ۶ زندگانی خواهد کند سله * صدیقان خواهند دید و ترسانان
- ۷ خواهند گشت و بر او تبسم خواهند نمود * که اينک آنست
- کسی که خدا را قوت خود نمیگرداند و بکثرت دولت
- ۸ خود متوکل بود و از ظلم خود استوار کرد * و من در
- خانه خدا ماخذ درخت زیتون پر برگم و بر حسب
- ۹ خدا متوکلیم تا ابد الابد * تا باید شاگرد تو خواهیم بود
- ز قهر و که تو بعمل آوردی و از نام تو منتظریم زیرا در
- نظر مقدسان تو نیک است

زبور پنجاه و سیم

سالار مغنیان تعلیم داود بر امراضها

- ۱ ابله در دل خود گفته است که خدا نیست تباه می شوند و معصیت پلید بعمل می آورند و نکو کننده
- ۲ نیست * خدا از آسمانها بر فرزندان آدم نگر نیست
- ۳ که بنظر آید کسی که فهم کند یا طالب خدا باشد * تمامی ایشان واپس برگشتند و همه گنبدیده می شوند نکو
- ۴ کننده * نیست یک کس هم نیست * آیا فساد کنندگان نمیفهمند که قوم مرا متادل می نمایند چون
- ۵ نان را میخورند و خداوند را نمیخوانند * در جائی که خوف نبود بغایت مخوف گردیدند زیرا که خدا استخوانهای
- آنکس را که بر تو خیمه زد پراکنده کرده است تو ایشان را شر مسار گردانیدی ز آنرو که خدا ایشان را حقیر
- ۶ نمود * آیا کیست که نجات اسرائیل را از صیهون خواهد داد زمانی که خداوند اسیر قوم خود را رد کند یعقوب
- خوشحال خواهد گردید و اسرائیل مسرور خواهد بود

زبور پنجاه و چهارم

سالار مغتیبان تعلیم داود بر تارهای ریشمانی در هنگامی
که زبغیان آمدند و بساؤل گفتند که آیا داود خود را در میان
ما مستور کرده است

- ۱ ای خدا با اسم خود مرا نجات بده و بقوت خود از جهنم
 - ۲ من حکم بفرا * ای خدا دعا می مرا بشنو و سخنان
 - ۳ دهن مرا اصفا کن * زیرا که غریبان در خدمت من
 - مقاومت می نمایند و مخوفان حال مرا تجسس میکنند
 - ۴ خدا را در نظر خود نمی آرند سله * اینک ناصر من
 - ۵ خداست و خداوند بایاران جان من است * بپی را
 - بدشمنان من هر میگردداند و ایشان را براستی خود
 - ۶ منقطع کن * از رضامندی بتو قربان خواهم کرد ای
 - خداوند شاکر اسم تو خواهم بود زیرا که نیکوست
 - ۷ * بدرستی که مرا از هر تنگ دستی آزاده کرده است
- و چشم من بر دشمنان من خواهند نگر بست

زبور پنجاه و پنجم

بدان مغذیان تعلیم داد بر تارهای ریسمانی

- ۱ خدایا دعای مرا اصفا کن و از تضرع خود مستور مکن
- ۲ * بمن متوجه شو و مرا مستجاب کن که از اندیشه
- ۳ کاهیده شده دنا له می نمایم * و بسبب آواز دشمن از روی
- ظلم شریب زیر که بر من بدی را می اندازند و بغیظ بر
- ۴ من کینه میکنند * دل من در اندرون من درو
- ۵ میکنند و خوفهای مرگ بر من افتاده است * بر
- من ترس و رعب رسیده و مرا هیبت مستور کرده
- ۶ است * و گفتم که کیست که مرا مانند کبوتر بال خواهد
- ۷ داد که بپریم و ساکن شوم * در اینصورت من فراراً
- ۸ دور میشوم و در بیابان بر می بروم سلع * رستگاری
- ۹ خود را از باد تند و از طوفان ستابان می نمودم * خداوند
- زبان ایشان را ببر و جدا بکن ز آنرو که در شهر ستم
- ۱۰ و ستیزه ایشان را دیدم * که روز و شب که او را از راه
- دیوارش دور می نمایند و برای اندرونش بلا و محنت

- ۱۱ میبایشد * در اندرونش ظلمهاست و از کوچهایش
 ۱۲ فریب و غدر افراجه نمیشوند * ولیکن آن کس که مرا
 فحش داد (ظاهراً) دشمن من نبود و گرنه متحمل نمیبودم
 و آنکس که بر من فخر می نمود آشکار مبغض من نبود
 ۱۳ و گرنه از آن مستور می شدم * اما ای مرد تو مانند خودم
 ۱۴ محرم من و رفیق من بودی * ما از همدیگر نصیحت
 شیرین میگرفتیم و بخانه خدا در میان گروه رفتار نمودیم
 ۱۵ * مرگ بر ایشان برسد و زنده بقبر فرد بودند زیرا
 که بدکاری در مکان ایشان و در اندرون ایشانست
 ۱۶ * و من بخدا دعوت خواهم کرد و خداوند مرا نجات
 ۱۷ خواهد داد * صبح و شام و ظهر متفکر خواهم شد و نالیش
 ۱۸ خواهم کرد و مرا مستجاب خواهد فرمود * جان مرا از
 جگه ندم من در امان نگاهدارد ز آنرو آن
 کسانی که بجهت من ایستاده در عوض بسیاری می
 ۱۹ باشند * خدا خواهد شنید و آنکس که از قدیم باقیست
 ایشان را مبتلا خواهد کرد سلمه بایشان انقلاها نیست

۲۰ و از خدا نمی ترسیده * بخلاف صالح اندیشانی خود
 ۲۱ دستهایش را دراز کرد عیب خود را شکست * دهنش
 از مسکه چرب گوشت و قلبش از جنگ پر است
 و کلامش سست تر از روغن و همین (کلمات) چون
 ۲۲ شمشیر کشیده (میباشند) * اندیشه خود را بخداوند وا
 گذار که او ترا ایانت خواهد نمود و صدیق را متزلزل
 ۲۳ نخواهد کرد تا باید * و تو ای خدا ایشان را بچاه هلاک
 فرو خواهی برد و مردمان خونریز و فریبند روزهای
 خودشان را نصف خواهند کرد و من متوکل بتو ام

زبور پنجاه و هشتم

سالار مغنیان بر کبوتر خموش و در جایهای دور تصنیف
 داود در هنگامی که فلسطیان او را در شهر گت گرفتند
 ۱ خداوند بر من رحم کن زیرا که انسان مرا میخواهد
 ۲ به بلعد هر روزه (عدو) بر من ظلم مینماید * دشمنان
 من هر روزه مرا خواهش بلعیدن دارند بدرستی که
 کسان بسیارند که از تکبر بر من جنگ می نمایند

- ۴ * پرورزی که من مخوفم بتو پناه خواهم آورد * بخدا
 کلامش را حمد خواهم نمود و بخدا متوکلم و نخواهم ترسید
 ۵ از آنچه بشر در خد من بعمل آورد * هر روزه بعکس
 سخنهای مرا می بیچانند و تمامی اندیشههای ایشان در
 ۶ حق من از برای ضرر است * ایشان مجتهد
 میگردند و خود را پنهان میکنند و نشان پایمی مرا می
 ۷ نگرند زیرا که منتظر جان منند * از جهت ایشان
 ۸ امید رستگاری به بیهودگی است ای خدا در غیظ (خود)
 خلقان را تزلزل بگردان * تو انتقال مرا محسوب
 مینمائی و آشکهای مرا در شیشه خود میگذاری آیا
 ۹ (آنها) در دفتر تو (ثبت) نیستند * هنگامیکه مشغول
 دعوتم آنگاه دشمنان من بعقب خواهند برگشت
 ۱۰ این را میدانم که خدا از آن من است * بخدا کلامش را
 حمد خواهم کرد و به پروردگار کلامش را تسبیح خواهم
 ۱۱ نمود * بخدا متوکلم و نخواهم ترسید از آنچه انسان در
 ۱۲ خد من بعمل آورد * ای خدا نذر تو بر من است

۱۳ وبتو حمد را عود خواهم نمود * بدرستی که جان مرا از
مرگ خلاص کردی آیا پایداری مرا از لغزش استوار
نخواهی کرد تا آنکه بنور زندگانی در حضور خدا رفتار نمایم

زبور پنجاه و هفتم

سالار مغنیان غیر مهملک تصنیف داود هنگامی که

از نزد ساول پمغاره گریخت

- ۱ ای خدا بمن رحم کن و بمن ترحم بنما زیرا که جان
من بتو پناه آورده است و بر کنف اجنه تو
- ۲ پناه می آورم تا بلاها بگذرند * خدائی تعالی را خواهم خواند
- ۳ آن خدای که بر من می پردازد * (نصرت را) از آسمانها
خواهد فرستاد و مرا متخلص خواهد کرد و بلع کننده
مرا رسوا خواهد گردانید سله خدا رحمت خود و وفائی
خود را خواهد فرستاد * جان من در میان شیرها و من
در میان فرزندان آتشبار انسان میخوابم که دندانهای
اینسان نیزه و تیر اندازان و زبان شان شمشیر تیر است
۵ * ای خدا بر فوق آسمانها و بر تمامی زمین جلال خود را

- ۶ مرفوع نما * دام را از برای قدمهای من گذاشتند و جان من منهنی است از جهت من چاه را کنند و در
- ۷ میانش در افتانند بسله * ای خدا دل من آماده دل
- ۸ من میاست تا مزبور را بسرایم و بخوانم * ای جلال من بر خیز و بر خیز ای چنگ و بر بط که در صبح خواهم
- ۹ بر خواست * ای خداوند در میان خلقان شاکر تو
- ۱۰ نا خواهم بود و در میان قومها ترا مزبور خواهم کرد * زیرا که رحمت تو تا آسمانها و حقیقت تو هم تا سپهر بزرگست
- ۱۱ * ای خدا بر فوق آسمانها و بر تمامی زمین جلال خود را مرفوع بنما

زبور پنجاه و هشتم

هنا لا مغنیان غیر مهلك تصنیف داود.

- ۱ ای جماعت آیا فی الحقیقه بصدق تکلم مینمائید و ای
- ۲ فرزندان انسان آیا براستی فتوی میدهید * یقین
- ظلم را از دل در زمین بعمل می آورید وستم رستمهای
- ۳ خود را می سنجید * منافقان از رحم بیگانه اند و کاذبان از

۴ رحم کجبر فتاری می نمایند * زهد ایشان مانند زهد بنابر
 ۵ است و مانند افعی کر که گیشش را به بندد * که آواز
 مستخر کننده گان را که افسون کنان افسونهای
 ۶ حکمتانه می نمایند نشنود * امی خدا دندانهای شان را
 در دهن ایشان بشکند خداوند دندانهای نیش شیر
 ۷ بچگان را بکسل * بگدازند مانند آبهای که از خود
 جاریست اگر تیرهای خود را بزه کنند (بفرما) که مثل
 ۸ خوردن ریز ریز گردند * مانند حلزون گداخته ضایع
 شوند مثل طفل نارسیده زن که آفتاب را به بینند
 ۹ * پیش از آنکه دیگرهای شما (آتش) خارها را در یابد
 ۱۰ گودباد ایشان را تر و خشک خواهد بود * هنگامی که
 صدیق انتقام را بیند خوشنود خواهد بود قدهمایش را
 ۱۱ در خون مسافق خواهد شست * و مردمان خواهند
 گفت که فی الحقیقه اجر از برای صدیق است
 بتحقیق خدا بر زمین تحکیم مینماید

زبور پنجاه و نهم

سالار مغزیان غیر مهلت تصنیف داود هنگامی که ساور
 فرستاده خانه اش را احاطه نمودند تا که او را بقتل رسانند
 ۱ ای خدای من مرا از دشمنان من مخلص کن و مرا
 حمایت بکن از آن کسانی که در ضد من برخیزند
 ۲ * مرا از فساد کنندگان مخلص کن و مرا از مردمان
 ۳ خونخوار نجات بده * زیرا که از برای جان من اینک
 در گمینه و زور آوران در ضد من مجتمع میباشند
 ۴ نه از جهت تجاوز من و نه از جهت گناه من ای خداوند
 ۵ * بی سبب میدوند و خود را آماده می سازند بدعوت
 ۶ من بیدار باش و به بین * و تو ای خداوند و خدای
 ۷ لشکر خدای اسرائیل هستی از برای معیاری تمامی
 ۸ طوایف بیدار باش و تمامی آن کسانی که بخیر
 ۹ معصیت را بعمل می آورند رحمت منا سلمه * شبانگاه
 ۱۰ بر میگرددند و مانند سگان مشغله می کنند و شهر را دور
 ۱۱ می نمایند * اینک از دهن ایشان میجوشند و در لبهای

- ایشان شمشیر است زیرا میگویند که کیست که خواهد
 ۸ شنید * و تو ای خداوند ایشان را استهزا خواهی نمود
 ۹ و تمامی طوایف تمسخر خواهی کرد * ایشان زور آورند
 ای خدا بر تو خواهیم نگر نیست زیرا که تو ملجأ منی
 ۱۰ * خدای رحیم من در پیش من خواهد آمد و خدا مرا
 ۱۱ بدشمنان من متبصر خواهد گردانید * ایشان را بقتل
 هرسان تا آنکه قوم من فراموش نکنند و بقوت
 خود ایشان را پراکنده بگردان و ای خداوندی که سپر
 ۱۲ مائی ایشان را بنزیر آور * از برای خطای دهن ایشان
 و سخن لبهای ایشان در (زبان) غرورشان گرفتار
 ۱۳ شوند و بسبب لعنت و کذب مشهور بگردند * معدوم
 کن در غیظ ضایع کن تا ایشان نیست شوند و بداند
 که خدا بر یعقوب تا انجابهایی زمین مسلط است
 ۱۴ * و شبانگاه بر میگرددند و مانند سگان مشغله می کنند
 ۱۵ و شهر را دور می نمایند * ایشان از برای خوراک بگردند
 ۱۶ و اگر سیر نشوند بهیچ وجه کنند * و من قوت ترا حمد

خواهم کرد و در صبح کرم ترا بشکر خواهم نمود زیرا که
 ۱۷ در یوم تنگدستیم ملجا و ما من من بودی * ای قوت
 من بشو خواهم سرود زیرا که ای خدا ملجا منی و خدای
 رحیم منی

زبور شصتم

سالار مغنیان بر گواهی سوسن تصنیف داود از برای تعلیم
 ۱ هنگامی که بآرم نهریم و بآرم صوبه دعوا کرد زمانی که یواب
 باز گشت نمود و در دره * نمک ده هزار ادومی را کشت
 ۲ ای خدا ما را دور انداخته و ما را شکسته و غضبناک
 شده بنزد ما باز گشت بنما * زمین را متزلزل گردانیدی
 و او را چاک چاک کردی شکافهایش را درست کن
 ۳ زیرا که میلرزد * قوم خود را ستمیده گردانیده و ما را
 ۴ شراب سرگرانی نوشانیده * علم را بخائنان خود
 عطا فرمودی تا آنکه از روی راستی بلند شود سله
 ۵ * بچین خود را منجی بگردان و مرا استجابت کن تا
 ۶ برگزیدگان تو مختلص شوند * خدا بقدرش تکلم

فرمود که خوشنود خواهم بود (ولایت) شکم را تقسیم خواهم
 نمود و ذره سکوت را خواهم پیمود * گنجد از آن من
 است و منسه از من و افرائیم قوت سر من و یهوده
 شارب من است * (ولایت) هوآب و یک شستن
 من است و بر اردوم نعل خود را خواهم انداخت و ظفر
 بر فلسطان خواهم بود * کیست که مرا بشهر محکم
 راهبری خواهد نمود کیست که مرا با دودم خواهد آورد
 * مگر تو خدا یا که ما را دور گردانیده * (راهبری نخواهد
 نمود) وای خدا با لشکری ما موافقت نخواهی فرمود
 * از قنکرستی بما نصرت عطا کن که یاری انسان
 یاطل است * بامداد خدا دلیری خواهیم کرد که او
 دشمنان ما را پایمال خواهد گردانید

زبور شصت و یکم

سالار مغنیان از آن داود بر تارهای ریسمانی

۱ ای خدا آواز مرا استماع بفرما و بتضرع من متوجه باش
 ۲ * از انجام زمین هنگامیکه دل من اندوهناک شده

۱ است ترا خواهم خواند بگویی که از من بلند تر است
 ۲ مرا راهبری خواهی نمود * زیرا که بسبب دشمن از
 ۳ برای من پناه و برج محکم بودی * در خیمه تو تا
 ۴ باید بر خواهم بود و در پوشش اجنه تو پناه خواهم
 ۵ آورد سله * زیرا که تو ای خدا نذر مرا شنیدی
 ۶ و میراث خائفان اسم خود را بمن عطا فرمودی
 ۷ * آیهایی را بر عمرهای پادشاه افزایش و باینطور
 ۸ سائهمایش را پشت به پشت خواهی آورد * در حضور
 ۹ خدا تا باید مسکن خواهد نمود رحمت و راستی را مقرر
 ۱۰ بفرما تا او را محافظت نمایند * پس شاگرد اسم تو همیشه
 ۱۱ خواهم بود تا یوما فیوما نذر خود را ادا کنم

زبور شصت و دویم

سالار مغنیان بریدوئن مزمور داود

۱ جان من مجرّد بخدا منتظر است و نجات من از
 ۲ اوست * او مجرّد کوه من و نجات من و ملجأ من
 ۳ است لغزش بسیار نخواهم نمود * تا یکی بر انسان هجوم

خواهیم آورد و بقتل رسانیده خواهیم شد و تمامی شما را
 ۴ و یوار ختم و پرده لرزان خواهیم شد * بمحجّر تدبیر
 مینمایند که (اورا) از بلندیش بنزیر اندازند و از کذب
 خوشنودند و بدین شان برکت و در اندردن شان
 ۵ لعنت میورزند سله * محجّر جان من بخدا منتظر
 ۶ است زیرا که از و امیدوارم * او بمحجّر کوه من
 و نجات من و ملجاء من است لغزش نخواهم کرد
 ۷ * نجات من و جلال من از خداست کوه قوی من
 ۸ و امید من خداست * ای خلق در هر زبان باد
 متوکل باشید (مطالب) دلهای خودتان را در حضورش
 ۹ بریزید که خدا از جهت ما پناهست سله * فرزندان
 عام محجّر در بطلازند و فرزندان خاص کذبند ایشان
 ۱۰ در ترازو یا کتبه از بطلان سبکتر آیند * از ظلم اعتقاد
 ننموده و در یغما فخر ننمایند چون مال فزون گردد
 ۱۱ دل خود را بر آن مبنید * خدا این را یکبار نکلم
 فرمود و من دوبار شنیدم که قوت از آن خدا است

۱۲ * وای خداوند رحمت از آن پُست زیرا که بهر کس
موافق عملش عود خواهی نمود

زبور شصت و سیم

مزمور داود زمانی که در بیابان یهودا بود

- ۱ ای خدا تو خدای منی در صبح ترا تجسس خواهم
کرد و جان من از برای تو تشنه است و جسم من
- ۲ در زمین خشک و دیران بی آب بتو آرزو مند
است * بدرستی که در مکان قدس متبصر تو بودم تا
- ۳ قوت ترا و جلال ترا به بینم * از آنجا که رحمت تو
از حیات بهتر است لبهای من ترا حمد خواهد
- ۴ نمود * زیرا که در حیات خود ترا شکر خواهم نمود
- ۵ و باسم تو دستهای خود را بلند خواهم کرد * چنانکه
- ۶ جان من بمغز و پیمه راضی خواهد بود و زبان من
بلبهای شادمانی حمد خواهد نمود * یقین بر بستم ترا
- ۷ بخاطر فی آدمم و در پاسهای شب بتو متفکرم * زیرا که
از برای من پناه بودی و در کنف اجنه تو خوشنود

۸ خواهم بود * روح من بتو موافقت دارد زیرا که بچین
 ۹ تو مرا نگاه میدارد * اما آن کسانی که متفحص
 جان منند بهلاکت نزدیکند و باسفلهای زمین
 ۱۰ خواهند رفت * بدستهای شمشیر سپرده خواهند شد
 ۱۱ خودشان حصه؛ رو بایان خواهند گردید * و پادشاه از خدا
 خشنود خواهد شد و هر کس که بخدا قسم خورد و فخر
 خواهد نمود و دهن دروغ گویان بسته خواهد شد

زبور شصت و چهارم سالار مغزیان مزمور داود

۱ ای خدا در هنگام دعای من آواز مرا استماع نما و از
 ۲ بیم دشمن جان مرا نگاه دار * مرا از مجلس بهکاران
 ۳ و از هنگامه؛ فسادکنندگان مستور بفرما * که ایشان
 زبان را مانند شمشیر تیز مینمایند و سخن ترش خود را
 ۴ مثل تیر بزه میکنند * تا پنهانی تیر را بمخلص
 ۵ اندازند ناگهان تیر را بحرف اندازند و تیرسند * خود را
 به نیت شریر و لیر می سازند و باره؛ پنهان کردن

واپسها مشورت میکنند میگویند کیست که مارا به
 ۶ بپسند * اعمال بد را تفتحص میکنند تفتیش کنان
 تجسس را با تمام میرسانند اندرون و دل هر یک از
 ۷ ایشان عمیق است * و خدا تیر را بر ایشان خواهد
 انداخت و زخمهای ایشان ناگهان پدید خواهد آمد
 ۸ * و زبان خود را بر خودشان لغزان خواهند گردانید
 و تمامی خلایقی که بایشان بنگرند از ایشان خواهند
 ۹ گریخت * و همه مردمان خواهند ترسید و عمل خدا را
 آشکار خواهند کرد و کردار او را مفهوم خواهند ساخت
 ۱۰ * صدیق از خداوند خوشنود خواهد شد و باد امیدوار
 خواهد بود و تمامی راستدلان مفتخر خواهند گردید .

زبور شصت و پنجم سالار مغنیان مزمور و سرود داود
 ۱ ای خدا حمد از برای تو در صیہون باقیست
 ۲ و ندور بتو ادا کرده خواهد شد * یا سامع الدعای تمامی
 ۳ جسامتیان نزد تو خواهند آمد * افعال معاصی بر من

۴ غالب آمدند تو تجارهای ما را تکفیر خواهی کرد * خدایا
 حال برگزیده، و متقرب تو که در بارگاههای تو ساکن
 شود و از نیکوئی خانه، تو (یعنی) بیگل قدس تو راضی
 ۵ خواهیم گردید * ای خدای منجی ما (خدای) ما را مستجاب
 بطور مهیب و موافق راستی کردی و پناه تمامی انجابهایی
 ۶ زمین و دوران از دریا می باشی * کوهها را که با استحکام
 بسته شده اند از قوت خود پایدار میکنی * تلاطم دریاها را
 و موج امواج شان و هنگامه، طوایف را ممانعت مینمائی
 ۸ * و ساکنان انجابهایی (زمین) از عجایبات تو می
 ترسند و بیرون آمده گان صبح و شام را ستایش کننده
 ۹ میگرددانی * زمین را ملاحظه فرموده او را آبیاری
 مینمائی و آنرا بسیار غنی می سازی نهی خدا از آنها
 مملو است از جهت ایشان غله را آماده میکنی
 ۱۰ زائر و که او را درست مهیا میگرددانی * کشت
 زارایش را و افراشته آبیاری نموده سطحش را مساوی
 میکنی و از امطار او را شاداب ساخته نباتش را

۱۱ بخت میدهی * سال را به نیکوئی مکتل میگردانی
 ۱۲ و راههای انهار را میریزاند * و میچکاند بر علفزار صحرا
 ۱۳ و تلها بمسردری بسته شده اند * علفزارها بگلها با مملو اند
 و درها بگلها با مستورند و از شادی ندا میکنند بدرستیکه
 می سرایند

۱ زبور شصت و ششم سالار مغنیان سرود و مزمور

۲ امی (اهل) کل زمین مسرورانه بخدا بخروشید * جلال
 ۳ اسمش را بسرائید و وصفش را بلند بگردانید * بخدا
 بگوئید که اعمال تو چه بسیار مخوفست و بسبب
 عظمت قوت دشمنان تو ترا مطیعیت خواهند گشت
 ۴ * (سکن) کل زمین ترا سجد خواهند کرد و بتو حمد خواهند
 ۵ نمود و اسم ترا خواهند سرود سله * بیائید و افعال خدا را
 نظر نمائید که کردارش از جهت فرزندان آدم مهیب
 ۶ است * بحر را منقلب بخشید و از نهر پیاده
 ۷ عبور نمودند آنجا ازو شادمان گشتیم * در بزرگی خود

- تسلط خواهد داشت تا باید چشمهایش بطوایف
نگرانست و عاصیان خودشان را بلند نگر دارند سله
۸ * ای خلائق خدا را شکر بنمائید و آواز حمدش را مستمع
۹ سازید * که جان ما را بحیات مقرر میفرماید و پای
۱۰ ما را لغزش نمیدهد * که ای خدا ما را امتحان کردی و ما را
خالص گردانیدی آنچنانیکه نقره را خالص میگردانند
۱۱ * ما را بدام در آوردی و محنت بر کمرهای ما نهادی
۱۲ * مردمان را بر سر ما مرکوب گردانیدی و در آتش
و آب گزشتیم و ما را در (زمین) شاداب داخل نموده
۱۳ * در خانه تو قربانهای سوختنی داخل خواهیم گشت
۱۴ و ندور خود را ادا خواهیم نمود * لبهای خود را بایشان
۱۵ کشاده و در تنگدستی من دهن من تکلم نمود * قربانهای
سوختنی بیمه دار را با دود گوسفندهای نر متصاعده
۱۶ خواهیم گردانید گاو و بز را زبحه خواهیم نمود سله * ای
تمامی خائفان از خدا بیایید و بشنوید آنچه را که او از
برای جان من عمل نموده است آشکار خواهیم کرد

۱۷ از عهدین خود اورا دعوت کردم و (وصفش) از تحت
 ۱۸ اللسان من مرفوع شد * اگر در دل خود ناراستی به
 ۱۹ بینم خداوند (مرا) استجابت نخواهد نمود * اما خدا (مرا)
 ۲۰ شنیده باواز تضرع من استجابت نمود * خجسته باشد
 خدا که تضرع مرا (ضایح) و رحمت خود را از من دور
 نکرده است

زبور شصت و هفتم

سالار مغنیان بر تلهای ربسمانی مزمور و سرود

۱ ای خدا بر ما رحمت بنمای و ما را برکت بده و رومی
 ۲ خود را بر ما درخشان بگردان سله * تا راه تو در زمین
 ۳ و نجات تو در میان تمامی طوائف معلوم شود * ای خدا
 خلائق بتو شکر نمایند و تمامی خلائق شاکر تو باشند * قومها
 ۴ شادمان باشند و وجه نمایند زیرا که خلائق را براستی
 حکم خواهی نمود و بر قومهای زمین تسلط خواهی
 ۵ راند سله * ای خدا خلائق بتو شکر نمایند و تمامی خلائق
 ۶ شاکر تو باشند * زمین ثمره خود را خواهد داد و خدا

۷. واله ما بما برکت ارزانی خواهد فرمود * خدا بما برکت
: خواهد داد و تمامی حدود زمین از او خواهند ترسید

زبور شصت و هشتم

سالار مغذیان مزمور و سرود داود

۱. خدا قائم شود و دشمنانش پراکنده شوند و آنکسانی که
۲. مبعضانش میباشند از حضورش بگریزند * مانند دور
- رانده (ایشان را) بران و منافقان در حضور خدا مثل
- موی که در پیش آتش گذاخته شود هلاک بشوند
۳. * و صدیقان در حضور خدا شادمان و خوشنود باشند
۴. و از خوشوقتی وجد نمایند * خدا را بسرائید و اسمش را
- پنوازید و بانکس که در میانان با اسمش یا هو مرکوبست
- بلندی را وصف نمائید و در حضورش خوشحال باشید
۵. * خدا در مقام قدسش پدر یتیمان و حاکم بیوایست
۶. * خدا کسان مجرور را در خاندان ساکن میگردداند
- و اسیران را براستی متخلص مینماید لیکن عاصیان
۷. (بزمین) سوخته ساکنند * ای خدا هنگامی که تو در پیش

۸ قوم خود میرفتی و اثباتی که تو در بیابان میخرامیدی
 سلمه * (آنگاه) در حضور خدا زمین متزلزل گردید و آسمانها
 چکانیدند بطور سیناء از حضور خدا خدای اسرائیل
 ۹ * ای خدا باران و فور را بر میراث خود بارانیدی هنگامی
 ۱۰ که سوخته شد تو او را آراسته نمودی * ای خدا آنجائی
 که از برای فقرا در نیکوئی خود آماده ساختی جماعت
 ۱۱ تو قرار گرفتند * خداوند سخن را عطا فرمود گروه آشکار
 ۱۲ کینه‌ده بسیارند * پادشاهان عساکر فرار کردند و گریختند
 ۱۳ و خانه نشینها یغمارا تقسیم کردند * هنگامی که در کوهها
 ساکن میباشند (مانند) کبوتر (خواهید شد) که برایش
 ۱۴ بنقره و بالهایش بر زر و مستور است * زمانی که قادر
 مطلق در این (مرز و بوم) پادشاهان را پراکنده کرد برف
 ۱۵ بر کوه صلمون نازل نمود * کوه باشن کوه خداست
 ۱۶ و کوه باشن راس الجبل است * ای کوهها سر
 بلند چرا نگران هستید خدا این کوه را برای سکونت
 خود خواست دار و بدرستی که در او خداوند ساکن خواهد

- ۱۷ شد تا باید * عرابهای خدا بیست هزار و هزاران هزار
است * خداوند در میان ایشان چنانکه در طور
۱۸ سیناء در مقدس میباشد * بر بلندی صعود نمودی
اسیران را اسیر نمودی انعامها را بانسان و بعاصلان
نیز عطا فرمودی تا آنکه خدا دیاو (در اینجا) ساکن
۱۹ شود * خداوند و خدای منجی ما خجسته باد که روز بروز
۲۰ بنعمت خود ما را حمل میکنند سلبه * خدای ما خدای
منجی است و دروازه های مرگ از آن خداوند
۲۱ و پروردگارند * بدرستی که خدا سر دشمنان خود را
و کله کاکل داران کسی را که در تجاوز پیش رفتاری
۲۲ نباید زخم خواهد زد * خداوند فرمود که از باشن (صدیقان
خود را) هدایت کرده و از عمایق دریا راهبری خواهیم
۲۳ نمود * تا آنکه پای تو در خون دشمنان (تو) دریا
۲۴ سکان تو در آن غرق گردد * ای خدا سلوکهای ترا
و رفتاریهای خدای مرا و پادشاه مرا در مقدس دیدند
۲۵ * سرودکنندگان پیش رفتند در عقب سازندگان

۲۶ زبور وسط دختران که طبل میزدند * در مجامع بخدا
 ۲۷ و پروردگار نسل اسرائیل شکر می نمایند * آنجا حاکم
 ایشان بن یهمین کوچکست امیران یهودا که
 حصار ایشانست و امیران زابلون و امیران نفتالیم
 ۲۸ (نیز میباشند) * خدای تو از جهت توقوت عطا فرمود
 ای خدا آنچه را از برای ما بعمل آوردی استوار کن
 ۲۹ * بهیچک تو در اورشلیم پادشاهان پیشکشها را نزد تو
 ۳۰ خواهند آورد * وحش فی نشین و گروه گاوان مع
 گوسالههای خلائق را مانعت بغیرا و پارههای سیمین را
 پایمال کن خلائقی را که از جنگها خوشنود میشوند
 ۳۱ پرانده گردان * اهل حشمنیان از مصر خواهند آمد
 و (اهل) کوش بتعجیل دستهای خود را بلند خواهند کرد
 ۳۲ * ای ممالک زمین خدایا بسراشید و پروردگار را حمد
 ۳۳ کنید سله * بانکسی که از ازل بر آسمان علوی سوار
 ۳۴ می نماید اینک بقول خود آواز قوی میدهد * بخدا
 قوت را وصف نمائید عظمتش در اسرائیل وقوتش

۳۵ در سپهر است * ای خدا در مقدس مهیبی خدای
اسرائیل آنکس است که بمخلوق قوت و زور را عطا می
فرماید خجسته باد خدا

زبور شصت و نهم سالار مغنیان بر سوسنهای از آن داود
۱ ای خدا مرا نجات بده زیرا که آبها بجان (من)
داخل شدند * در گِل و حلی که جای ایستادن نیست
فرو میروم و رسیده ام بآبهای عمیق و سیلابی که مرا
۳ غرق میکند * از خواندن مانده ام و گلوئی من خشک
شده است و چشمهای من ضعیف شدند ز آنرو که
۷ بخدا منتظرم * آنکسانی که بی سبب مبعضان
چنینند از موی سر من بیشترند و اشخاصی که بی
علت دشمنان منند و میخواهند مرا هلاک کنند
پرزوراند پس آنچه را که (از ایشان) نگرفته بودم مرا
۵ کردم * ای خدا تو نادانی مرا میدانی و گناهای من
۶ بر تو مستور نمی باشند * ای پروردگار و خداوند عساکر
منتظران تو بجهت من شرمندگی نبرند و ای خدای

۶ سر ائیل متجسسان تو بسبب من خجالت نگشند
 ۷ * زیرا که بسبب تو حامل ملامت بوده ام و از شرمساری
 ۸ روی من مستور است * از برادران خود بیگانه وار
 ۹ فرزندان مادر خود غریب گردیدم * زیرا که غیرت
 خانه تو مرا فرد گرفته است و ملامتهای ملامت
 ۱۰ کنندگان تو بر من افتادند * و بگریه دروزه جان
 خود را آزر دم این عمل برای من ملامت گردیده
 ۱۱ * و دلخ را از برای لباس پوشیدم و از برای ایشان
 ۱۲ مثل گشتم * دروازه نشینان در ضد من گفتگوی
 ۱۳ نمایند و سرود باده پرستان گردیدم * اما ای خداوند
 نسبت بخودم تضرع من بتو است ای خدا زبان
 مرضیه هست در کثرت رحمتهای خود و بسبب
 ۱۴ حقیقت نجات خود مرا استجابت بفرما * مرا از
 گِل آب متخلص کن که غرق نشوم تا از مبغضان
 ۱۵ من و از آبهای عمیق نجات یابم * آبهای سیل مرا
 نغلطاند و دحل مرا فرو نبرد و چاه دهن خود را بر فوق

- ۱۶ من بهم نیاورد * نامی خداوند مرا استجابت بفرما
 زیرا که رحمت تو نیکوست موافق وفور رحمت‌های
 ۱۷ خود بمن متوجه باش * و روی خود را از عید خود
 مستور مکن بدرستی که از جهت من تنگناگی است
 ۱۸ بزودی بمن استجابت بفرما * بجان من متقرب
 باش و او را رستگار کن و بسبب دشمنان من مرا
 ۱۹ مخلص نما * علامت مرا و شرمندگی مرا در سوائی
 مرا تو میدانی و تمامی اعدای من در حضور تو میباشند
 ۲۰ * علامت دل مرا شکسته است و ضعیف شدم و از
 تعزیت کننده، انتظار کشیدم و نیافتم و از تسلی
 ۲۱ دهندگان (منتظر بودم) و پیدا نکردم * و از برای قوت
 من زهر را بمن دادند و در تشنگی من سرکه را بمن -
 ۲۲ تقریب کردند * سفره ایشان در حضور خودشان
 مانند دام و برای مزدای (ایشان) مثل تله گردد
 ۲۳ * چشم‌های ایشان تاریک شوند تا نه بینند و کمر
 ۲۴ ایشان را دایم مرتعش بگردان * خشم خود را بر ایشان

- ۲۵ سُریر و شدت قهر تو ایشان را فرا گیرد * عمارت
ایشان ویران گردد و در خیمه‌های ایشان نشیمنده^۶
- ۲۶ نباشد * زیرا که آنکس را که تو کوفتی زحمت میدهند
۲۷ و برای غم زخم داران تو حرف میزنند * عقوبت بر
عقوبت ایشان بیفزاید و عدالت تو داخل نشوند
- ۲۸ * و از کتاب زندگان محو گردند و با صدیقان مکتوب
۲۹ نگردند * اگر چه من بیچاره و مسکینم لکن نجات تو
۳۰ ای خدا مرا مرفیع خواهد نمود * نام خدا را بسرود حمد
خواهم نمود و شکرانه عظمت او را وصف خواهم کرد
- ۳۱ و این از گاو و گوساله شاخ دار و سم دار در نزد خداوند
۳۲ پسندیده تر خواهد آمد * مفلوکان خواهند دید و خوشنود
خواهند گشت ای کسانی که متجسسان خدا میباشید
- ۳۳ دل شما خواهد زندگانی نمود * زیرا که خداوند از
فقیران می شنود و اسیران خود را حقیر نمی کند
- ۳۴ * آسمانها و زمین و دریا و هر جنبنده که در ایشانست
۳۵ حمد می نمایند * زیرا که خدا صیہون را نجات خواهد

دار و شهرهای پهلو دارا بنا خواهند کرد تا آنجا ساکن
 ۳۶ بگردند و وارث بشوند * و زیریت بندگانش او را
 بوراثت خواهند داشت و محبان اسمش در آن
 ساکن خواهند بود

زبور هفتادم

سالار مغنیان از آن داود از برای ذکر کردن

- ۱ الهیا برای استخلاص من و پروردگارا از برای نصرت
- ۲ من شتاب کن * منجستان جان من منفعیل شده
- ۳ شرمندگی ببرند و برگردانیده شوند و آن کسانی که از
- ۴ بلای من خوشوقتند رسوا گردند * و آن کسانی که آخ
- آخ میگویند از برای مزد رسوائی خود بازگشت -
- ۷ نمایند * تمامی طالبان تو از تو خوشنود باشند و مشرور
- شوند و آن کسانی که محبان نجات تو اند همیشه
- ۵ بگویند که عظیم باد خدا * اگر چه من بیچاره و مسکینم
- ای خدا از جهت من شتاب کن معاون من و منجی
- من توئی ای خداوند توقف مکن

زبور هفتاد و یکم

- ۱ ای خداوند بتو پناه می آورم و تا باید شرفسار نخواهم
- ۲ شد * براستی خود مرا متخلص کن و مرا برهان و تو
- ۳ مرا اصغان کن و بمن نجات بفرما * از جهت من
- مکان محکم باش تا پیوسته داخل بشوم برای نجات
- من امر فرمودی زیرا که کوه من و ملجأ من توئی
- ۴ ای خدای من مرا از پد شیر و از دست اهل
- ۵ ظلم و فساد برهان * زیرا که ای خداوند و پروردگار امید
- ۶ من و اعتماد من از جوانی من توئی * از رحم بر تو
- پناه آوردم و تو آنکسی که مرا ز شکم مادر من بیرون
- ۷ آورده، حمد من همیشه برای تست * سبب عبرت
- ۸ گمرو و پناه گیر دیدم اما پناه قوی من توئی * تمامی روز
- ۹ - دهن من از حمد و جلال تو مملو است * در زبان
- پیری مرا مینداز و هنگام زایل شدن قوت من مرا
- ۱۰ و مکنار * زیرا که دشمنان من در خدمت من حرف
- میزنند و نگاه کنندگان جان من بهم مشورت می کنند

- ۱۱ * میگویند که خدا اورا نگذاشته است متابعت بنمایم
- ۱۲ و اورا گرفتار کنید زیرا که رفته رفته نیست * ای خدا از من دور مباش وای خدای من برای نصرت من شتاب
- ۱۳ کن * اعدای جان من شرمسار گشته زایل گردند و آنکسانی که متجسس اضرار منند رسوائی و شرمندگی
- ۱۴ پوشیده شوند * و خودم پیوسته امیدوار خواهم بود و علاوه
- ۱۵ بر همه حمد ترا افزوده خواهم نمود * دهن من راستی ترا و نجات ترا در هر روز آشکار خواهد کرد
- ۱۶ اگر چه از حسابها عارم * داخل کبریائی پروردگار خواهم گشت وای خداوند صداقت ترا بمجرب ذکر
- ۱۷ خواهم نمود * ای خدا از جوانی تا بحال مرا تعلیم
- ۱۸ وادی عجایب ترا مشهور خواهم کرد * وای خدا مرا در زمان پیری دهم سفید موئی و مکنار تا قوت ترا
- ۱۹ باین قرن و کبریائی ترا بتماهی آینده مشهور کنم * وای خدائی که کارهای عظیم را بعمل آورده صداقت تو
- ۲۰ بسیار علو است وای خدا مانند تو کیست * که مرا

روز تنگدستیهای بسیار و بلاها متبصر گردانیدی و تو عود
 کرده مرا زنده خواهی نمود و بازگشته از عمایق زمین
 ۲۱ مرا بلند خواهی کرد * عظمت مرا زیاده خواهی نمود
 ۲۲ و معاودت فرموده بمن تسلی خواهی داد * ای خدای
 من خودم ترا و هم صداقت ترا بر ساز ریسائی شکر
 خواهم نمود و ای مقدس اسرائیل ترا بر بربط خواهم
 ۲۳ شراعی * لبهای من زبان سرود نمودن تو و جان من
 ۲۴ که اورا فدا کردمی خوشنود خواهد شد * هر روز
 زبان من براستی تو نگم خواهد نمود زیرا که متجسسان
 ضرر من خجلت میگویند بلکه شرمندگی می برند

د زبور هفتاد و دوم از برای سلیمان

۱ - ای خدا احکام ترا پیادشاه و صداقت ترا بفرزند پادشاه
 ۲ عطا بفرما * که قوم ترا بصدق و مفلوکان ترا بعدالت
 ۳ حکم خواهند نمود * (مسکنان) کوهها و تپها نعمت را بصداقت
 ۴ از برای خلق خواهند آورد * بمفلوکان قوم تو عدالت

- خواهند کرد و فرزندان بیچاره را نجات خواهند داد و ظلم
 ۵. کننده را خواهند کوفت * از تو تا باقی بودن آفتاب
 ۶. و بقای ماه پشت به پشت خواهند ترسید * (ونیکی) او
 نازل خواهد گشت مانند باران بر گیاه در و کرده شده
 ۷. و مثل امطاری که بر زمین میچکند * در آیامش صدیق
 ۸. خواهد شگفت و وفور نعمت تا ببقای ماهست * از
 دریا تا بدریا و از رودخانه تا محدود زمین تسلط خواهد
 ۹. راند * ساکنان صحرا خود را در حضورش خم خواهند کرد
 ۱۰. و دشمنانش خاکبوس خواهند نمود * پادشاهان ترشیش
 و جزیرا پیشکشها خواهند گذراخیز و پادشاهان شبا و سبا تحفها
 ۱۱. خواهند رسانید * و جمله پادشاهان او را تعظیم خواهند کرد
 ۱۲. و تمامی طوایف او را فرمان برداری خواهند نمود * زیرا
 که بیچاره فریاد کننده و مفلوک را که از جهش
 ۱۳. رها نموده باشد متخلص خواهد کرد * بفقییر و بیچاره
 رحمت خواهد نمود و جانهای بیچارگان را نجات خواهد
 ۱۴. داد * از غم و ظلم جان ایشان را خلاص خواهد نمود

۱۵ * و زندگان کرده باو زر شبا داده خواهند شد و از جهتش
 پیوسته دعا خواهند کرد و هر روزه او را توصیف خواهند
 ۱۶ نمود * و سینه غله در زمین کوهها پیدا خواهد شد که شمر
 او مانند (اشجار) لبنان لرزان خواهد بود و اهل شهر
 ۱۷ مانند گیاه زمین خواهند شکفت * نامش تا بابد باقی
 خواهد بود و اسمش مانند آفتاب مشهور خواهد گشت
 ۱۸ و تمامی طوایف برکت ازو یافته باو توصیف برکت
 خواهند نمود * مبارکباد پروردگار و خدا خدای اسرائیل که
 ۱۹ معجزه خود عجایب را بعمل می آورد * و مبارکباد اسم
 ۲۰ جلیل او تا بابد و جلالتش تمامی زمین را مملو سازد
 آمین و آمین * مناجات داود پسر یسی تمام است

زبور هفناد و سیم مزبور آسف

۱ بدرستی که خدا با اسرائیل و صافی دلان نیکوست
 ۲ * و یاسی من عنقریب نسبت بمن لغزش نموده

- ۱ بودند و قدمهای من تقریباً از پیش پدر بدر رفته
- ۲ بودند * زیرا که حسنه بر متکبران بر دم هنگامی که نیک
- ۳ بختی شرایرا دیدم * زیرا که قیدها از جهت ایشان
- ۴ نیست و قوت ایشان کامل و محکم است * ایشان
- ۵ در رحمت (مانند) دیگران نیستند و مثل آدمهای دیگر
- ۶ تصدیق نمی گشند * ز آنرو که غرور ایشان را متسلسل
- ۷ میگردد و ظلم ایشان را آراسته می پوشاند * چشمهای
- ۸ ایشان را پیمه گرفته است و اندیشههای دل (شان)
- ۹ بعمل می آید * خودشان را فاسد میگردانند بفحش
- ۱۰ و شرارت حرف میزنند و از غرور تکلم می نمایند * دهن
- ۱۱ خودشان را در ضد (خدای) آسمانها و میکنند و زبان
- ۱۲ ایشان در ضد (ساکنان) زمین میگردود * از آن
- سبب قوم خدا اینجا باز گشت مینمایند و برای ایشان
- ۱۱ آبهامی بر از بلا ریخته شده است * پس گفتند که
- ۱۲ چگونه میفهمد خدا یا هست علم در نزد تعالی * اینک
- اینها شرایر و نیکبختان دنیا شده اند مال را می افزایند

- ۱۳ * بدرستی که بیفایده، دل خود را مصفی کردم و دستهای
 ۱۴ خود را در پاکی شستم * دهر روز تصویع کشیدم و دهر
 ۱۵ صبح تعزیب یافتم * هر گاه قصد آن کردم که باینطور
 میان کنم آنگاه نسل فرزندان ترا خیانت می نمودم
 ۱۶ * هنگامی که تصور نمودم که این را ادراک نمایم این
 ۱۷ عمل در نظر بایم مشکل آمد * تا بزمانی که داخل
 ۱۸ بمقدس خدا گشته انجام ایشان را فهمیدم * بدرستی
 که ایشان را در لغزشگاهها نهاده و در خرابیها ایشان را
 ۱۹ منهدم گردانیدی * چگونه گویا یکدم تپاه گردیدند از
 ۲۰ بلایا رفته شده با تمام رسیدند * ای پروردگار خیالات
 ایشان را در قیامت ماخذ رویای شخصی که بیدار
 ۲۱ کرده شده استحقار خواهی نمود * بدرستی که دل من
 ۲۲ بمجوش آمد و از گرد بایم درد کشیدم * و من در حضور
 ۲۳ تو ماخذ وحشیان عاری و نادان شدم * و من پیوسته
 ۲۴ با تو آم و میریمین خود مرا نگاه میداری * در موعظه
 خود مرا رهبری خواهی فرمود و آخر مرا در عظمت

۲۵ خواهی پذیرفت * برای من (جز تو) در آسمانها کیست
 ۲۶ دور زمین بغیر از تو از (کسی) خوشنود نیستم * جسم
 و دل من گاهیده میشوند (اما) قوت دل من حصه
 ۲۷ من تا بابد خداست * بدرستی که اینک مباحدان تو
 هلاک خواهند شد و تمامی آنکسانی که غیر از تو را
 میپرستند (باغند) زن زانیه اند ایشان را منقطع خواهی
 ۲۸ کرد * و برای من تقریب بخدا نیکو است پرورزگارا
 و خداوند بتو پناه می آید تا آنکه تمامی اعمال ترا
 آشکار نمایم

زبور هفتاد و چهارم تعلیم آسف

۱ ای خدا چرا دور گردا میدی (ارا) تا باید و چرا بخلاف
 ۲ گوسفندان علفزار تو غیظ تو دور میکند * بخاطر بیار
 جماعت خود را که در ایام قدیم تحصیل کردی و عصای
 میراث خود را که فدا نمودی و این صیہون را که در
 ۳ او ساکن میباشی * قدمهای خود را برای خرابی

- همیشه که دشمن تمامی (آنرا) شریانه در قدس عمل
 ۴ نموده است بر دار * اعدای تو در میان جماعت
 تو مجروحند و علمهای خودشان را نشانها میگردانند
 ۵ * (وعدو) پدید آید مانند کسی که تیشه را برای چوب
 ۶ جنگل مرفوع بنماید * و اکنون همه، نقشهایش را به همراه
 ۷ کلنگها و پتکها خراب میکنند * و آتش در مقدس تو
 زنده و مسکن اسم ترا ملوث کرده بر زمین انداختند
 ۸ * در دل خودشان گفتند که همه، ایشان را منقطع
 بکنیم تمامی مساجدای خدا را در زمین سوزانیدند
 ۹ * برای خود آیاتی نمی بینم دیگر پیغمبر نیست
 ۱۰ و نژاد ما کسی نیست که عارف باشد تا بکسی * ای
 خدا عیدو تا بکسی فحش خواهد داد آیا دشمن تا باده
 ۱۱ با سم تو کفر خواهد گفت * چرا دست ترا و بچین ترا
 باز میگیری دست را از روی سینه، خود (بر دار
 ۱۲ و ایشان را) با تمام برسان * و از ازل پادشاه من خداست
 ۱۳ که در روی زمین رستگاری (مارا) بعمل می آورد * تو

- از قوت خود دریا را تقسیم نمودی و کوههای نهندگان را
 ۱۷ در آبها شکستی * تو روس لویان را پاره پاره کردی
 ۱۵ و از برای خلق صحرا نشین طعام عطا فرمودی * تو
 چشمه وسیل را تقسیم کردی و تو رودخانههای قوی را
 ۱۶ خشک گردانیدی * روز از آن نُست و شب نیز
 از آن نُست و تو نیز را و آفتاب را مثبت فرمودی
 ۱۷ * تو تمامی حدود زمین را متحکم نمودی و تو بایستان
 ۱۸ و زمستان را (بگردش) در آوردی * ای خداوند این را
 بمخاطر آر که دشمن فحش میدهد و خلق احمق با سم
 ۱۹ تو تکفیر مینمایند * جان قهری خود را بشاهین تسلیم
 مکن و جماعت مفلوگان خود را فراموش مکن تا باید
 ۲۰ * بعهد (خود) بنگر زیرا که در تاریکیهای زمین اخذ
 ۲۱ کنندهای پغما مملو میباشد * مظلوم با شرمندگی باز
 گشت نکند و مفلوک و بیچاره اسم ترا حمد نمایند
 ۲۲ * ای خدا بر خیز و با دعای خود دعا کن و فحش خود را
 ۲۳ که هر روز از احمقان میشنوی بمخاطر آر * آواز

اعدامی خود را و خروش فتنه انگیزان تو که پیوسته
بالا میروند فراموش مکن

زبور هفتاد و پنجم

- سالار مغنیان غیر مهلت مزبور و سرود آسف
- ۱ ای خدا ترا شکر می نائیم و شکر می نائیم زیرا که عجایبات
 - ۲ تو تقرب اسم ترا ظاهر می سازد * هنگامی که من
 - ۳ بجماعت مسئولی کردم براستی حکم خواهم کرد * (زمانی که)
 - ۴ زمین و ساکنانش میگرداختند خودم ستونهایش را
 - ۵ پایدار کردم سله * بمتکبران گفتم که بغرور عمل مناشید
 - ۶ و بشرایر که شاخ را مرفوع مسازید * شاخ شما را ارتفاع به
 - ۷ بلند می مکنید و بگردن پیچیده حرف مزنید * زانکه که
 - ۸ سرافرازی نه از مشرق و نه از مغرب و نه از جنوب است
 - ۹ زیرا که خدا حاکم است یکی را بر دیگری آورد و دیگری را
 - ۱۰ بلند می سازد * زانکه کاسه در دست خداوند است
 - ۱۱ و شراب ناصاف و مخلوط مملو است و ازین میریزد
 - ۱۲ بدرستی که تمامی اشرار زمین دروایش را خواهند افشرد

- ۹ و نوش خواهند کرد * و من مشهور خواهم نمود تا پایه
 ۱۰ و بخدای یعقوب خواهم سراثید * و تمامی شاخه های شرایر را
 خواهم شکست و شاخه های صَدِیق ه رفوع خواهند گشت

زبور هفتاد و هشتم

- سالار مغنیان بر سازهایی ربسمانی مزمور و سرود آسف
 ۱ خدا در یهودا معروف و اسمش در اسرائیل بزرگ
 ۲ است * و خیمه او در سالم و جایگاه او در صیهون
 ۳ است * در آنجا تیرهای آتشین و کمان و سپر و شمشیر
 ۴ و حرب را پیاپیال کرد سلمه * از کوه های یغما افضل
 ۵ و عظیم تر توئی * قوی دلان در خواب غفلت خودشان
 خفته خراب کرده شدند و تمامی صاحبان قوت دستهای
 ۶ خودشان را نیافتند * از ممانعت تو ای خدای یعقوب
 هم سوار بهم اسپ در خواب غفلت گرفتار شدند
 ۷ * تو خودت مهیبی و در زمان غضب تو کیست که
 ۸ در حضور تو تواند ایستاد * از آسمانها حکم را مسموع
 ۹ گردانیدی زمین خائف و خموش گردید * در هنگامی

که خدا قائم شد برای حکم کردن و از برای نجات
 ۱۰ دادن تمامی مفلوکان زمین سلمه * زیرا که خشم انسان
 باعث حمد تو خواهد بود و باقی غضبها را ممانعت خواهی
 ۱۱ کرد * ای تمامی قریبانش بخداوند و خدای خودتان نذر
 بکنید و ادا بنمائید و هدیه بآنکسی که لایق خوشت
 ۱۲ برسانید * روح امیران را منقطع خواهد کرد و برای
 پادشاهان زمین مهیب است

زبور هفتاد و هفتم سالار مغنیان به یدوثن مزبور آسف
 ۱ خدا را باواز خود بل باواز خود خدا را خواندم و مرا
 ۲ اصغاکرد * در روز تنگدستی خود پروردگار را تفحص
 نمودم دست من در شب بلند شد و توقف نمود
 ۳ نوجان من از تسلی ابا نمود * خدا را بخاطر می آورم
 و مضطرب میباشم و تفکر مینمایم و روح من اندوهناک
 ۴ است سلمه * بیداریهای چشم خود را دراز میکنم
 ۵ و باضطراب می افتم و نمیتوانم متکلم شد * در ایام قدیم

- ۶ و سالهای سلف متفکر گشتم * در شب سرودهای
 خود را بمخاطر آوردم و با دل خود اندیشه نمودم و روح
 ۷ من تفتیش کرد * که آیا خداوند تا باید (مارا) دور خواهد
 ۸ کرد و دیگر راضی نخواهد بود * آیا رحمتش تا باید
 ناپود شد و وعده اش پشت به پشت با تمام رسیده
 ۹ است * آیا خدا از رحمت نمودن فراموش میشود
 و آیا رحمتهای خود را در غضبش بسته است *
 ۱۰ * و گفتم که (آخ) از ضعیفی خودم اینست تغییر یابم
 ۱۱ تعالی * اعمال مرا بمخاطر خواهم آورد بدرستی که نجاتهای
 ۱۲ مرا از ایام قدیم بمخاطر خواهم آورد * هر عمل مرا ملاحظه
 ۱۳ خواهم نمود و از کارهای تو متفکر خواهم شد * ای خدا
 راه تو در مقدس است کدام خدا مانع خدای (با)
 ۱۴ عظیم است * تو آن خدائی که تعجیبات خود را
 بعمل می آوری و قوت خود را در میان خلق معروف
 ۱۵ میگردانی * تو بازوی خود قوم خود را (یعنی) فرزندان
 ۱۶ یعقوب و یوسف را فدا کردی * ای خدا آنها

تو را بنظر در آورده و آنها ترا دیدند مضطرب شدند
 ۱۷ بدرستی که عایق (بحر) تبالطم آمد * ابراهیم آب ریختند
 و فریاد از آسمانها بر آمد بدرستی که تیرهای (آتش) تو
 ۱۸ فرو ریختند * آواز رعد تو در آسمان (بود) و برق
 جهان را منور ساخت و زمین لرزان و متزلزل گردید
 ۱۹ * راه تو در دریاست و طریق تو در آبهای بزرگ
 ۲۰ و نقش پای تو معلوم نیستند * قوم خود را مانند
 گوسفندان بدست موسی و هرون رهبری فرمودی

زبور هفکاد و هشتم تعلیم آسف

۱ ای قوم من شریعت مرا اصفا کنید و گوش خودتان را
 ۲ بسخن دهن من فرا دارید * دهن خود را در مثل
 ۳ بکشایم و معنای قدیم را آشکار خواهیم نمود * که ایشان را
 ۴ شنیدیم و دانستیم و پدران ما نیز (مارا) خبر دادند * و از
 فرزندان ایشان بنهانی نخواهیم کرد و آشکار خواهیم
 نمود و اوصاف خداوند را و قدرت او را و عجایب

۵ اورا که بعمل آورند * چگونه شهادت را در یعقوب
 مقیم کرد و شریعت را در اسرائیل مقرر فرمود و ایشان را
 پدران ما سپرد برای مطلع نمودن ایشان بفرزندان
 ۶ خودشان * تا آنکه پشت آینده فرزندان که زائیده
 خواهند شد مطلع گردیده بر خیزند و بفرزندان خودشان
 ۷ خبر دهند * تا پناه خودشان را بخدا آورند و کارهای
 ۸ خدا را فراموش نکرده حکمهایش را نگاه دارند * و مانند
 پدران خودشان نسل کعبه و عاصی نباشند نسلی که دل
 خودشان را مهیا نساختند و روح ایشان بخدا بیوفائی
 ۹ کرد * فرزندان افرایم اسلحه پوشیده و کمان بر داشته در
 ۱۰ روز جهاد بر گردیدند * عهد خدا را نگاه نداشتند و از
 ۱۱ رفتار شریعتش ابا نمودند * و کارهایش و عجاایاتش را
 که ایشان را بنان نشان داد فراموش کردند
 ۱۲ عجاایات را در زمین مصر و در کشت زار صوعن
 ۱۳ در حضور پدران ایشان بعمل آورد * و یارا شکافت
 و آبهارا مانند توده ایستاده گردانید و ایشان را گفراشید

- ۱۴ * و در روز بابر و هر شب بنیر آتش ایشان را رهبری
 ۱۵ فرمود * سنگها را در تپه شکافت و ایشان را مانند بسپار
 ۱۶ عمیقها نوشانید * و چشمها را از سنگ بیرون آورد
 ۱۷ و آبها را مانند رودخانهها فرو ریخت * و دیگر بضد او
 در تپه بگناه افزایش نموده الله تعالی را غضبناک
 ۱۸ کردند * و در دل خودشان خدا را امتحان نمودند از
 ۱۹ سوال نمودن طعام برای خویش خودشان * بدرستی
 که در ضد خدا متکلم شدند و گفتند آیا خدا مأمور را در
 ۲۰ بیابان آماده تواند کرد * آنگاه سنگ را زد و آبها جاری
 گشتند و سیلها ریخته شدند آیا نان را تواند داد و آیا
 ۲۱ گوشت برای قوم خود مهیا تواند نمود * و خداوند
 این را شنید و ازینجهتم غضبناک گردید و آتش بر
 یعقوب مشتعل شد و بر اسرائیل قهر متصاعد
 ۲۲ گشت * زیرا که بر خدا اعتقاد ننموده بودند و از
 ۲۳ نجات او امید وار نبودند * آنگاه بابر را از بالا فرمان
 ۲۴ داد و دروب آسمانها را واکرد * و برای خوردن ایشان

ترنجبین را بارانید و غله آسمانی بایشان عطا فرمود
 ۲۵ * انسان نان فرشتگان را تناول نمودند و برای
 ۲۶ ایشان تا بمرتبۀ سیری طعام فرستاد * باد شرقی را
 در هوا بوزانید و باد جنوبی را بتندیش روان نمود
 ۲۷ * و گوشت را مانند غبار و مرغ طیار را مانند ریگ دریا
 ۲۸ بر ایشان بارانید * آنها را در اندرون خیمه گاه
 ایشان و در اطراف مسکنهای ایشان افکنده گردانید
 ۲۹ * و تناول نمودند و خوب سیرگشتند و برای ایشان
 ۳۰ خواهش ایشان را عطا فرمود * و از خواهش ایشان
 نفرت ننمودند هنگامی که اطعمه شان در دهن
 ۳۱ ایشان بوده است * (آنگاه) غضب خدا برای ایشان
 متصاعد گشت و اغنیای ایشان را بقتل رسانید
 ۳۲ و برگزیدگان اسرائیل را (بجاک) هلاک افکند * زانرو
 که در این همه (مأمده) دیگر خطا نمودند و بر عجاایبات
 ۳۳ او باور نکردند * پس روزهای ایشان را به ییهودگی
 و سالهای ایشان را در اضطراب با تمام رسانید

- ۳۴ * هنگامی که ایشان را مقتول مینمود اورا تفحص کردند و برگردیدند و خدا را در صبحدم تجسس نمودند
- ۳۵ * و بخاطر آوردند که خدا کوه ایشان و الله تعالی فدا کننده
- ۳۶ ایشان است * و بدین خودشان اورا چابلوسی نمودند
- ۳۷ و بزبان خودشان باو کاذب گشتند * و دل ایشان
- ۳۸ باو راست بنود و در عهدش استوار نبورند * اما او از بسیاری رحمتش ایشان را عفو فرمود و هلاک نکرد و بسیاری اوقات از غضب خود بازگشت نمود و تمامی غضب خود را مختصر ساخت * و بعلمش گذشت که ایشان جسمند و روح رفتنی است و باز گشت نمیکند * چند بار اورا در تبه غضبناک کردند
- ۴۱ و اورا در آن بیابان مجسم آوردند * بلکه برگردیدند و خدا را امتحان کردند و (باله) مقدس اسرائیل خدا
- ۴۲ قرار دادند * و دستش را در روزی که ایشان را از تنگدستی مستخلص فرمود بخاطر خیابورند * که چگونه آیاتهای خود را در مصر و معجزاتش را در کشت

- ۴۴ زار صوعن پدیدار نمود * درودخانههای ایشان را و آبهای روان ایشان را بخون مبدل گردانید که نتوانستند
- ۴۵ نوشید * و در میان ایشان فرستاد مگسهای گوناگون را که ایشان را میخوردند و وزشهارا که ایشان را متعفن نمودند * و محصول ایشان را از کرم صدپا و کتد ایشان را
- ۴۶ بملخ خراب کرد * تا کتد ایشان را بتگرک و افراغهای ایشان را به برووت تباہ نمود * و چارپایان ایشان را بتگرک و کتد ایشان را بصواعق تسلیم نمود
- ۴۷ * و شدت غیظ خود را که غضب و خشم و تنگی باشد
- ۵۰ بر سالت ملائکه شدید در ضرر ایشان فرستاد * و راه را برای غضب خود هموار ساخت و جان ایشان را او زمرگ دریغ ننمود و دواب ایشان را بربا تسلیم نمود
- ۵۱ * و همه مولود نخستین را در مصر و اول اولاد را در خیمهای حام هلاک نمود * لکن قوم خود را مانند گوسفندان روان نمود و ایشان را مانند گله در تپه
- ۵۳ رهبری فرمود * و ایشان را در امیداری هدایت

کرد و که نمی ترسیدند و اعدای آنها را به دریا غرق نمود
 ۵۴ * و ایشان را داخل گردانید بمحور مقدس خود و این
 ۵۵ کوهی که بقدرت خود تحصیل فرمود * و طوایف را
 از پیش روی ایشان اخراج کرد و ارتیت را برای
 ایشان بریسان (رسد) قسمت گردانید و فرقه های
 ۵۶ اسرائیل را در خیمه های ایشان ساکن گردانید * لکن
 خدائی تعالی را امتحان کردند و غضبناک نمودند
 ۵۷ و شهادت او را محافظت ننمودند * و باز گردیده
 بیوفائی را مانند پدران خودشان بعمل آوردند و مثل
 ۵۸ کمان فریبنده مخرف گشتند * و او را مکانهای بلند
 خودشان غضبناک گردانیدند و به بُتهای کدش کار
 ۵۹ خودشان او را بغیرت آوردند * خدا دانست و غضبناک
 ۶۰ شد و از اسرائیل نفرت نمود * و مسکن شیلورا
 و خیمه که در میان انسان بر پا کرده بود و انگداشت
 ۶۱ * و (خندوق) قوت خود را به اسیری و جلال خود را بدست
 ۶۲ دشمن داد * و قوم خود را بشمشیر تسلیم نمود و در

- ۶۳ خد میراث خود غضبناک گردید * و آتش جوانان
ایسان را سوزانید و دوشیزگان ایشان بمناکحت داده
۶۴ نشدند * کاهنان شان بشمشیر کشته شدند و بیوای
۶۵ ایشان نوحه نمودند * آنگاه پروردگار مانند کسی که
از خواب و مثل صاحب قوت که از شراب
۶۶ میخروشد بیدار شد * و نشیمن اعدای خود را (ببواسیر)
۶۷ مجروح ساخت و دایم رسوائی بایشان داد * و از خیمه
۶۸ یوسف ابا نمود و فرقه افرایم را قبول نکرد * اما فرقه
یهودا قبول فرمود و این صیهون را که محبت داشته
۶۹ بود * و مقدس خود را مانند عارتها بلند نمود (وادرا)
۷۰ مثل زمین تا بابد ثابت کرد * و بنده خود را دورا بر
۷۱ گزید و از علفزارهای گوسفندان او را اخذ نمود * و از
عقب گوسفندان رایج او را برای پروردن قوم خود
۷۲ یعقوب و میراث خود اسرائیل بیرون آورد * و او
ایشان را موافق ساره لوحی دل خود پرورش نمود
و مطابق حکمتهای دست خود ایشان را راهبری فرمود

زبور هفتاد و نهم

- ۱ خدا یا قبايل بميراث تو داخل گشتند و هيكل مقدس ترا نجس کردند و اورشليم را در تودها گذاشتند
- ۲ * و نعلين جنگگان ترا بطيور هوا و گوشت مقدسان
- ۳ ترا بسباع زمين طعمه دادند * خون ايشان را مانند آب در اطراف اورشليم ريختند و دفن کننده نبود
- ۴ * سر کوب بهمسايلگان خود و مسخره و مضحکه بحواليان
- ۵ خود گرديديم * اى خداوند تا بکي غضبناک خواهي شد و آيا تا ابد غيرت تو مانند آتش مشتعل خواهد بود
- ۶ * خشم خود را بر قبايلي که ترا نمي شناسند و بر مملکتهاي که اسم ترا دعوت نمي نمايند برينز * زيرا که يعقوب را شادل نمودند و منزلش را خراب کردند
- ۸ * گناههاي قدامي ما را در خد ما بمخاطر مياد و رحمتهاي خود را بزودي بر ما بفرست زيرا که بسيار کاهيده ايم
- ۹ * اى خداي منجي ما بسبب عظمت اسم خود ما را معاوضت بفرما و ما را مستخلص کن و بسبب نام خود

۱۰ گناههای ما را عفو کن * قبايل چرا بگویند که خدای
ایشان که جاست بشما که انتقام خون ریخته بندگان
۱۱ تو در میان طوایف در نظرهای ما آشکار شود * ناله
اسیر بحضور تو داخل شود و موافقت عظمت قدرت
۱۲ خود فرزندی را که متوجّب هرگز باقی نگاهدار * وای
خداوند رکن هفت بار بسینه آنگسانی که همسایگان
۱۳ ما اند تا سزائی را که ایشان بتو گفتند * و ما که قوم
تو و کوشندگان علفزار تو هستیم شاکر تو خواهیم شد
تا بابد و حمد ترا نیست به پشت آشکار خواهیم کرد

زبور هشتم

یسایر مغنیان بر سوسنهای شهادت مزبور آسف
۱ ای آنکه با سرائیل شبانی میکنی و یوسف را ماحند
گفته رهبری میفرمائی اصفا کن وای تو که در میان
۲ کروبین ساکنی و رخشان باش * کبریا ئی خود را در
حضور افرایم و بنیامین و منسه متحرک کن و از نجات
۳ ما بیا * ای خدا ما را باز گردان در روی خود را منور کن

- ۴ که نجات خواهیم یافت * ای خداوند و خدای لشکرها بر
 ۵ دعای قوم تو تا بکسی غضبناک خواهی بود * از تان
 اشک آمیز ایشان را خوراغیدی و از پیمان^۱ اشکها
 ۶ ایشان را نوشاغیدی * ما را سبب نزاع میان همسایگان ما
 میگردانی و دشمنان ما در میان خودشان (جا) استنزا
 ۷ مینمایند * ای خدای لشکرها ما را برگردان دروی خود را
 ۸ مغرور کن که نجات خواهیم یافت * تا که را از مصر
 آوردی و طوایف را اخراج کردی و او را غرس نمودی
 ۹ * و اطرافش را وسعت دادی و بیخهایش را پایدار ساختی
 ۱۰ تا زمین را پر کرد * سایه^۲ او کوهها را و شاخهایش
 ۱۱ سرو آزادی بلند را پوشاغید * شعبهای خود را تا بدریا
 ۱۲ و قریههای خود را تا بروخانه فرستاد * چرا حصارهایش را
 شکستی بطوری که تمامی کسانی که از راه میگذرند او را
 ۱۳ میربازید * گراز جنگلی او را خراب میکند و وحش
 ۱۴ کشت زار او را میخورد * ای خدای لشکرها باز گشت
 بنما و استنزا مینمایم بنگر از آسمانها و به بین و این

۱۵ تاک را ملاحظه بفرما* و نهالی را که یحیی تو غرس نمود
 ۱۶ و فرزندی را که از جهنم خود استوار کردی* در آتش
 سوخته است و منقطع شده است و (و شمنان) از عتاب
 ۱۷ خشم تو هلاک میشوند* دست تو بر مردم یحیی
 تو باشد و بر فرزند انسان که از جهنم خود استوار
 ۱۸ میکنی* و از تو بازگشت نخواهیم نمود ما زنده نگاه
 ۱۹ دار و اسم ترا خواهیم خواند* ای خداوند و خدای لشکرها
 ما را بازگردان و روی خود را منور کن که نجات
 خواهیم یافت

زبور هشتاد و یکم سالار مغنیان بر هگئیت از آن آسف
 ۱ بخدای مقومی ما بسراخید و بخدای یعقوب بخروشید
 ۲ * زبور را بر دارید و طبل و بربط و دلاویز را با ساز ریسمانی
 ۳ بر ساراید* بدید کرتارا در زمان ماه نو در هنگامی برای
 ۴ روز عید ما معین است* زیرا که این آئین برای
 ۵ اسرائیل و حکم خدای یعقوب است* یحیی را برای
 شهادت در یوسف بهنگام بیرون رفتن او از زمین

- ۶ مصر مقرر فرمود (و خدا میگوید) زبانی را شنیدیم که نه
پسندیدیم * و روش او را از بار آزاد کردم و دستهایش
۷ از دیگ مستخلص شدند * در تنگ دستی خواندی
و ترا خلاص نمودم و ترا از پرده رعد استجابت کردم
۸ و ترا در اطراف آبهای مریمه آزمودم سله * ای قوم
من بشنوید و ای اسرائیل بتو شهادت خواهم داد
۹ اگر خواهی که (سخن) مرا بشنوی * نزد تو خدای بیگانه
۱۰ نخواهد بود و خدای غریب سجده نخواهی نمود * من
خداوند خدای تو ام که ترا از زمین مصر بیرون آوردم
۱۱ رهن خود را واکن که آنرا محلو خواهم نمود * و قوم من
آواز مرا نمی شنیدند و اسرائیل مرا قبول نمودند
۱۲ * و ایشان را بخوابشهای دل ایشان واگذاشتم و در
۱۳ مشورات خودشان رفتار نمودند * ای گاش قوم
من (سخن) مرا می شنیدند و اسرائیل در طریقههای
۱۴ من روان می شدند * عذقرب و شمنان ایشان را
ذلیل مینمودم وید خود را در خیمه ابرای ایشان بر

۱۵ میگردانیدیم * و آنکسانی که مبغض خداوند بودند فرمان
: بر دار او میگردیدند و زمان ایشان باقی می شد تا
۱۶ باید * و از بهترین گندم ایشان را می پرورانیدیم و از
عسل سنگی ایشان را سیر میکردیم

زبور هشتاد و دویم مزمور آسف

۱ خدا در جماعت خداها می ایستد بل خدا در اندون
۲ ایشان حکم می نماید * تا یکی حکم بنا راستی خواهد
۳ نمود و ظاهرهای شرایر را قبول خواهد کرد * مسکین
و یتیم را بر راستی حکم و مفلوک و بیچاره را عدل بنماید
۴ * کاهیده و محتاج را مستخلص کنید و از دست شرایر
۵ برانید * نمی فهمند و ادراک نمی نمایند و در ظلمت
۶ رفتار می نمایند و تمامی اساس زمین میلرزند * و من
گفتم که شما خداهائید بلکه جمیع شما فرزندان تعالی
۷ میباشد * لیکن مانند انسان خواهد مرد و مثل یکی

۸ از بزرگان خواهید افتاد * ای خدا برخیز و زمین را حکم کن زیرا که تو تمامی طوایف را باریت خواهی داشت

زبور هشتاد و سیم سرود و مزبور آسف

- ۱ ای خدا تو خموش باش و ای خدا ساکت مشو و توقف
- ۲ منما * زیرا که دشمنان تو فتنه انگیزند و مبغضان تو
- ۳ سر بر آورند * اساس حیل را در خد قوم تو چیده
- ۴ اند و در خد مقتدسان تو مشاورات کرده اند * گفته
- اند بیائید که ایشان را قطع نسل بکنیم تا آنکه دیگر
- ۵ اسم اسرائیل مذکور نباشد * زیرا که همگی از دل
- ۶ مشورت کردند و در خد تو عهد می نمایند * اهل اردوم
- ۷ و اسمعیلیه و موآبیه و باجریه * و گبال و عمون و عالق
- ۸ و فلسطیان با ساکنان صور * و آشور بایشان ملحق
- است و قوت از برای فرزندان لوط گردیدند سله
- ۹ * بایشان مانند مدین و مثل سیمرا و مانند یببین نزد

- ۱۰ سیل قیشون عمل نما * که در عین دور تباہ شدند
- ۱۱ و بر زمین مثل سرکین گردیدند * و بزرگان ایشان را
- مانند عَرَب و مثل زاب بلکه تمامی امیران ایشان را
- ۱۲ مانند زبج و مانند خَلَمَنَع بگردان * که گفته اند که از
- ۱۳ جهت خود بوراثت منزلهای خدا را بگیریم * ای خدای
- من ایشانرا در پیش باد مانند شترخار و مثل ساقه غله
- ۱۴ بگردان * و مانند آتشی که جنگل را بسوزاند و مثل
- ۱۵ شعله کوهها را حرق بگرداند * بهمین طور ایشان را
- یا گرد باد خود بران و باد شهید خود ایشان را مضطرب
- ۱۶ بگردان * دروای ایشان را از شرمساری مملو کن
- ۱۷ تا ای خداوند متجسس اسم تو باشند * خجالت بکشند
- ۱۸ و مضطرب بگردند تا باید و شرمندگی ببرند و بهلاکت
- آیند * و بدانند که تو آنکس میباشی که بمحذور اسم
- تو بهوده است و تعالی نی بکل زمین

زبور هشتاد و چهارم

- ۱ سالار مغنیان بر هگنیت مزبور از برای فرزندان قرون.
- ۲ ای خداوند لشکرها مسکنهای تو چه دلپذیر است
- ۳ * جان من آرزو مند دهم بیهوش از برای بارگاههای
خداوند گردیده است دل من و جسم برای خدای
- ۴ حی و جد نمایند * ای خداوند لشکرها دیادشاه من و خدای
من هم کنجشک خانه را و پرستوک آشیانه را که در او
- ۵ تجمهای شان را بگذارند نژد قربانگاههای تو پیدا کرده
- ۶ اند * خوشا حال ساکنان خانه تو زیرا که پیوسته ترا حمد
- ۷ مینمایند سلمه * خوشا حال آنکسی که قوتش از توسست
- ۸ و فرازهای (خانه تو همیشه) در دل ایشانست * عبور
- ۹ کهنه‌گان دره با که چاه را میکنند و باران ابار را
- ۱۰ مملو میکنند * روان میشوند گروه گروه و در صیهون
- ۱۱ پیش خدا ظاهر خواهند شد * ای خداوند و خدای لشکرها
- ۱۲ تصرع مرا اصغاکن و ای خدای یعقوب استماع بفرا
- ۱۳ سلمه * ای خدا سپر ما را به بین و بر دی مسیح خود بنگر

زبور داود * ۱۴ * ۸۵ * ۱۵۳

۱۰ * زیرا که روزی در بارگاههای تو از هزار (روز) بهتر است
و در بانی خانه، خدای من تا مانند در خیمه‌های شرارت
۱۱ از جهت من برگزیده تر است * زیرا که خداوند
و خدا (مثل) آفتاب و (مانند) سپر است و خداوند فضل
و جلال عطا خواهد فرمود و خوبی را از آنانی که براستی
۱۲ رفتار مینمایند کم نخواهد کرد * ای خداوند لشکرها
خوشا حال آنکسی که از تو امیدوار است.

زبور هشتم و پنجم

سالار مغنیان مزمور از برای فرزندان قارون

۱ ای خداوندی که از زمین خود راضی شده، و اسیری
۲ یعقوب را رنمودی * معصیت قوم خود را عفو کرده
۳ و قاعی گناهان ایشان را مستور ساخته، * همه، قهر خود را
دور گردانیده، و از شدت غضب خود بازگشت
۴ نموده، * ای خدای منجی ما را برگردان و خشم خود را
۵ در ضد ما معدوم کن * آیا تا باید در ضد ما غضبناک
خواهی بود و غیظ خود را پشت به پشت طولانی خواهی

- ۶ کرد * آیا ما را برگزیده زنده نخواهی کرد تا قوم تو
 ۷ از تو شادمان باشند * ای خداوند رحمت خود را با
 ۸ نشان بده و نجات خود را با عطا بفرما * هر آنچه را که
 خدا و خداوند تکلم خواهد فرمود خواهیم شنید زیرا که
 بقوم خود و بمقتدسان خود بسلامت بیان خواهد نمود
 ۹ تا ایشان با حقیقی برگردند * بدرستی که نجات او
 بخائضان او نزدیک است تا آنکه جلالش در زمین
 ۱۰ ساکن شود * رحمت و حقیقت فراهم آمدند صدق
 ۱۱ و سلام معانقه نمودند * حقیقت از زمین میروید
 ۱۲ و صدق از آسمانها می نگرند * خلاصه خداوند خوبی را عطا
 ۱۳ خواهد فرمود و زمین ثمره اش را خواهد داد * صدق
 در حضورش روان خواهد بود و راه قدمهایش را
 نشان خواهد داد

زبور هشتاد و ششم دعای داود

- ۱ ای خداوند گوش خود را (بسوی من) فرا دار و مرا
 ۲ استجابت بفرما زیرا که مفلوک و بیچاره ام * جان مرا

- محافظت بفرما زیرا که من مقدّم وای تو که خدای منی
 آن بنده تو که از تو امید وار است نجات بده
 ۳ * ای خداوند مرا رحمت بنما زیرا که هر روزه ترا
 ۴ میخوانم * جان بنده خود را شادمان بگردان زیرا که
 ای پروردگار جان خود را بسوی تو مرفوع می نمایم
 ۵ * بدرستی که خداوند تو بتما می دعوت کنندگان خود
 ۶ نیکو و معفو و بسیار رحیم میباشد * ای خداوند تضرع
 ۷ مرا اصفا کن و باواز دعا می من متوجه باش * در
 روز تنگدستی خود ترا خواهم خواند زیرا که مرا
 ۸ استجابت خواهی کرد * ای پروردگار در میان خدایان
 طغند توئی نیست و خداوند مثل اعمال تو نیست
 ۹ * تمامی طوایفی که ایشان را آفریدی در حضور تو
 خواهند آمد و بسجده خواهند افتاد و باسم تو جلال را وصف
 ۱۰ خواهند نمود * زیرا که تو عظیمی و تو عجایب را بعمل
 ۱۱ می آوری و خدای یگانه توئی * خداوند مرا براه خود
 تعلیم بده که رفتار در حقیقت تو خواهم نمود و دل

۱۱ مرا برای ترسیمین اسم خود متفق ساز * ای پروردگار
 و خدای من ترا بتما می دل خود شکر خواهم نمود و باسم
 ۱۲ تو تا باید جلال را وصف خواهم کرد * یقین که رحمت
 تو در باره من عظیم است زیرا که جان مرا از
 ۱۳ چاه اسفل راخیزی * ای خدا متکبران در خد من
 مقاومت نمودند و جماعت ظالمان متجسس جان
 ۱۴ من بودند و ترا در نظر خودشان خیالورند * و تو ای
 خداوند آن خدای رحیم و کریمی که در غضب صابر
 ۱۵ و در رحمت و حقیقت و اثر میباشی * و بسوی من
 نظر نما و مرا رحمت بنما و قوت خود را به بنده خود
 ۱۶ عطا بفرما و بفرزند بنده نسا خود نجات بده * و آیتی را
 که برای نیکوئی من باشد بعمل آر تا مبعوضان
 من به بینند و شرمسار گردند زیرا که تو ای خداوند
 مرا معاونت نمودی و بمن تسلی نمودی

زبور هشتاد و هفتم مزموّر و سرود از برای فرزندان قارون
 ۲. بنیاد او در کوههای مقدّس است * خداوند در و شب
 ۳. صیّیون را بر تمامی اماکن یعقوب ترجیح میدهد * در
 ۴. باره، تو ای شهر خدا جلالتها گفته می شوند سلمه * را ب
 و بابل را بشناسندگان خود و اینک فلسطین و صور
 با کوش را مذکور خواهیم نمود (زیرا که) اینکس در آنجا
 ۵. زامّیده شده است * در باره، صیّیون مذکور خواهیم
 گردید که این بشر و آن بشر در او زامّیده شده
 ۶. است و تعالی خود او را ثابت خواهد کرد * خداوند
 در کتابهای خلائق آشکار خواهد کرد که اینکس در
 ۷. آنجل زامّیده شده است سلمه * هم مغنّیان و هم سازندگان
 و تمامی چشمهای من در توست

زبور هشتاد و هفتم

سرود و مزموّر برای فرزندان قارون سالار مغنّیان بر محکمات
 لعنوّث تعلیم حیّمان از راحی
 ۱ ای خداوند و خدای منجی من روز و شب پیش تو

- ۲ فریاد نمودم * که دعای من، بخفیور تو داخل شود گوش
- ۳ خود را بشریار من فرا دار * زیرا که جان من از بلاها مملو
- ۴ است و حیات من نزدیک بقبر است * و شمرده
- شده ام بانگسانی که بچاه فرد میروند و مانند شخص
- ۵ بیقوت گردیدم * در میان مردگان من آزاد میباشم.
- مانند کشتگانی که در قبر میخوانند که ایشان را دیگر
- بخطرنمی آوری و ایشان بدست تو منقطع می شوند
- ۶ * مرا در چاه اسفلان در تاریکیها و در عمیقها گذاشتی
- ۷ * غضب تو بر من شکجه می نماید و مرا در امواج خود
- ۸ مبتلا گردانیدی سلمه * شناسندگان مرا از من دور
- نمودی و مرا سبب نفرت ایشان گردانیدی که
- ۹ محبوسم و بیرون نمی توانم آمد * چشم من از بلامی
- من ضعیف میشود ای خداوند در هر روز ترا خواندم
- ۱۰ و دستهای خود را بسوی تو بلند کردم * آیا عجایب را
- باهل موت عمل خواهی نمود و یا مردگان بر خواسته
- ۱۱ ترا شکر خواهند کرد سلمه * آیا رحمت تو در قبر

- ۱۱ و حقیقت تو در هلاکت آشکار خواهی گردید * ایا
عجایب تو در تاریکی و یا صداقت تو در زمین
۱۲ نسیان معروف خواهی شد * وای خداوند ترا استغاثه
۱۳ نمودم و در صبحدم تضرع من بتو خواهی رسید * ای
خداوند چرا جان مرا دور میگردانی در وی خود را از من
۱۴ مستور مینمائی * من از طفولیت مفلوک و نزدیک
یمرگ شدم و حامل ترسهای تو بوده مضطرب
گردیدم * غضبهای تو بر من عبور می نمایند و ترسهای
۱۵ تو مرا منقطع میکنند * هر روز مانند آبها مرا احاطه
۱۶ نمودند و همه یگر در ضد من دائره بستند * دوست
و رفیق را از من دور نموده و شناسندگان مرا در
ظلمت (میگذارند)

زبور هشتم و نهم تعلیم ایشان از راحی

- ۱ رحمتهای خداوند را تا باید خواهیم سرائید (ای خداوند) بدمین
خود وفاداری ترا پشت به پشت معروف خواهیم گردانید

۲ * زیرا که گفتم که رحمت تا باید پایدار خواهد بود و در خود
 ۳ آسمانها وفاداری خود را ثابت خواهی کرد * (و فرموده) عیب
 به برگزیده خود کردم و به بنده خود داود سوگند خوردم
 ۴ که فریت ترا تا باید ثابت خواهم کرد و تخت ترا پشت
 ۵ بهشت پایدار خواهم ساخت سله * و ای خداوند آسمانها
 عجاایات ترا بل وفاداری ترا در اجتماع مقدسان
 ۶ تمجید خواهند کرد زیرا که کیست در سپهر که بخداوند
 مقابله تواند شد و کیست در میان فرزندان نیرومندان
 ۷ که بخداوند مشابعت تواند یافت * خدا در جماعت
 مقدسان بسیار مهیب و نرد تمامی حوایانش سهمگین
 ۸ است * ای خداوند و خدای لشکرها ماخذ تو خداوند
 ۹ و در مطاق کیست پرستی که وفاداری تو در اطراف
 ۱۰ تو میباشد * تو در خورش دریا تسلطی نمائی و تلاطم
 ۱۱ امواجش را فرو می نشانی * راب را ماخذ زخم دار
 ۱۲ و رفتی و بهاروی قوت خود دشمنان خود را برگزیده
 ۱۳ نمودی آسمانها از آن تست بل زمین از آن تست

۱۲ و جهان و مملویش قو ایشان را بنا نهادی * تو شال
 و جنوب را آفریدی (کوه) نابور و حرمون اسم ترا خواهند
 ۱۳ سرائید * بازوی قوت از آن تست دست تو قوی
 ۱۴ و بحین تو بلند است * راستی و حکم در مکان عرش
 تست رحمت و حقیقت پیش روی تو میروند
 ۱۵ ای خداوند خوشحال آنقوی که باواز شادمان عارف
 ۱۶ میباشند و در نور دیدار تو روان خواهند شد * در اسم
 تو تمامی روز و جد خواهند نمود و در صداقت تو مرفوع
 ۱۷ خواهند شد * زیرا که عظمت قوت ایشان توئی
 ۱۸ و شاخ ما در لطف تو مرفوع خواهد گردید * زانرو که
 خطیوند سپر ما و مقدس اسرائیل پادشاه ماست
 ۱۹ * آنگاه در رویا بمقدس خود نکلیم نموده فرمودی که
 نصرت را بر اهل کبار نهادم و کسی که از قوم برگزیده
 ۲۰ شده است مرفوع نمودم * بنده خود داود را گزین
 ۲۱ نمودم و برونش مقدس خود او را چرب کردم * زانرو
 که دست من پاو استوار خواهد شد و بازوی من

- ۲۲ نیز اورا پرزور خواهی گردانید * دشمن ازو بنزد
نخواهد گرفت و فرزند ظلم اورا مبتلا نخواهد گردانید
۲۳ * و اعدای اورا از حضورش خواهم کوفت و مبغضانش را
۲۴ خواهم آزرده * اما وفاداری من و رحمت من با اوست
۲۵ و در اسم من شاخ او مرفوع خواهد گشت * و دست
۲۶ اورا بر دریا و بحیرین اورا برودخانهها خواهم نهاد * و مرا
خواهد خواند که پدر من و خدای من و کوه منجی من
۲۷ توئی * و من نیز اورا مولود نخستین و بالاتر از
۲۸ پادشاهان زمین خواهم گردانید * از جهش رحمت
خود را تا بابد محافظت خواهم کرد و برایش عهد من
۲۹ استوار خواهد بود * و زریّت اورا دائم و تخت او امانند
۳۰ ایام آسمانها خواهم گردانید * اگر فرزندان او شریعت
۳۱ مرا وا گذارند و در احکام من رفتار ننمایند * و اگر در
۳۲ حقوق مرا معدوم کنند و فرمانهای مرا نگاه ندارند * آنگاه
تجاوزهای ایشان را بعضا و معصیت ایشان را بضررها
۳۳ عقوبت خواهم نمود * اما رحمت خود را ازو نخواهم بر

- ۳۷ داشت دور وفاداری خود کاذب نخواهم بود * عهد
خود را معدوم نخواهم نمود و آنچه از لبهای من بیرون
۳۵ رفته است متغیر نخواهم کرد * یکبار بقدس خود
۳۶ سوگند خوردم و بداد دروغ نخواهم گفت * زرقتش تا
بابه و تخت او در حضور من مانند آفتاب باقی
۳۷ خواهد بود * تا باید مثل ماه و مانند شباهد مبین که در
۳۸ سپهر است ثابت خواهد شد * اما تو مسیح خود را دور
۳۹ نموده و نفرت کرده و با او غضبناک شده * عهد
به بنده خود معدوم کرده و تاج او را بر زمین انداخته
۴۰ نجس کرده * تمامی حصارهایش را شکسته و امنهایش را
۴۱ خراب گردانیده * تمامی عابران راه او را خراب میکنند
و از برای همسایگانش سرکوب گردیده است
۴۲ * دست راست اعدای او مرفوع نموده و تمامی
۴۳ دشمنان او را شادمان گردانیده * دم شمشیر او را
۴۴ نیز برگردانیده و او را در جهاد قائم نکردی * پاکی او را
موقوف و تخت او را در خاک منهدم گردانیده

- ۲۵ * آیا مهابی جوانی او را مختصر کرده؛ و شرمندگی بر او
- ۲۶ پوشانیده؛ سله * ای پروردگار آیا تا بکسی خود را تا باید
- محجب خواهی کرد و یا غضب تو مانده آتش مشتعل
- ۲۷ خواهد گشت * بمخاطر آر که عمر من چند است چرا
- ۲۸ تمامی فرزندان انسان را با عبت آفریده؛ * کیست
- آمردی که زیست خواهد نمود و مرگ را نخواهد دید
- (و یا کیست) که جان خود را از دست قبر مستخلص
- ۲۹ تواند کرد سله * ای پروردگار کنجاست رحمتهایی
- ۳۰ پیشین تو که در وفاداری خود بداد و سوگند خوردی * ای
- پروردگار ملامت زندگان خود را بل ملامت تمامی
- بزرگان خلاص را که بسینه خود حمل کرده اند بمخاطر
- ۳۱ آر * (که) ای خداوند، بچه طور دشمنان تو ملامت کنند
- و بچه طور نقش پایانی مسیح ترا سرکوب مینمایند
- ۳۲ * مبارکباد خداوند تا باید آمین و آمین

زبور نودم دهایی موسی مرد خدا

- ۱ ای خداوند تو پشت به پشت (معین) معان ما
- ۲ بوده؛ * قبل از آنکه کوهها بوجود آمده باشند و زمین
- ۳ و جهان را خلق گردانی تو از ازل تا بابد خدائی
- * انسان را بمردمی باز میگردانی و میگردانی که ای
- ۴ فرزندان انسان باز گردیدند (یاصل خود) * زیرا که در نظر
- تو هزار سال مانند دیر است و پاسی که از شب گذشته
- ۵ باشد * چون سیلاب ایشان را بر داشته می بری و مانند
- رویا و گیاه میباشند که در صبحدم تر و تازه میگرد
- ۶ * بلکه صبحدم می شگوفه و نشو و نما می نماید و در شامگاه
- ۷ و وحیده و پژمرده میشود * زیرا که در غیظ تو با تمام رسیده
- ۸ ایم و در غضب تو مضطرب میباشیم * معصیتهای ما را
- در نظر خود و گناهان پنهان ما را در روشنی حضور خود
- ۹ آوردی * زیرا که همه روزهای ما در غضب تو باختر
- میرسند و سالهای خود را چون حکایت با تمام می رسانیم
- ۱۰ * ایام سالهای ما هفتاد سال است و اگر سبب قوتها

بهشتاد سال برسد و زیاده از آنها تعب در نچ است
 ۱۱ بدرستی که بزودی منقطع شده پرواز می نائیم * کیست
 که قوت غیظ تو بداند و غضب تو مانند هیبت تست
 ۱۲ * ما را عارف بشمردن ایامهای ما بگردان تا از دل
 ۱۳ تفکر حکمت نائیم * ای خداوند رجعت کن تا بکی
 ۱۴ و بر بندگانت تسلی ده * تا در صبح از رحمت تو
 مملو شویم و در تمامی ایام خود خوشنود گردیم و وجد نائیم
 ۱۵ * ما را شادمان بگردان عوض آن روزائی که ما را
 مبتلا گردانیده و بان سالهائی که ستمهارا دیده ایم
 ۱۶ * صبح تو به بندگان تو و عظمت تو بفروزندان ایشان
 ۱۷ پدیدار آید * و خرقی خداوند و خدای ما بر ما باشد و کار
 دستهای ما را برای ما استوار نما بلکه عمل دستهای
 ما را ثابت کن

زبور نود و یکم

۱ آنکسی که در مکان پنهان تعالی نشیند در سایه
 ۲ قادر مطلق بر خواهد برد * بخداوند خواهیم گفت که پناه

- ۳ من و ملجاء من و خدائی که من با و متوکلم توئی
 * بدرستی که او ترا از دام حیاء و از دیای هولناک
 ۴ مستخلص خواهد کرد * و ترا در آنچه خود مستور
 خواهد نمود و بزرگنمایی او پناه خواهی آورد که
 ۵ حقیقت او سپر و جَنَه میباشد * از خوف شب
 ۶ و از تیر که در روز می پرد * از وبائی که در تاریکی
 میگذرد و از بلائی که وقت ظهر ویران میکند نخواستی
 ۷ ترسید * هزار از طرف تو و ده هزار از بهین تو (از
 ۸ بلا) خواهند افتاد بتو نخواهد رسید * مجرب و چشمهای
 ۹ خود خواهی نگریست و جزاء اشرار را خواهی دید * بدرستی
 که منی خداوند پناه من توئی و (ای کسی که) تو تعالی را
 ۱۰ ما من خود گردانیده * بلا بتو نخواهد رسید و با جَنیمه
 ۱۱ تو نزدیک نخواهد نمود * زیرا که ملائکه خود را برای
 تو فرمان خواهند داد تا آنکه در همگی طریقههای تو
 ۱۲ ترا نگاه بدارند * و بدستهای (خودشان) ترا خواهند بر
 ۱۳ داشت و با پای تو بر سنگ بخورد * بر شیر

و افعی یا خواهی نهاد شیر بچہ و نهنگ را یا پمال خواهی
 ۱۴ نمود * (و میفرماید) بدرستی که (اینکس) که بر من عاشق
 شد او را مستخلص خواهم کرد و او را بلند خواهم نمود از
 ۱۵ آئرو که اسم مرا دانست * مرا خواهد خواند و او را
 استجابت خواهم کرد و با او در تنگدستی خواهم بود
 ۱۶ و او را خلاص خواهم نمود و او را تعظیم خواهم کرد * و او را
 از ایام مطول مهلو ساخت و سلامت من او را
 متبصر خواهم گردانید

زبور نود و دوم مزبور و سرود از برای یوم سبت

۱ اقرار بخداوند و سر آمدن اسم تو ای تعالی نیکو
 ۲ * که رحمت ترا در صبح و وفاداری ترا در شبها آشکار
 ۳ کنند * با سازده تار و بر نبل و بر هگایون و با بربط
 ۴ * زیرا که ای خداوند مرا بصنع خود شادمان گردانیده
 ۵ و در کارهای دست تو تفاخر خواهم نمود * ای خداوند
 اعمال تو چه عظیم است و اندیشه های تو بسیار عمیق

- ۶ است * این را مرد حق نمیداند و عدیم الفهم ادراک
- ۷ نمی نماید * هنگامی که شراب را مانند گیاه می شکوفند و تمامی
فساد کنندگان نشو و نما می نمایند از برای اینکه منقطع
- ۸ شوند تا بآید * وای خداوند تو تا بآید تعالی میباشی
- ۹ * زیرا که اکنون ای خداوند دشمنان تو ویدرستی که
اینک مبغضان تو هلاک خواهند گشت و تمامی فساد
- ۱۰ کنندگان پرانده خواهند گردید * و شاخ مرا مثل شاخ
کمرگدن بلند خواهی کرد و بر و غن تازه چرب کرده
- ۱۱ خواهم شد * و چشم من بر حاسدان خود خواهد نگر بست
و گوش من در حق شرابری که در ضد من مقاومت
- ۱۲ می نمایند خواهد شنید * صدیق مانند درخت خرمای خواهد
شگفت و مثل سرو آزاد در لبنان نمو خواهد نمود
- ۱۳ * آن کهانی که در خانه خداوند نشانده میشوند در
بارگاههای خداوند خواهند شگفت * و هم در پیری نشو
- ۱۵ و نما خواهند نمود و تر و تازه خواهند بود * از برای آشکار

کردن آنکه خداوند راستست و کوه من است که
در او ناراستی نیست

زبور نود و سیم

۱ خداوند پادشاهی می نماید و آرایش خداوند لباس
کبریا نیست و خود را بقیوت بسته است و جهان را
چنان ثابت کرده است که متحرک نخواهد شد
۲ * (خداوند) عرش تو از ایام قدیم ثابت است و تو
۳ همیشه میباشی * ای خداوند نه با بلند گردانیدند و سیلها
مرتفع نمودند آواز خود را و تلاطم خود را مرفوع گردانیدند
۴ * لکن خداوند در علوی از ندای آبهای بسیار و از
۵ امواج پر زور دریا زور آور تر است * ای خدایان
شهادت تو بسیار صدق است و زمینت خانه تو
تقدس تا ابد الابد

زبور نود و چهارم

۱ ای اله منتقم و پروردگار و خدای منتقم درخشان

- ۲ باش * ای حاکم زمین برتری کن و بر متکبران
- ۳ جزا بده * ای خداوند تا بکی اشرار و تا چند شرابیر نفاخر
- ۴ خواهند نمود * و گفتگو خواهند کرد و حرفهای درشت
- خداوند زد و تمامی فساد کنندگان خود فروشی خواهند نمود
- ۵ * ای خداوند قوم ترا پامال میکنند و میراث ترا مبتلا
- ۶ میسازند * بیوه و غریب می کشند و یتیمان را بقتل
- ۷ میبرسانند * و میگویند که خداوند نخواهد دید و خدشی
- ۸ یعقوب نخواهد فهمید * ای احمقانی که در میان
- خلق میباشند بفهمید و ای ابلهان کسی خواهد دریافت
- ۹ * آن کسی که گوش را آفرید آیا نخواهد شنید و چشم را
- ۱۰ ~~خوبست~~ نمود آیا نخواهد دید * آن کسی که طوایف را
- تنبیه می نماید و مردم تعلیم حکمت میدهد آیا عقوبت
- ۱۱ نخواهد فرمود * خداوند اندیشهای انسان را میداند که
- ۱۲ آنها عبث میباشند * ای خداوند خوشا حال آنکسی
- که او را عتاب نمیکنی و او را از شریعت خود تعلیم
- ۱۳ میدهی * که او را از ایام بلا ساکن بگردانی تا چاه از

- ۱۴ برای اشرار کنده شود * زیرا که خداوند قوم خود را و نخواهد گذاشت و میراث خود را ترک نخواهد کرد
- ۱۵ * زیرا که شاه صاوق حکم را خواهد برگردانید و تمامی
- ۱۶ راستدلان در پی او روان خواهند شد * کیست که از جهته من در خدمت باشرار مقاومت خواهد نمود
- کیست که از برای من در خدمت فساد کنندگان
- ۱۷ خواهد ایستاد * اگر خداوند ناصر من نمی بود نزدیک آن بود که جان من در خوا موشی ساکن شود
- ۱۸ * گفتم هنگامی که پامی من بلغزد رحمت تو ای خداوند
- ۱۹ مرا نگاه خواهد داشت * تسلیهای تو در بسیاری اندیشههای من که در قلب منند جان مرا نجات
- ۲۰ گردانیدند * آیا تخت شرایر که ظلم را بطریقه شریعت
- ۲۱ حکم مینماید شریک تو خواهد شد * بر جان صدیق
- ۲۲ هجوم می آورند و بر خون بی تقصیر حکم نمابند * لیکن
- خداوند ملجاء من و خدای من و قوت پناه من است
- ۲۳ * و نراستی ایشان را بر ایشان خواهد برگردانید و در

شرارت ایشان ایشان را منقطع خواهد کرد (بلکه)
خداوند و خدای ما ایشان را منقطع خواهد نمود

زبور نود و پنجم

- ۱ بیاثید تا خداوند را حمد نمائیم و کوه منجی ما را بسرائیم
 - ۲ * با شکر گذاری در حضورش داخل شویم و بزبور او را
 - ۳ تسبیح نمائیم * زیرا که خداوند خدای بزرگ و پادشاه بر
 - ۴ تمامی خدایان عظیم است * و عمیقهای زمین در
 - ۵ دست اوست و فراز کوهها از آن اوست * و او راست
 - دریا که او را آفرید و دستهایش خشکی را صنع نمود
 - ۶ * بیاثید که در حضور خداوند و آفریننده خود ساجود و رکوع
 - ۷ نمائیم و بر زانو بیفتیم * زیرا که او خدای بااست و ما
 - قوم غفلتزارش و گوسفند دستش میباشیم امروز اگر
 - ۸ آواز او را بشنوید * دلهای خودتان را مانند منازعه و منل
 - ۹ بوم امتحان در تیمه سخت مگردانید * (و میفرماید)
- هنگامی که پدران شما مرا آزمودند و امتحان کردند

۱۰ و عمل مرا دیدند * چهل سال از آن فرقه زریغم
آمد و گفتم که آنها قومی اند که قلبا گمراه شده اند و راههای
۱۱ مرا ندانستند * چنان که در خشم خود سوگند خوردم
که در راحت من داخل نخواهند گردید

زبور نود و هشتم

۱ خداوند را بسرود نازه بسرائید و امی تمامی (خلایق) زمین
۲ خداوند را تسبیح نمائید * خداوند را بسرائید و شاکر اسمش
۳ باشید در روز بروز نجاتش را مطلع سازید * جلال او را
در میان طوائف و عجایبات او را در میان خلایق
۴ آشکار بکنید * زیرا خداوند عظیم است و بسیایلاق
۵ است * زیرا که تمامی خدایان را خدایان میباشند لکن
۶ خداوند آسمانها را خلق کرد * عزت و بزرگی در حضورش
۷ و کبریا و زینت در مقدس او میباشد * ای فاسق
قومها توصیف خداوند کنید جلال و کبریائی خداوند را

- ۸ تهلیل نمائید * عظمت اسمش را بخداوند وصف
بنمائید و هدیه برسائید و در بارگاههایش داخل شوید
- ۹ * خداوند را در زینت تقدس سجده نمائید و ای تمامی
۱۰ (خلایق) جهان از حضورش بترسید * در میان طوایف
بگوئید که خداوند پادشاهی مینماید و جهان را چنان
ثابت میکند که متحرک نتواند شد و خلایق را براستی
۱۱ حکم خواهد نمود * آسمانها شادمان باشند و (خلایق)
۱۲ زمین و دریا و مملویش غرش کنند * کشت
زار و هر آنچه در اوست مسرور باشند آنگاه تمامی
۱۳ درختهای جنگل خوشنود خواهند گردید * در حضور
خداوند زیرا که می آید بدرستی که برای تحکیم زمین
می آید جهان را براستی و خلایق را بوفاداری حکم
خواهد نمود

زبور نود و هفتم

- ۱ خداوند پادشاهی میکند و زمین بوجد می آید و بسیار
۲ جزیرها شادمان باشند * ابرها و تاریکی در اطرافش

- ۳ میباشند صدق و حکم آراستگی عرش اوست * آتش
در حضورش میرو و واعدای او را در اطراف میسوزاند
- ۴ * برقش جهان را منور ساخت زمین دید و لرزان
- ۵ گردید * کوهها مثل موم در حضور خداوند (بل) در
- ۶ حضور پروردگار تمام زمین گداخته شدند * آسمانها
صدق او را آشکار می نمایند و تمامی خلایق جلال او را
- ۷ خواهند دید * تمامی آنکسانی که بصورتهای کندن
کار عبادت میکنند و به بتها فخر مینمایند شرمندگی
- ۸ میبرند ای تمامی فرشتگان او را سجده بنمایید * صیہون
شنید و شادمان گردید و دختران یهوذا بسبب احکام
- ۹ تو ای خداوند بوجد آمدند * بدرستی که تو ای
خداوند بر تمامی (ساکنان) زمین تعالی و بر فوق تمامی
- ۱۰ فرشتگان مافوق میباشی * ای کسانی که محبتان
خداوند میباشید بدمی را بغض نمائید که جان مقدسانش را
- نگاه دارد و ایشان را از دست شرایر مستخلص کند
- ۱۱ * نور از جهت صدیق و شادمانی^۱ از جهت راستدلان

۱۳ مزروع است * اعی صدیقان از خداوند خوشنود
باشید دور تذکر پاکیش شکر گذاری نمانید

زبور نود و هشتم مزمور

- ۱ بخداوند تسبیح ناز را بسرائید زیرا که عجایبات را
بعمل آورده است . همین او و بازوی مقدس او
- ۲ نجاتش را پیدا کرده است * خداوند نجات خود را
معروف گردانید و صداقت خود را در میان طوایف
- ۳ آشکار نمود * رحمت خود را و وفاداری خود را بسوی
خانه اسرائیل ذکر نمود و تمامی انجماهای زمین نجات
- ۴ خدای ما را خواهند دید * ای تمامی (ساکنان) زمین
بخشایند . بخروشید و ندای بلند بنمائید و تمجید بکنید
- ۵ و بسرائید * بخداوند بر بربط (ویل) با بربط و باواز تسبیح
- ۶ بسرائید * بنفیرا و آواز کرناهی در حضور پادشاه و خداوند
- ۷ بخروشید * دریا و مملویش و جهان و تمامی آنانی که در
- ۸ او ساکنند غرش بنمائید * رودخانها هر جا بگویند و کوهها
- ۹ با هم دیگر بوجد آیند * در حضور خداوند زیرا که برای

تَحْکِمَ زَمِینَ فِی آیَةِ جِهَانِ رَا بِمَدْقِ وَخَلَایِقِ رَا بِرَاسْتِی
حَکَمَ خَوَاصِدِ نَحْوَدِ

زبور نود و نهم

- ۱ خداوند پادشاهی مینماید و قومها مرتعش کردند و در
میان کثرت و بین ساکن است و زمین متزلزل گردد
- ۲ * و خداوند در صیهون عظیم است و خود بر فوق تمامی
خلایق مافوق است * باسم تو شکر بنمایند (زیرا که) او
- ۳ عظیم و سهمگین و مقدس است * پادشاه مقتوی
عدالت را دوست میدارد (ای خدا) تو راستی را ثابت
کردی عدالت و صداقت را در یعقوب بعمل آوردی
- ۴ * رفعت خداوند و خدای ما را وصف بنمایند و در بای
تخت او سجده بکنند (زیرا که) او مقدس است
- ۵ * موسی و هرون در میان کاهنان او و شموئیل در میان
دعوت کنندگان اسم او خداوند را خوانند و او ایشان را
- ۶ استجابت فرمود * در ستون ابر بایشان نغم نمود
و شهادت او را و آئین را که از جهت ایشان مقرر

۸ فرمود نگاه داشتند * نمی خداوند تو خدای مائی و ایشان را
استجابست فرمودی و از برای ایشان خدای معاف
بودی اگر چه بر کوششهای ایشان انتقام کشیدی
۹ * رفعت خداوند و خدای ما را وصف بنمائید و در کوه
مقدس او سجده نمائید زیرا که خداوند و خدای ما
مقدس است

زبور یکصدم مزبور اقرار
۲ ای تمامی (ساکنان) زمین بخداوند بخروشید * خداوند را
بشادمانی عبادت نمائید و حمد کنان در حضورش داخل
۳ شوید * خداوند را بدانید که خداست نه ما خود را (آفریدیم
بلکه) او ما را آفرید قوم او و گوسفندان علفزارش
۴ میباشیم * در درویش باقرار و در بارگاههایش حمد
کنان داخل و او را تحجید نمائید و شاکر اسم او باشید
۵ * زیرا که خداوند نیکوست رحمت او تا بابد و وفاداری
او پشت به پشت باقی است

زبور صد و یکم مزمور داود

- ۱ رحمت و حکم (ترا) خواهم سرائید وای خداوند ترا خواهم
- ۲ سرائید* در راه کامل حکیمانۀ خواهم رفت کسی (معاوضت)
- من خواهی رسید و در ساده لوحی دل خود در اندرون
- ۳ خانه خود رفتار خواهم نمود* کار فاسد را بنظر نخواهم
- آورد و عمل کجروندگان را بغض خواهم کرد و بمن
- ۴ ملحق نخواهد گشت* و (مرد) دل مرده از من
- ۵ دور خواهد شد و شریر را نخواهم پسندید* آنکسی که به
- پنهانی رفیق خود را دشنام میدهد او را منقطع خواهم
- کرد و شخص بلند چشم و بین دل را متحمل نخواهم
- ۶ گردید* چشمهای من بر مؤمنین زمین است تا
- ۷ یا من ساکن شوند و آنکسی که براه کامل میگردد
- بمن خدمت خواهد کرد* فریب کننده در اندرون
- خانه من ساکن نخواهد گشت و دروغ گوینده پیش
- ۸ چشمهای من ثابت نخواهد شد* در صبحدم نمانی

اشرار زمین را منقطع خواهیم کرد تا همگی فساد
کنندگان از شهر خداوند دور گردیده شوند

زبور صد و دوم

دعای مغلوب هنگامی که اندوهناک شد و اندیشه*
خود را در حضور خداوند گذراند

- ۱ ای خداوند دعای مرا استماع بفرما که استغاثه من
- ۲ بتو برسد * روی خود را در روز تنگدستی من از من
- مستور مکن گوش خود را بمن فرا دار دور روزی
- که (ترا) دعوت کنم بی درنگ مرا استجابت کن
- ۳ * زیرا که روزهای من مانند دود باقیام میرسند و استخوانهای
- ۴ من مثل پیله سوخته است * دل من در دیده شد
- و مانند گیاه خشک گردید زیرا که خوردن نان خود را
- ۵ فراموش کردم * از آواز نالش من استخوانهای
- ۶ من بپوست من چسبید * شبیه بجای خوار گشتم
- ۷ و مانند بوم در خرابها گردیدم * بیدار شدم دیالای بام
- ۸ مانند کنجشک تنها گشتم * دشمنان من مرا در تمامی

روز فحش میگویند و آنکسانی که بر من فخر مینمایند
 ۹ در خمد من هم قسم شدند * زیرا که خاکتر را مثل نان
 ۱۰ خوردم و اشربه خود را با اشک آمیختم * بسبب خشم
 و غضب تو زیرا که مرا بر داشتی و مرا فرد انداختی
 ۱۱ * روزهای من مانند سایه مطول میگردند و خورم مثل
 ۱۲ گیاه خشک گردیدم * اما تو ای خداوند نا باده باقی
 ۱۳ میباشی و ذکر تو پشت به پشت است * تو خواهی
 بر خواست و صیہون را ترحم خواهی نمود زیرا که موسم
 ۱۴ تلطف باو بلکه زمان معینش رسیده است * بدرستی
 که عامدان تو از سنگهایش راضی و از خاکش خوشنود
 ۱۵ میباشند * و طوایف از اسم تو و همگی پادشاهان زمین
 ۱۶ از جلال تو خائف خواهند شد * هنگامی که خداوند
 صیہون را معمور سازد در جلال خود ظاهر خواهد شد
 ۱۷ * مدعای بیچاره متوجه میباشند و تضرع ایشان را حقیر
 ۱۸ نمینمایند * اینها از جهت قرن آینده مکتوب خواهد
 گشت و قومی که آفریده خواهد شد خداوند را حمد خواهند

- ۱۹ نمود * بدرستی که خداوند از علو مقدس خود نگر است
- ۲۰ بل از آسمان بر زمین نظر فرمود * تا نالش اسپران را بشنود و فرزندانی را که مستلزم مرگند مستخلص نماید
- ۲۱ * تا آنکه اسم خداوند در صهیون و حرمش در اورشلیم آشکار شود * در هنگامی که قومها و (ساکنان) ممالک
- ۲۲ از برای عبادت خداوند مجتمع میگرددند * قوت
- ۲۳ مرا در راه کم گردانید و ایام مرا مختصر ساخت * گفتم که ای اله من در نصف روزهای من مرا بر مدار (آ)ا
- ۲۴ سالهای تو پشت به پشت است * در ایام قدیم زمین را بنا نمودی و آسمانها عمل دستهای تو میباشد
- ۲۵ * ایشان ضایع خواهند گشت لکن تو قیوم میباشد و تمامی ایشان مثل پوشاک مندرس خواهند گردید و ایشان را مانند لباس تبدیل خواهی داد و تغییر
- ۲۶ خواهند یافت * اما تو همان میباشد و سالهای تو با تمام
- ۲۷ نمیرسند * اولاد بنده، تو باقی خواهی بود و ذریت ایشان در حضور تو ثابت خواهند گشت

زبور صد و سیّم از آن داود

- ۱ ای جان من دای تمامی قلب من خداوند را داسم
- ۲ مقدّس او را تسبیح بنمائید * ای جان من بخداوند
- ۳ شکر بنما و تمامی نعمتهای او را فراموش نکن * کسی
- ۴ همه معصیت ترا عفو مینماید و تمامی امراض ترا شفا
- ۵ میدهد * کسی حیات ترا از هلاکت میراند و بمهربانی
- ۶ و رحمتها ترا مکرر میگرداند * کسی دهن ترا به نیکوئی
- ۷ مملو میکند بطوری که جوانی تو مانند (جوانی) عقاب
- ۸ نازد * میگردد * خداوند عدالتها و حکمها را از برای تمامی
- ۹ مظلومان بعمل می آورد * راهبانش را بموسی
- ۱۰ و لعلالهایش را به بنی اسرائیل معروف گردانید
- ۱۱ * خداوند رحیم و کریم و دیر غضب و بسیار شفیق است
- ۱۲ * همیشه منازعت نمی نماید و خشم را تا باید نگاه ندارد
- ۱۳ * ما را موافق گنامان ما عمل ننمود و مطابق معصیتهای
- ۱۴ ما بما عوض نداد * زیرا که رحمت او برای خائفانش

- ۱۲ مانند بلندی آسمانها که بر فوق زمین است * تجاوزهای
 ما را مانند مبادعت مشرق تا مغرب از ما دور نموده
 ۱۳ است * رحمت خداوند برای خائفانش شبیه است
 ۱۴ بحر رحمت پدر بر فرزندان * زیرا که او بر خلقت
 ما عالم است و بخاطر میگذراند که ما خاک میباشیم
 ۱۵ * آیام انسان گیاه است و همچنانی که گِل در چمن
 ۱۶ می شکوفد * ز آنرو که باد از دور مینماید و او ناپدید
 ۱۷ است و جایش دیگر او را نخواهد دید * و رحمت
 خداوند برای خائفانش و صداقت او از جهت اولاد
 ۱۸ با اولاد ایشان از ازل تا باید است * برای آنکهسانی
 که عهد او را نگاه دارند و فرمانهایش را بخاطر می آورند
 ۱۹ تا آنکه ایشان را عمل نمایند * خداوند عرش خود را
 در آسمانها ثابت کرده است و پادشاهی او بر همه
 ۲۰ (اشیا) تسلط میراند * ای ملائکههایی او که صاحبان
 قوت بوده امر او را بعمل می آرید و آواز کلام او را
 ۲۱ می شنوید خداوند را شکر بنمائید * ای تمامی لشکریانش

و خاوانش که ارادت اورا بجای آوردید خداوند را
 ۲۲ شکر بنمائید * ای تمامی مخلوقات او در تمامی مقامهای
 پادشاهیست خداوند را شکر بنمائید و ای جان من خداوند را
 شکر بنما

زبور صد و چهارم

۱ ای جان من خداوند را شکر بنما ای خداوند واله من
 ۲ بسیار عظیم میباشی عزت و بزرگی را پوشیدمی * نور را
 مانند لباس پوشیدمی و آسمانها را مثل یرویه مطول
 ۳ ساختی * کسی حجهای خود را در آنها آماده میکند و ابرار را
 ۴ عرابه خود میگرداند و بر اجنه باد رفتار مینماید * کسی
 فرشتگان خود را روحانی و ملازمان خود را شعلیه آتش
 ۵ میگرداند * زمین را با اساسش بنا کرد که تا بابد هر
 ۶ گز متحرک نمی شود * (دریای) عمیق را مانند لباس
 بر او پوشانید (ای خدا) ابرار از بالای کوهها گذرانیدمی
 ۷ * و (زبان) مانعت تو گردانند و از آواز رعد تو بترسند
 ۸ شتافتند * بکوهها بر آمدند و از درهها بجائی که از

- ۹ جهت ایشان بنا کرده‌ی فرد رفتند * حدی بر (ایشان)
 نهادی که تجاوز نکنند و بفرو گرفتن زمین برنگردند
 ۱۰ * و (خداوند) چشمه‌ها را بر سیلپاتی که از کمر کوه جاریند
 ۱۱ روان میگرداند * تمامی حیوانات صحرا می نوشند
 ۱۲ و کور را دفع تشنگی خود میکنند * طیور هوا در اطراف
 ۱۳ ایشان می نشینند و در میان برگها می سرائند * از
 ۱۴ ابرای خود کوهها را شاداب میگرداند (خداوند) زمین
 ۱۵ از حاصل صنع تو مملو است * کسی گیاه را از برای
 دواب و سیزه را از جهت استعمال انسان میرواند
 ۱۶ تا آنکه نان از زمین بروید * و شراب که دل انسان را
 بشادابی میگرداند و روشن که رویش را درخشان
 میسازد و نان که دل انسان را پشتیبان است
 ۱۷ (عطا میفرماید) * درختهای خداوند سرو آزادی لبنان
 ۱۸ که ایشان را غرس کرد از عرق مملواند * و در آنها
 مرغان آشیانه می سازند و خانه لقلق در صندوبراست
 ۱۹ * جبال بلند از جهت بزمای کوهی و سنگها برای

- ۱۹ خرکوشها مامن میباشند * ماچرا برای فصلها مقرر
۲۰ میفرماید و آفتاب بغروب خود داناست * (ای خدا)
تاریکی را میفرستی و شب در می آید آنگاه تمامی
۲۱ حیوانات جنگل بیرون میروند * شیر بجگان غرش
۲۲ مینمایند و روزی خودشان را از خدا می طلبند * چون
آفتاب بر می آید مجتمع میگردند و در کمینهای
۲۳ خودشان میخوابند * و انسان تا بشام بکار خود و بخدمت
۲۴ خود بیرون میرود * ای خداوند چه عظیم است
خلقتهای تو و تمامی ایشان را در حکمت صنع نمودی
۲۵ و زمین از نعمت تو مملو است * این دریای
بزرگ که ساحلهایش مطول است در او جنبندگان
۲۶ بیشمار و حیوانات کوچک و بزرگ میباشند * آنجا
کشتیها میروند و این نهنگی که او را آفریدی در
۲۷ آن بازی میکنند * تمامی ایشان از تو انتظار می گشند
۲۸ که روزی بایشان در زمانش عطا فرمائی * بایشان
احسان می نمائی و اخذ می کنی و دست خود را می

۲۹ کشتائی واز نیکوئی^۱ مملو می شوند * در وی خود را
مستور میکنند مضطرب میگردند و روح ایشان را
میگیرند میمیرند و بخاک خودشان بازگشت می
۳۰ نمایند * در روح خود را میفرستی مخلوق می شوند و در وی
۳۱ زمین را تازه میگردانی * جلال خداوند تا باید باقیست
۳۲ خداوند از صنایع خود خوشنود است * بر زمین
مینگرد و متزلزل میگردد و کوهها را لهس مینماید و رود
۳۳ بر میدهند * خداوند را تا بقای حیات خود خواهم سرائید
و خدای خود را تا بودن وجود خود حمد خواهم کرد
۳۴ * تفکر من در باره اش شیرین خواهد بود و خورم
۳۵ از خداوند خوشنود خواهم گشت * گناه کاران در
زمین با تمام خواهند رسید و شراب و دیگر پیدا نخواهند
شد ای جان من خداوند را شکر بنما و خداوند را
بسرائید

زبور صد و پنجم

- ۱ خداوند را شکر بنمائید و اسمش را بخوانید و اعمالش را
- ۲ در میان خلایق معروف بگردانید * اورا بسراشید
و اورا تمجید کنید در بارهٔ عجایباتش موعظهٔ نمائید
- ۳ * اسم مقدس اورا حمد نمائید که دلهای متجسسان
- ۴ خداوند وجد نمایند * خداوند را وقوتش را جستجو نمائید
- ۵ و همیشه متفحص دیدارش باشید * عجایبات اورا
که کرده است و معجزات اورا و احکام دهن اورا
- ۶ بخاطر آرید * ای زرت بندهٔ ابراهیم دای
- ۷ فرزندان برگزیدهٔ اش یعقوب * او خداوند و خدای
- ۸ ماست و احکامش در کل زمین جاریست * وعده
خود را پیوسته یاد نمود و کلامی که خود از برای هزار
- ۹ پشت مقرر فرمود * از آن (عهدیکه) بابراهیم معین
- ۱۰ کرد و از سگندمی که باسحق (خورد) * که آنرا بیعقوب
برای شریعت و با اسرائیل عهد مؤبد قیوم ساخت

- ۱۱ * و فرمود که زمین کنعان را (چون) ریسمان رسد شما
 ۱۲ میراث (بذریقت) تو عطا خواهیم فرمود * در هنگامی
 که ایشان مردمانی در عدد اندک و مثل جزوی
 ۱۳ و غریب در آنجا بودند * و از طائفه بطائفه و از مملکت
 ۱۴ تا (مملکت) قوم دیگر مسافر گشتند * کسی را قوت
 تسلط تا آنکه ایشان را تعمی نماید و بسبب ایشان
 ۱۵ پادشاهان را مانعت نمود * که اندوگان مرا لمس
 ۱۶ نکنید و ضرر به پیغمبران من مرسانید * و قحطی را بر
 ۱۷ زمین فرستاد و تمامی برکت نان را شکست * کسی
 که برای بندگی فروخته شده بود (یعنی) یوسف را
 ۱۸ در پیش ایشان فرستاد * پادشاه را بنقصان رسانیدند
 ۱۹ و جاننش (بزنحیر) آهن داخل شد * تا بوقتی که سخنش
 ۲۰ بکار آمد و کلام خداوند او را خالص کرد * پادشاه (مصر)
 فرستاد و او را آزاد نمود و خدایو خلایق او را مستخلص
 ۲۱ کرد * و او را والی خانه خود و حاکم تمامی ملک خود
 ۲۲ گردانید * تا آنکه امیرانش را با اختیار خود به بند

- ۲۳ و پیرانش را حکمت تعلیم نماید * و اسرائیل در مصر داخل شد و یعقوب در زمین حام بیگانه گردید
- ۲۴ * و (خداوند) قوم خود را کثیر التماس ساخت و ایشان را از اعدای ایشان پر زورتر گردانید * پس دل (مصریان را) برای بغض نمودن قوم خود و برای حیلہ بستن در ضد خادمان خود منقلب گردانید * خادم
- ۲۵ خود موسی و هرون را که برگزیده بود فرستاد * و کلمات و آیت‌هایش را در میان ایشان و معجزات او را در زمین حام بعمل آورند * تاریکی را فرستاد و ظلمت شد و (آسمانها) با مرایش اختلاف نمودند * آب‌های ایشان را بخون منقلب گردانید و ماهی‌های ایشان را بقتل رسانید * و زمین (اینان) و افرازه وزغهارا بیرون نمود تا در حجرهای پادشاهان (داخل شدند) * و مکسها و کنه‌های گوناگون را فرمود که بتامی حدود ایشان در آمدند * عوض امطار بزمین ایشان تگرگ و شعلهای آتش را فرستاد * تا که ایشان را و درختهای انجیر

- ایشان را زد و درختهای حدود ایشان را شکست
 ۲۷ * و مصلحها و کرمهای صده پای ایشان را فرمود که پدید
 ۲۸ آمدند * و تمامی گیاه را در زمین ایشان خوردند و حاصل
 ۲۹ زمین ایشان را تناول نمودند * و همه مولود نخستین
 و لایت ایشان را و اول تمامی اولاد ایشان را هلاک کرد
 ۳۰ * و (بنی اسرائیل را) با نقره و زر بیرون آورد و در
 ۳۱ میان فرقههای ایشان لغزنده نمود * و مهربان از
 بیرون رفتن ایشان شادمان گردیدند زیرا که ترس
 ۳۲ ایشان بر ایشان مستولی شده بود * ابرای برای
 سایه و آتش را برای منور کردن شب گسترانید
 ۳۳ * و سواحل نمودند و سلوپیهارا فرستاد و ایشان را بنان
 ۳۴ آسمانی سیر گردانید * سنگ را مفتوح نمود و آبها
 جاری گشتند و در خشکیها مثل رودخانه روان گردیدند
 ۳۵ * زیرا که کلام مقدس خود را و بنده خود ابراهیم را
 ۳۶ بخاطر آورد * و قوم خود را بسرور و برگزیدگان خود را
 ۳۷ بخوشحالی بیرون آورد * و زمینهای طوایف را

۵۵ بایشان عطا فرمود و کتبه قبایل را باریت داشتند * تا
آنکه حقوقش را نگاه دارند و شریعتهایش را محافظت
نمایند خداوند را بسراپید

زبور صد و ششم

۱ خداوند را حمد کنید و پروردگار را شکر نمائید سبب آنکه
۲ نیکوست و بدرستی که رحمتش تا باید است * کیست
۳ که کبریا ئی ای خداوند را بیان تواند کرد و تمامی وصفش را
۴ تواند شنواید * خوشحال آنانی که احکام را نگاه دارند
۵ و عدالت را در هر وقت بعمل می آورند * خداوند با آن
۶ لطیفی که بقوم خود (مینهائی) مرا بمخاطر آر و بمرحمت
۷ خود بر من نظر بفرما * تا نیکوئی برگزیدگان ترا به
۸ بینم و بشاوانی خلق تو دجدم نایم و همراه (متصرفان)
۹ میراث تو متفاضر باشم * مانند پدران ما گناه کردیم
۱۰ و فاسد بودیم و شریرانه عمل نمودیم * پدران ما عجایبات
۱۱ ترا در عصر نفی میزدند و کثرت رحمتهای ترا بمخاطر
۱۲ میاوردند تا بکنار دریای بحر الاحمر خاص گشتند * و (خدا)

- بسبب اسم خود معروف گردانیدن کبریائی خود
 ۹ ایشان را نجات داد * و بحر الاحمر را حکم فرموده خشک
 گردانید و ایشان را در عمایق مایند در بیابان روان
 ۱۰ نمود * و ایشان را از دست عدو رها نمود و ایشان را از
 ۱۱ دست دشمن نجات بخشید * و آبها اعدای ایشان را
 ۱۲ فرو گرفت که اعدای از ایشان باقی نماند * و بر کلام
 ۱۳ او ایمان آوردند و حمد او را سر آیدند * (آ) بزرودی
 اعمال او را فراموش کردند و منتظر موعظه او نبودند
 ۱۴ * و در تیره بخواهش نفس استعدای شهوات نمودند
 ۱۵ و خدا را در بیابان امتحان کردند * و خواهش ایشان را
 بپایشان داد اما تحیفی را بجان ایشان ارسال فرمود
 ۱۶ * و در لشکرگاه بر موسی و بر هرون مقدس خداوند کیفر
 ۱۷ در زمین * زمین شکافته گردید و دathan را فرو گرفت
 ۱۸ و گروه ابیرام را مستور کرد * و آتش در فرقه ایشان
 ۱۹ افروخته شد و شعله اش را را سوزانید * در (کوه)
 حوریب گوساله را درست کردند و صورت گداز شده را

- ۲۰ سَجُودِ نَحُودُنْد * و جلالِ خودشان را بمِثالِ گاوی که
- ۲۱ گیاه را میچرد منقلب کردند * و خدای منجی که برای
- ۲۲ ایشان در مصر کبریا ئیها * و در زمینِ حامِ عجایبات
- و در بحرِ الاحمرِ مخوفها را بعمل آورده بود فراموش
- ۲۳ کردند * و (خداوند) برای قطعِ نسلِ کردنِ ایشان تَکَلَّم
- فرمود اما موسی در حینِ هجومِ بلا در حضورش
- ۲۴ ایستاد تا آنکه غضبِ او را از هلاکِ کردنِ ایشان بُر
- ۲۵ گرداند * و از زمینِ دلپذیر ابا نَحُودُنْد و بر کلامش
- ایمان نیاوردند * و همه در خیمه های خودشان نَحُودُنْد
- ۲۶ و آوازِ خداوند را استماعِ ننهودند * و (خدا) دستِ خود را
- در خدِ ایشان بر داشت تا آنکه ایشان را در تیه
- ۲۷ ساقط گرداند * و زرتِ ایشان را در میانِ طوایف
- ۲۸ منهدم نماید و ایشان را در زمینها پراکنده کند * و ایشان
- بِعَجَلِ پُغُورِ ملحق گردیدند و قربانهایِ مردگان را
- ۲۹ خوردند * و او را یکوششهایِ خودشان غضبناک
- گردانیدند و طاعون در میانِ ایشان هجوم آورد

- ۳۰ * و فینجاس بر خواست و عدالت را بعمل آورد و وبا
- ۳۱ موقوف گردید * و این (عمل) براستی از جهت او
- ۳۲ پشت به پشت محو بست تا باید * و در اطراف آبهای
- مریبه او را غضبناک گردانیدند بطور می که از جهت
- ۳۳ ایشان نقصان موسی واقع گردید * زیرا که نفس
- او را خشمناک گردانیدند که بلبهای خود نا حکمتانه
- ۳۴ سخن گفت * و خلا بقی را که در (حق) منقطع نمودند
- آنها خداوند بایشان حکم فرموده بود قطع نسل نکردند
- ۳۵ * و با طوایف مخلوط شدند و عاداتهای ایشان را
- ۳۶ آموختند * و بتهای ایشان را عبادت نمودند و آنها
- ۳۷ از جهت ایشان دام گردیدند * و فرزندان خودشان
- و دختران خودشان را برای شیاطین فحش کردند
- ۳۸ * و خون بی تقصیری را بلکه خون فرزندان خودشان
- و دختران خودشان را که ایشان را پیش بتهای کنعان
- فحش کرده بودند ریختند و زمین بخون ملوث شد

- ۳۹ * و باعمال خودشان پلید گردیدند و بکوششهای خودشان
 ۴۰ مانند زناکاران پرداختند * و غضب خداوند در ضد قوم
 خود افروخته شد و از میراث خود متنفر گردید
 ۴۱ * و ایشان را بدست طوایف تسلیم کرد و مبغضان
 ۴۲ ایشان بر ایشان تسلط یافتند * و ایشان را دشمنان
 ایشان مظلوم گردانیدند و در زیر دست ایشان عاجز
 ۴۳ گردیدند * و ایشان را بسیار اوقات مستخلص کرد
 و ایشان بخواهش خودشان او را غضبناک گردانیدند
 ۴۴ و بسبب معصیتهای خودشان پایمال گردیدند * و هنگامی
 که فریاد ایشان را شنید و بر بلامی ایشان نظر فرمود
 ۴۵ * و عهد خود را برای ایشان بخاطر آورد و موافق کثرت
 ۴۶ رحمتهای خود مرحمت نمود * و از جهت ایشان
 رحمت را در دل تمامی اسیر کنندگان ایشان عطا
 ۴۷ فرمود * ای خداوند و خدای ما بجا نجات بده و از میان
 طوایف ما را مجتمع بگردان تا اسم ترا شکر نمائیم و در

۲۸. وصف تو متفاخر باشیم * خداوند و خدای اسرائیل از
ازل تا بابد خجسته باد و همگی خلایق بگویند آمین
و خداوند را بسراشید

زبور صد و هفتم

۱. خداوند را شکر بنمائید سبب اینکه نیکوست و بدرستی
۲. که رحمتش تا ابد است * و همین را بیان کنند
۳. مستخلصان خداوندی که ایشان را از دست عدو آزاد
۴. کرده است * و ایشان را از ولایتهما (یعنی) از مشرق
۵. و از مغرب و از جنوب و از شمال مجتمع گردانید
۶. * و در تپه و در طرف بادی آورده شدند و شهر مسکونت را
۷. نیافتید * از گرسنگی و تشنگی جان ایشان در
۸. اندرون ایشان ضعیف شد * و در تنگدستی خودشان
۹. بخداوند فریاد نمودند آنکه آنها را از مشکلاتی ایشان
۱۰. خلاص نمود * و ایشان را براه راست روان نمود تا
۱۱. بشهر مسکونت بروند * (پس) خداوند را بسبب
۱۲. رحمتش و عجایبش که برای فرزندان انسان (مقرر

- ۹ گم کرده است) شکر بنمایند * زیرا که نفس مشتاق را
سیر میگرداند و جان گرسنه را از نیکوئی مملو می سازد
۱۰ * نشینندگان ظلمت و سایه مرگ اسیران بلا و آهشند
۱۱ * بسبب آنکه فرمانهای خدا را تغییر دادند و موعظه
۱۲ تعالی را حقیر نمودند * پس دل ایشان را بحسرت
زلیل نمود که لغزش نمودند و یاری کننده نبود
۱۳ * و در تنگدستیهای خودشان بخداوند فریاد می نمایند
آنکه آنها را از مشکلاتی ایشان نجات میدهد
۱۴ * و ایشان از تاریکی و سایه مرگ بیرون می آورد
۱۵ و قیدیهای ایشان را پاره پاره مینماید * (پس) خداوند را
بسبب رحمتش و عجایباتش که برای فرزندان
۱۶ انسان (مقرر کرده است) شکر بنمایند * زیرا که
دروپهای برنجی شکست و قفلهای آهنی را برید
۱۷ * ابلهها را بسبب تجاوز خودشان و بعزت معصیتهای
۱۸ خودشان زحمت می گشند * جان ایشان از هرگونه
۱۹ اطعمه متنفر است و بدروب مرگ میرسند * اما

- در تنگدستیهای خودشان بخداوند فریاد مینمایند
 آنگاه ایشان را از مشکلاتهای ایشان نجات میدهد
 ۲۰ * کلام خود را میفرستد و ایشان را شفای بخشید و ایشان را
 ۲۱ از هلاکتیهای شان میراند * (پس) خداوند را بسبب
 رحمتش و عجاایاتش که برای فرزندان انسان (مقرر
 ۲۲ فرموده است) شکر نمایند * و قریانهای همه را زبج
 ۲۳ کنند و اعمال او را بشادمانی مشهور سازند * آنکسانی
 که بکشتیها نشسته به دریا میروند و کار را در آبهای بسیار
 ۲۴ بعمل می آورند * ایشان اعمال خداوند را و عجاایاتش را
 ۲۵ در عایق می بینند * زیرا که میفرماید آنگاه باد شدید
 ۲۶ میوزد و امواجش را بلند مینماید * بسوی آسمان بر
 می آیند و بعمیقها فرو میروند جان ایشان بسبب بلا
 ۲۷ گداخته شده است * ماخذ مست افتان و خیزان
 میگردند و متزلزل میباشند و تمامی دانش ایشان کم
 ۲۸ میگردد * و در تنگدستی خودشان بخداوند فریاد
 مینمایند و ایشان را از مشکلاتهای ایشان بیرون می

- ۲۹ آورد * باد شدید را بارانی منقلب می نماید و امواجش
- ۳۰ خوا موش میگردند * و آنگاه ساکت و شادمانی مینمایند
- ۳۱ و ایشان را بساحل مراد میرساند * (پس) خداوند را
- بسبب رحمتش و عجاایاتش که بفرزندان انسان
- ۳۲ (عطا فرمود) شکر بنمایند * و او را در جماعت حام و صف
- ۳۳ بلند نمایند و در مجمع روسا او را حمد کنند * و در خانه‌ها را
- بجای و چشمه‌های آب را بخشکی منقلب میسازد
- ۳۴ * زمین بارور را بسبب شرارت ساکنانش بشور
- ۳۵ زار * و صحرارا بتالاب و زمین خشک را بمجمعه‌های آب
- ۳۶ مبدل مینماید * آنگاه در آنجا گرسنگان ساکن میگردانند
- ۳۷ و برای مسکونت شهر را آماده می سازند * و کشت
- زارها را زراعت میکنند و تاکها را غرس مینمایند تا شمر
- ۳۸ و حاصل را بدهند * و ایشان را برکت عطا میفرماید که
- بسیار بیفزایند و نقصان در دواب ایشان نمیدهد
- ۳۹ * دیگر بار کم میشوند و از ستم و بلا و غم کاهیده میباشند
- ۴۰ * (خدا) زلت را بر امیران میفرستد و در میانان بیراه

۴۱ گرویش مینمایند * و بیچاره را از بلا بر میدارد و قبايل را
 ۴۲. برایش مانند گله میگرداند * راستان خواهند دید
 و شادمان خواهند گردید و تمامی اشرار دهن خود را خواهند
 ۴۳. بست * کدام صاحب حکمت که اینها را نگاه دارد
 و رحمت خداوند را ادراک خواهند نمود

زبور صد و هشتادم سرود و مزمو ر داود

- ۱ ای خدا دل من آماده است تا بفصیلت خود بسرایم
- ۲ و تمجید نام * بر خیز ای نبل و بربط که در صبح خواهم
- ۳ بر خواست * ای خداوند در میان خلقان شاگرد تو
۴. خواهم بود و در میان قومها ترا تمجید خواهم کرد * زیرا
 که رحمت تو مافوق آسمانها و حقیقت تو هم تا بسپیهر
- ۵ بزرگست * ای خدا بر فوق آسمانها و بر تمامی زمین
- ۶ جلال خود را هر فوج بنما * یحیی خود را منجی (من) بگردان
- ۷ و مرا استجابت کن تا برگزیدگان تو مستخلص شوند
- ۸ * خدا بقدرش نکلم فرمود که خوشنود خواهم بود و من

(ولایت) شکم را تقسیم خواهم نمود و دره سکوت را
 ۸ خواهم پیمود * گِلْعَد از من است و منته از من
 و افرائیم قوت سر من و یهودیه شارع من است
 ۹ * و مؤاب و یگ شستن من است و بر اردم نعل
 خود را خواهم انداخت و بر فلسط ظفر خواهم یافت
 ۱۰ * کیست که مرا بشهر محکم راهبری خواهد نمود
 ۱۱ و کیست که مرا بر اردم خواهد آورد * مگر تو خدایا
 که مارا دور گردانیده (راهبری نخواهی نمود) و ای خدا با
 ۱۲ لشکر ما موافقت نخواهی فرمود * از تنگدستی ما نصرت
 ۱۳ عطا کن که یاری انسان باطل است * و با مدد خدا
 دلیری خواهیم کرد که او دشمنان مارا پایمال خواهد
 گردانید

زبور صد و نهم سالار مغنیان مزمور داود
 ۲ ای خدای محمود من خواموش مباش * زیرا که
 دهن شیر و دهن فریبنده در خد من کشوده میشود
 ۳ و بزبان کاذب در خد من گفتگو میکنند * و بکلمات

۴ مینفخانه مرا احاطه فی نمایند و بی سبب در ضد من
 ۵ جهاد می کنند * و بعوض محبت من مرا تعدی می
 ۶ نمایند لکن من (برای شان) در دعوت * بدل خوبی
 ۷ بدمی را و مکافات محبت من بغض را بعمل می آورند
 ۸ * و شریر را بروی مستلط بگردان و شیطان بر زمین
 ۹ او بایستند * هنگام حکم یافتن بالزام شرارت بیرون
 ۱۰ رود و استندایش گناه (شمرده) شود * روزایش کم
 ۱۱ بشوند و دیگری نظارتش را بگیرد * و فرزندانش یتیم
 ۱۲ و زنش بیوه گردند * و اولادش آواره شده بگردند و بعد
 از زمان خرابیهای ایشان سایل شوند و در یوزه
 ۱۳ نمایند * و زبردست تمامی اموال او را بزور بگیرد
 ۱۴ و بیگانگان محصورش را بغارت ببرند * و با رحمت
 کننده؛ نباشد و به یتیمان لطف کننده؛ پیدا نشود
 ۱۵ * تا آنکه اولادش قطع نسل گردند و اسم ایشان
 ۱۶ پشت به پشت محو گشته * معصیت پدرانش
 پیش خداوند مذکور باشد و گناه پدرش محو نگردد

- ۱۵ * و همیشه در حضور خداوند بگذرند و ذکر ایشان از
 ۱۶ زمین منقطع گردد * بدان طریق که استعمال رحمت را
 بخاطر بیاورد و بسبب آنکه هر مفلوک و بیچاره را
 ۱۷ نعمتی نبود تا دل شکسته را بقتل برساند * جهت
 آنکه لعنت را دوست داشت باو برسد و از برای
 ۱۸ آنکه رغبت برکت نهد و از دور شود * از آنرو که
 - لعنت را مانند لباس پوشید پس مثل آب در
 اندرونش و مانند روغن در استخوانهایش داخل
 ۱۹ گردد * و برایش جامه باشد که میپوشید و کمر بندی که
 ۲۰ همیشه بآن کمر را می بست * اینست هنر از جانب
 خداوند باعدای من و بانگسانی که بدی را در من جان
 ۲۱ من گفتگو مینمایند * اما تو ای خداوند و پروردگار
 بسبب اسم خود بکار من پیرداز ز آنرو که رحمت تو
 ۲۲ نیکوست مرا مستخلص کن * زیرا که خودم مفلوک
 و بیچاره میباشم و دل من در اندر دهن من محجرج
 ۲۳ است * مانند سایه که در زمان (شام) طولانی میگردد

۲۴ محو گردیدم و مثل ملخ رانده شدم * زانوهای من
 بسبب روزه ضعیف اند و گوشت من از پیه
 ۲۵ بلاغری مبدل گشت * و من سرکوب از جهته
 ایشان گردیدم (و چون) مرا می بینند سرخودشان را
 ۲۶ می جنبانند * ای خداوند و خدای من مرا معاوضت
 ۲۷ بنما و موافق رحمت خود بمن نجات بده * تا بدانند
 که این (عمل) درست تو است ای خداوند تو این را
 ۲۸ بعمل آورده * ایشان در لعنت مشغولند و تو برکت
 عطا میفرمائی و مقاومت تو انهد کرد اما شرمندگی خواهند
 ۲۹ برد و چنده تو وجد خواهد نمود * اعدای من رسوائی را
 خواهند پوشید و بندگان خودشان مثل لباس ملبوس
 ۳۰ خواهند گردید * خداوند را بزمین خود بسیار شکر خواهم
 ۳۱ نمود و در میان گروهها او را حمد خواهم کرد * زیرا که
 بر دست راست بیچاره خواهد ایستاد تا آنکه جانفش را
 از حکم کشنده گانش نجات بدهد

زبور صد و نهم مزبور داود

۱ خداوند خداوند مرا گفت که بر دست راست من
 ۲ بنشین تا دشمنان ترا فرش پایهای تو گردانم * خداوند
 عصای قوت ترا از صیهون خواهد فرستاد تا در میان
 ۳ دشمنان خود تسلط برانی * قوم تو در روز قوت تو
 - در جلالهای قدس بر غیبت خود حاضر خواهند شد
 و اولاد تو برای تو از شبیستم رخم فجبر زیاده تر خواهند
 ۴ گشت * خداوند سوگند خور و تخلف نخواهد کرد که
 ۵ تو تا باید کاهن از صف ملکیت صدق هستی * خداوند می
 که بر دست راست (تست) در روز خشم خود
 ۶ پادشاهان را مجروح خواهد کرد * در میان طوایف
 حکم خواهد راند و زمینها را بمنعشها مملو خواهد ساخت
 ۷ و سرداران ولایات بسیار را زخم مار خواهد نمود * و در راه
 از آب جاری خواهد نوشید و از آن سبب سرش را
 بلند خواهد نمود

زبور صد و یازدهم

- ۱ خداوند را حمد نمائید که من در مجلس صادقان
(میان) جماعت با تمامی قلب خداوند را شکر خواهم
- ۲ نمود * اعمال خداوند عظیم اند و تمامی آنکسانی که راغب
۳ آنها اند متفحص (آنها) میباشند * کار او عزیز و زود
- ۴ الجلال است و صداقت او تا باید باقیست * و خداوند
کرم و رحیمست که عجایبش خود را مذکور گردانیده
- ۵ است * بخائفان خود اطعمه عطا فرموده است
- ۶ وعهد خود را تا باید یاد خواهد آورد * قوت اعمال خود را
بقوم خود نشان داد تا آنکه ارنیت طوایف را
- ۷ بایشان - ارزانی نماید * کارهای دستش حقیقت
۸ و عدالت و تمامی فرمانهایش صادق است * (بلکه) تا آب
الاباد پایدار اند و در حقیقت و راستی عمل کرده
- ۹ میشوند * نجات را بقوم خود فرستاده و عهد خود را تا
باید مقرر فرموده است اسم او مقدس و مهیب
- ۱۰ است * اصل وانش ترس خداوند است و عقل

تمامی عمل کنندگان (احکام او) صحیح است و حمدش
تا بابد باقی است

زبور صد و دوازدهم

- ۱ خداوند را حمد نمائید خوشا حال آنکسی که از خداوند
- ۲ می ترسد و با کمالش بسیار رغبت می نماید * در زمین
- ذریقتش نیرومند خواهند بود و نسل راستان خجسته
- ۳ - خواهند شد * در خانه اش مال و دولت خواهد بود
- ۴ و صداقتش همیشه باقی خواهد ماند * نور از جهت
- صادقان در ظلمت طلوع مینماید و (خداوند) کریم و رحیم
- ۵ و صدیق است * مرد صالح رحم نموده قرض میدهد
- ۶ و امور خود را بحکمت آراسته میسازد * بدرستی که
- هرگز تا بابد لغزش نخواهد نمود و صدیق همیشه در ذکر
- ۷ خواهد بود * از استماع بلا نخواهد ترسید و دلش استوار
- ۸ است و بخداوند متوکل است * دل او پایدار است
- ۹ و هنگامی که اعدای خود را می نگرد نخواهد ترسید * بفقرا
- افسانه داده است و صداقت او بیوسه باقی خواهد

۱۰ مانند و شاخش بعظمت مرفوع خواهد گشت * شریر
خواهد دید و خشمناک خواهد گردید و دندانهایش را
خواهد افشرد و گداخته خواهد گشت خواهش شراب
باطل خواهد شد

زبور صد و سیزدهم

- ۱ خداوند را بسراشید و ای خادمان خداوند حامد بگردید و اسم
 - ۲ پروردگار را حمد بنمائید * اسم خداوند از حال و تا باید
 - ۳ خجسته باد * اسم خداوند از مطلع آفتاب تا بمغربش
 - ۴ محمود است * خداوند بر تمامی طوائف و جلالش بر
 - ۵ آسمانها مافوق میباشد * کیست که مانند پروردگار
 - ۶ و خدای ماست که نسبت بسکونت علو * و در
 - ۷ نگرستن بر آسمانها و بر زمین اسفل مینماید * فقیر را
 - از خاک بر میخیزاند و بیچاره را از مزبله بلند می سازد
 - ۸ * و او را با امیران بل امرای قوم خود ساکن سازد
 - ۹ * عقیمه را بتولید فرزندان خانه دار و مسرور میگرداند
- خداوند را حمد بنمائید

زبور صد و چهاردهم

- ۱ هنگامی که (بنی) اسرائیل از مصر و نسل یعقوب
- ۲ از (دست) قوم ظالم بیرون رفتند * یهودیه مکان
- مقدس (خداوند و بنی) اسرائیل (محکوم) سلطنتش
- ۳ گردیدند * دریا دید و فرار کرد و اردن بازگشت
- ۴ نمود * کوهها مانند گوسفند نر و تلها مثل بره * جهیدند
- ۵ * ای دریا ترا چه شد که فرار کردی ای اردن (چرا)
- ۶ بازگشت نمودی * ای کوهها (چرا) مانند گوسفند
- ۷ نر و تلها (چرا) مثل بره * جهیدید * ای زمین در
- حضور خداوند (بلکه) در حضور خدای یعقوب متزلزل
- ۸ باش * اوست که سنگ را بگردابها و سنگ خارا را
- بجوشه‌های آب منقلب گردانید

زبور صد و پانزدهم

- ۱ ای خداوند ما و ما بلکه باسم خود و بسبب
- ۲ رحمت خود و بسبب حقیقت خود جلال را بنا * چرا

- طوایف بگویند که اکنون کجاست خدای ایشان
- ۳ * اما خدای ما در آسمانهاست هر آنچه خوانست بعمل
- ۴ آورده است * بتهای ایشان زر و نقره است
- ۵ و عمل دستهای انسان است * در آنها دهن است
- اما حرف نمی‌زنند و در آنها چشمهاست اما نمی‌بینند
- ۶ * آنها را گوشهاست اما نمی‌شنوند و آنها را بینی است
- ۷ اما نمی‌بویند * دستها دارند اما لمس نمی‌نمایند و پاها
- دارند اما برفتار نمی‌آیند و ایشان از حلقوم خود صدا
- ۸ بیرون نمی‌توانند داد * درست کنندگان ایشان دهر
- کسی که بایشان متوکل است مانند ایشان بگردند
- ۹ * ای (بنی) اسرائیل بخداوند متوکل باشید پناه
- ۱۰ ایشان و سپهر ایشان اوست * ای خاندان هرزن
- بخداوند متوکل باشید پناه ایشان و سپهر ایشان
- ۱۱ اوست * ای خائفان خداوند بخداوند متوکل باشید
- ۱۲ پناه ایشان و سپهر ایشان اوست * خداوند بخاطر
- آورده است و ما را برکت خواهد داد و خاندان اسرائیل را

- ۱۳ برکت خواهد داد و نسائیل هرؤن را برکت خواهد داد
 و خداوند مجاثقان خود برکت خواهد داد چه بزرگان
 ۱۴ و چه کوچکان را * خداوند شمارا بل شمارا و فرزندان
 ۱۵ شمارا خواهد افزود * شمار خداوندی که آسمانها و زمین را
 ۱۶ آفرید برکت یافته اید * آسمانها بل آسمانها از آن
 خداوند است اما زمین را بفرزندان انسان بخشیده
 ۱۷ است * نه مردگان و نه تمامی فرو روندگان قبر خداوند را
 ۱۸ حمد می نمایند * اما ما از حال و تا بایده خداوند را حمد
 خواهیم کرد خداوند را حمد بنمائید

زبور صد و شانزدهم

- ۱ خداوند مرا دوست میدارم زیرا که آواز تضرع مرا شنید
 ۲ * از آنجا که گوش خود را بمن فرا داشت اورا در
 ۳ تمامی ایام خود دعوت خواهم نمود * غمرات موت مرا
 احاطه نمودند و آزارهای قبر مرا گرفتند تصدیع و رحمت
 ۴ کشیدم * پس اسم خداوند را خواندم که ای خداوند

- ۵ لطف نموده، جان مرا مستخلص کن * خداوند کرم
- ۶ و صدیق است و خدای ما رحیم است * خداوند
- مخلصان را نگاه میدارد ز آنرو که فرد افتاده شده بودم
- ۷ و بمن نجات داد * ای جان من بآرام خود برگرد
- زیرا که خداوند از جهت تو احسان نموده است
- ۸ * و بدرستی که (ای خدا) جان مرا از مرگ و چشم
- ۹ مرا از اشک و پای مرا از لغزش مستخلص کردی *
- ۱۰ * در زمین زندگان در حضور خداوند رفتار خواهم نمود
- ۱۱ * بسبب ایمان آوردن خود تکلم نمودم بسیار مبتلا
- ۱۲ گشتم * و بنفس خود گفتم که تمامی انسان کاذب
- ۱۳ * میباشند * چه مکافات توانم نمود خداوند را از برای
- تمامی نعمتهای او که بجبهت من (بعمل آورده است)
- ۱۴ * کاسه نجات را خواهم بر داشت و اسم خداوند را خواهم
- ۱۵ خواند * اکنون فزودات خود را بخداوند در حضور تمامی
- ۱۶ قومش ادا خواهم کرد * مرگ مقدسانش در چشمهای
- خداوند گران بهاست * ای خداوند لطف بفرما زیرا که

من بنده، تو ام بلکه بنده، تو- و فرزند بنده، نساه، تو-
 ۱۷ که قیدیهای مرا کشادی * و قربانیهای شکر گذارمی را
 بتو خواهم رسانمید و اسم خداوند را خواهم خواند
 ۱۸ * اکنون نذورات خود را بخداوند در حضور تمامی
 ۱۹ قومش ادا خواهم کرد * در بارگاههای خانه، خداوند
 وای اورشلیم در میان تو خداوند را حمد بنمائید

زبور صد و هفدهم

۱ ای همگی طوایف خداوند را حمد نمائید وای تمامی اسم
 ۲ شاکر او باشید * زیرا که رحمتش از جهت ما بسیار
 است و حقیقت خداوند تا باید است خداوند را حمد
 بنمائید

زبور صد و هشتاد و پنجم

۱ خداوند را شکر بنمائید زیرا که نیکوست و بدرستی که
 ۲ رحمتش تا باید است * اکنون (بنی) اسرائیل بگویند
 ۳ که رحمتش تا باید است * اکنون خاندان هرون
 ۴ بگویند که رحمتش تا باید است * اکنون تمامی خائنان

- ۵ خداوند بگویند که رحمتش تا باید است * در تنگدستی
- (خود) خداوند را خواندم و خداوند در کشاورگی مرا
- ۶ استجابت نمود * از آنچه می که انسان در خدمت من
- بعمل بیاورد و نخواهم ترسید (زیرا که) خداوند با من است
- ۷ * و در میان یاری کنندگان من خداوند با من است
- ۸ و من بر مبعضان خود خواهم نگریم * توکل بخداوند
- ۹ از امید انسان بهتر است * و توکل بخداوند به که
- ۱۰ توکل بامیران * تمامی طوایف مرا احاطه نمودند و باسم
- ۱۱ خداوند ایشان را ریز ریز خواهم کرد * و مرا دور نمودند
- بل مرا دایره بستند و باسم خداوند ایشان را پاره پاره
- ۱۲ خواهم گردانید * مرا مانند زنبور احاطه نمودند و مثل
- آتش در خارها مشتعل شدند زیرا که باسم خداوند
- ۱۳ ایشان را خورد خورد خواهم نمود * تگانی برای افتادن بر
- ۱۴ من رسید و خداوند بمن نصرت فرمود * خداوند قوت
- من و محمود من و نجات دهنده من گردیده است
- ۱۵ * آواز شادمانی و رستگاری در خیمه صدیقان است

۱۶. یحیی خدایند کبریائی را بعمل آورده است * و یحیی
 خدایند علو است و یحیی خدایند کبریائی را بعمل
 ۱۷. آورده است * نخواهم مرد و زیست خواهم نمود و اعمال
 ۱۸. خداوند را مشهور خواهم کرد * خداوند مرا بسیار تنبیه
 ۱۹. نمود اما مرا مهربان تسلیم نکرد * دروب صدق را
 از برای من و کنهید که در ایشان داخل شده
 ۲۰. خداوند مرا حمد نماید * این است دروب خداوند
 ۲۱. و صد یقان از ایشان داخل خواهند گشت * ترا شکر
 خواهم نمود زیرا که مرا استجابت کرده نجات دهنده
 ۲۲. من گردیده * سنگی که معمارانش رد نموده اند
 ۲۳. سر زاویه واقع شده است * این عمل از جانب
 خداوند است و یحیی در چشمهای ما عجب است
 ۲۴. * این است روز عمل نمودن خداوند در او شادمان
 ۲۵. باشیم و وجد نائیم * ای خداوند من اکنون
 لطف بفرما و ای خداوند لطف بفرما و اکنون خوشوقتی را
 ۲۶. بجا آر * مبارک باد آنکسی که با سم خداوند می آید

۲۷ و ما از خانه خداوند شمارا برکت دادیم * خداوند خداست
و بر ما درخشان است بره را بریسانها در شاخهای
۲۸ قربانگاه به بندید * خدای من توئی و ترا شکر خواهم
نمود ای خدای من و ترا وصف بلند خواهم نمود
۲۹ * خداوند را شکر بنمائید زیرا که نیکوست بدرستی که
رحمتش تابا به است

زبور صد و نوزدهم

حرف الف

- ۱ خوشا حال آنکسانی که در طریقت کامل شده در
- ۲ شریعت خداوند رفتار می نمایند * خوشا حال محافظان
- ۳ شهادتش که بتامی دل متجسس او میباشد * خلاص
- ۴ معصیت نمایند و در طریقتش رفتار می نمایند * تو فرائض
- ۵ خود را مقرر فرموده که نیکو نگه دارند * ای کاشکی
- راهبای من از جهت محافظت حقوق تو آراسته
- ۶ می شدند * پس هنگامی که تمامی امرهای تو را متوجه
- ۷ باشم شرمندگی نخواهم برد * در زمانی که احکام عدل

۸. ترا بیاموزم ترا بصدق دل شتر خواهم نمود * حقوق
ترا خواهم نگاه داشت یقین که هرگز مرا وانگذاری

حرف با

- ۹ جوان بچه (طور) تواند که راه خود را پاک کند از نگاه
- ۱۰ داشتن آن موافق کلام تو * ترا بتماهی دل جستجو
- ۱۱ نمودم یقین که مرا از امرهای تو گمراه نمیگردانی
- ۱۲ * کلامهای ترا در دل خود جا دادم مباد که در ضد
- ۱۳ تو گناه کنم * ای خداوند تو خجسته میباشی تعلیم
- ۱۴ حقوق خود را بمن عطا بفرما * تمامی احکام دهن ترا
- ۱۵ بلبه‌های خود آشکار خواهم کرد * در راه شهبازات تو
- خوشحال گردیدیم ما خند (کسی) که در تمامی دولت (خود)
- ۱۶ * بفرايض تو تفکر خواهم نمود و راههای ترا بنظر خواهم
- آورد * و در حقوق تو وجد خواهم نمود و کلمات ترا
- فرا موش نخواهم کرد

حرف جیم

- ۱۷ به بنده، خود احسان بنما تا زندگانی کنم و کلمات ترا
 ۱۸ نگاه دارم * چشمهای مرا بکشا تا عجایبات شریعت
 ۱۹ ترا به بینم * در زمین بیگانه ام و امربای خود را از من
 ۲۰ مستور مکن * همیشه جان من از آرزو مندی احکام
 ۲۱ تو شکسته است * متکبران ملعون را که از امربای
 ۲۲ تو آواره گردیدند تنبیه نموده * ملامت و شامت را
 از من دور کن زیرا که شهادت ترا بنظر آوردم
 ۲۳ * امیران نیز نشستند و در ضد من حرف زدند (آنا)
 ۲۴ بنده، تو، محقوق تو تفکّر خواهد نمود * و شهادت تو
 سبب خوشحالی من و مشورت دهنده من میباشد

حرف دال

- ۲۵ جان من بخاک چسبیده است و موافق کلام خود
 ۲۶ مرا زنده بگردان * راههای خود را ظاهر کردم و مرا
 استعجابت فرمودی تعلیم حقوق خود را بمن عطا بفرما

- ۲۷ * براه فرایض خود مرا معروف بگردان تا بعجایبات
 ۲۸ تو تفکر نمایم * جان من از اندوه گداخته شده است
 ۲۹ موافق کلام خود مرا قیوم کن * راه کذب را از من
 ۳۰ دور کن و شریعت خود را از لطف عطا بفرما * راه
 وفاداری را برگزیده ام و احکام ترا پیش نهاد نمودم
 ۳۱ * ای خداوند بشهادت تو ملحق شدم مرا شرمسار
 ۳۲ بگردان * هنگامی که دل مرا کشاده میگردانی در راه
 امرهای تو خواهم دوید

حرف ها

- ۳۳ ای خداوند طریقه حقوق خود را بمن تعلیم بده که
 ۳۴ او را همیشه نگاهدارم * مرا عارف بگردان که شریعت
 ترا بنظر خواهم آورد و او را بتامی دل نگاه خواهم داشت
 ۳۵ * مرا در راه امرهای خود روان کن زیرا که از آن
 ۳۶ خوشنودم * دل مرا بشهادت خود راغب بگردان نه
 ۳۷ بطمع * چشمهای مرا از دیدن عبت برگردان و مرا
 ۳۸ در راه خود زنده نما * سخن خود را ببنده خود که بتو

۳۹ مخوف است قیوم ساز * و ملامتی که من از تو
 ۴۰ خافم بگذران زیرا که احکام تو نیکوست * اینک
 از فرایض تو آرزومند شدم مرا در صداقت خود
 زنده نما

حرف واو

۴۱ ای خداوند رحمت تو و نجات تو بموافق کلام تو
 ۴۲ بمن برسند * و جواب را بملامت کنندگان خود رد
 ۴۳ خواهم نمود زیرا که بکلام تو متوکلیم * و کلام حقیقت را
 برگز از دهان من بر مدار زیرا که از احکام تو امیدوارم
 ۴۴ * و شریعت ترا پیوسته تا ابد الابد نگاه خواهم داشت
 ۴۵ * و در کشادگی رفتار خواهم نمود زیرا که فرایض ترا
 ۴۶ تفتیش نمودم * و در باره شهادت تو در حضور
 ۴۷ پادشاهان تکلم خواهم نمود و شرمسار نخواهم گردید * و در
 امرهای تو که ایشان را دوست میدارم وجد خواهم نمود
 ۴۸ * و دوستهای خود را با مرهای تو که ایشان را دوست میدارم
 بلند خواهم کرد و بحقوق تو اندیشه خواهم نمود

حرف ز *

- ۴۹ کلاعی که به بنده خود (گفته بودی) و مرا از آن امیدوار
 ۵۰ گردانیده بودی. بخاطر آر * اینست تسلی من در
 (زمان) نکبت من بدرستی که کلام تو مرا زنده گردانیده
 ۵۱ است * متکبران مرا بسیار استهزا نمودند (آا) از
 ۵۲ شریعت تو آواره نگردیدم * ای خداوند احکام قدیم ترا
 ۵۳ بخاطر آوردم و خود را تسلی دادم * هنگامی که شراب
 شریعت ترا ترک مینمایند و ایهه بر من مستولی
 ۵۴ میگردد * در خانه بیگانگی من حقوق تو (باعث)
 ۵۵ سرودهای من گشتند * ای خداوند اسم ترا در شب
 ۵۶ بخاطر آوردم و شریعت ترا نگاه داشتم * این (نکوئی)
 بز من واقع نهد بسبب آنکه فرایض ترا بنظر آوردم

حرف ح *

- ۵۷ ای خداوند حصه من توئی که عزم محافظت کلام تو
 ۵۸ نمودم * لطیف ترا بتمامی دل خود استعدا کردم مرا

۵۹. موافق کلام خود رحمت بفرما * از طریقهای خود
 متفکر گشتم و پامی خود را بشهادت تو برگردانیدم
 ۶۰. * شتاب کردم و از محافظت امرهای تو توقف ننمودم
 ۶۱. * گروههای اشرار مرا غارت نمودند (اما) شریعت
 ۶۲. ترا فراموش نکردم * نیم شب خواهم بر خواست تا
 ۶۳. آنکه بسبب احکام صدق تو ترا شکر نمایم * من با تمامی
 ۶۴. آنکسانی که از تو میترسند و فرائض ترا نگاه می دارند
 ۶۵. رفیق میباشم * ای خداوند رحمت تو زمین را مملو
 می سازد حقوق خود را بمن تعلیم بده

حرف طا

۶۵. ای خداوند ببسنده خود موافق کلام خود نیکوئی را بعمل
 ۶۶. آوردم * عقل دوانش نیکو را بمن تعلیم کن زیرا
 ۶۷. که بامرهای تو ایمان آوردم * پیش از آنکه من رحمت
 میکشیدم گمراه گردیدم لکن الحال کلام ترا نگاه
 ۶۸. خواهم داشت * نیکو و نیکوکار توئی حقوق خود را

۶۹. بمن تعلیم بفرما * متکبران در ضد من دروغ یافتند
 من فرایض ترا بتمامی دل (خود) نگاه خواهم داشت
 ۷۰. * دل ایشان مانند پیه بی حس گردیده است
 ۷۱. من در شریعت تو وجد نمایم * بسبب آموختن حقوق
 تو مصیبت کشیدن من برای من نیکوست
 ۷۲. * شریعت دهن تو از برای من از الوف زر و نقره
 بهتر است

حرف یا

۷۳. دستهای تو مرا آفرینند و مرا درست کردند. بمن
 ۷۴. عقل را عطا بفرما تا امرهای ترا بیاموزم * خائفان تو
 بمن خواهند نگر نیست و خوشنود خواهند گردید زیرا
 ۷۵. که از کلام تو امیدوارم * ای خداوند میدانم که احکام
 تو عهق است و مرا بوفاداری مفلوک گردانیده
 ۷۶. * اکنون رحمت تو بموافق کلامی که تو ببنده خود
 ۷۷. (گفته بودی) تسلی من بگردد * رحمتهای تو بمن
 برسند تا زیست نمایم زیرا که شریعت تو مسروری

۷۸ من است * متکبران شرمندگی برند زیرا که مرا
 بی سبب بزیر انداختند (آ) من بفرايض تو تفکر
 ۷۹ خواهم نمود * خائفان تو و عارفان شهادت تو بمن
 ۸۰ بازگشت بنمایند * دل من در حقوق تو کامل
 باشد تا آنکه شرمندگی نبرم

حرف کاف

۸۱ جان من از (آرزوی) نجات تو مهوشست و از کلام تو
 ۸۲ امیدوارم * در هنگام سوال نمودن (من) که کسی بمن
 تسلی خواهی بخشید چشمهای من از (آرزوی) کلام تو
 ۸۳ بی نور گردیدند * بدرستی که مانند شیشه در دود
 (سیاه) گردیدم (لکن) حقوق ترا فراموش نکردم
 ۸۴ * روزی بنده تو چنانست کسی بر متعمریان من
 ۸۵ حکم خواهی نمود * متکبران برای من چاهبار که
 ۸۶ بموافق شریعت تو نمی باشد کنند * تمامی اهرای
 تو حقیقت است و بی سبب مرا تعدی مینمایند

۸۷. بمن نصرت بفرما * عنقریب مرا در زمین با تمام
 ۸۸. رسا میدهند و من فرایض ترا دا نگذاشتم * موافق رحمت
 خود مرا زنده بگردان تا شهادت دهن ترا نگاه دارم

حرف لام

۹۰. ای خداوند کلام تو در آسمانها تا باید باقیست * وفاداری
 تو پشت به پشت است زمین را آفریدی و قیوم
 ۹۱. است * از آنجا که همه بنندگان تو میباشند تا حال
 ۹۲. بموافق حکمهای تو ایستاده اند * اگر شریعت تو
 (باعث) بهجت من نشده بود هر آینه در مصیبت
 ۹۳. خود هلاک میگردیدم * فرایض ترا تا باید فراموش
 ۹۴. نخواهم کرد زیرا که مرا با ایشان زنده گردانیده * من
 از آن تو ام مرا بران زیرا که فرایض ترا جستجو
 ۹۵. نموده ام * شرایر برای هلاکت من منتظر میباشند
 ۹۶. و شهادت ترا خواهم فهمید * انجام تمامی کمال را دیدم
 (لکن) شریعت تو بسیار وسیع است

حرف میم

- ۹۷ شریعت ترا چه بسیار دوست میدارم و تمامی روز در
 ۹۸ فکر من اوست * مرا با هر پای خود از دشمنانم واناتر
 ۹۹ گردانیده؛ زیرا که ایشان پیوسته با من میباشند * از
 تمامی معلمان خود واناتر گردیده ام زیرا که شهادت تو
 ۱۰۰ در فکر من است * از قدما فهمم نرم زیرا که فرایض
 ۱۰۱ ترا بنظر آوردم * پایای خود را از هر راه بدر نگاه داشتم
 ۱۰۲ تا کلام ترا نگاه دارم * از احکام تو کج نرفتم زیرا که تو
 ۱۰۳ بمن تعلیم فرمودی * کلامهای تو بذاثقه من و بهین
 من چه بسیار شیرینند بل از عسل (شیرین تر)
 ۱۰۴ * بفرایض تو وانا میباشم سبب آنکه تمامی طریقههای
 کذب را بغض مینمایم

حرف نون

- ۱۰۵ کلام تو برای اقدام من چراغ و از برای راه من نور است
 ۱۰۶ * در باره؛ محافظت احکام صدق تو سوگند خوردم
 ۱۰۷ و بجا خواهم آورد * ای خداوند بسیار مفلوکم مرا بموافقت

۱۰۸ کلام خود زنده نما * اکنون اعی خداوند از قربانیهایی

حُسن اراده، دهن من راضی باش و احکام خود را بمن

۱۰۹ تعلیم بفرما * جان من همیشه در (رومی) دست من

۱۱۰ است اما شریعت ترا فراموش نکردم * دام را

شرایر برای من نهاده اند اما از فرایض تو آواره نگشتم

۱۱۱ * شهادت ترا میراث جادوانی میدارم زیرا که بهجت

۱۱۲ دل من آنهاست * دل خود را مائل گردانیدم تا

حقوق ترا همیشه تا بابد عمل نمایم

حرف سیم

۱۱۳ فساد کنندگان را بغض می نمایم اما شریعت ترا دوست

۱۱۴ میدارم * کهین گاه من و سیر من توئی و از کلام تو

۱۱۵ امید داریم * ای اشرار از من دور شوید تا امرای

۱۱۶ خدای خود را نگاه دارم * بموافق کلام خود بمن نصرت

بفرما تا زیست نمایم و از امید خود شرمسار نباشم

۱۱۷ * بمن پشتیبانی عطا کن تا نجات یابم و همیشه بمحقوق

۱۱۸ تو متوجه باشم * تمامی آن کسانی را که از حقوق تو

آواره میگردند پایمال می نمائی یقین که حیلۀ ایشان
 ۱۱۹ گنبدست * تمامی اشترار زمین را مانند جرم دور زمینمائی
 ۱۲۰ و از آن سبب شهادت ترا دوست میدارم * از خوف
 تو گوشت من بارتعاش می آید و از احکام تو هراسانم

حرف عین

۱۲۱ حکم و صدق را بعمل آوردم مرا بظالمان من و امکنار
 ۱۲۲ * بنده خود را به نیکوئی حمایت بفرما تا متکبران بمن
 ۱۲۳ ظلم ننمایند * چشمهای من از (آرزوی) نجات تو و برای
 ۱۲۴ کلام صادق تو بی نور است * با بنده خود بموافق
 . رحمت خود عمل نما و حقوق خود را بمن تعلیم ده
 ۱۲۵ * بنده تو منم عقل بمن عطا بفرما که شهادت ترا
 ۱۲۶ بدانم * ای خداوند وقت عمل نمودنست زیرا که شریعت
 ۱۲۷ ترا شکستند * بدرستی که امرهای ترا از زر و طلای
 ۱۲۸ پاک بیشتر دوست میدارم * ز آنرو که تمامی فرائض
 ترا راست میدانم و تمامی طریقه گنبد را بغض مینمایم

خرف فا

۱۲۹ شهادت تو عجب است از آن سبب جان من

۱۳۰ آنها را نگاه میدارد * ظهور کلام تو ساده دلان را منور

۱۳۱ ساخته معروف میگردد * دهن خود را کشادم و نفس

زدم زیرا که از امرای تو آرزو مندی را کشیده بودم

۱۳۲ * بمن بنگر و بموافق حکم خود با محبان اسم خود

۱۳۳ بمن رحمت بفرما * گذرایی مرا در کلام خود آماده

۱۳۴ ساز تا تمامی ناراستی بر من تسلط نیابد * مرا از ظلم

۱۳۵ انسان آزاد کن که فرایض ترا نگاهدارم * روی خود را

بر بنده خود درخشان بگردان و حقوق خود را بمن

۱۳۶ تعلیم بده * سبب نگاه نداشتن شریعتهای تو بسیار بهای

آب از چشمهای من جاری شدند

حرف صاد

۱۳۷ ای خداوند تو صدیقی و احکام تو راست است

۱۳۸ * شهاداتی که تو مقرر فرموده صدق و وفاداری تو

۱۳۹ بسیار است * غیرت من مرا فرد گرفته است زیرا
 ۱۴۰ که اعدای من کلامهای ترا فراموش کردند * کلام
 تو بسیار مصفی است و چنده تو آنها دوست میدارد
 ۱۴۱ * من خورد و حقیرم (اُمّا) فرایض ترا فراموش نمیکنم
 ۱۴۲ * صداقت تو صدق و جاوید و شریعت تو راستست
 ۱۴۳ * تعمی و تنگمستی مرا گرفتند و اهرای تو (باعث)
 ۱۴۴ بهجت من میباشد * صدق شهادت تو جاودانی
 است و بمن عقل را عطا بفرما که زیست بنمایم

حرف قاف

۱۴۵ ای خداوند (ترا) بتماهی دل خواندم مرا استجاب بفرما
 ۱۴۶ که حقوق ترا بنظر خواهم آورد * ترا دعوت نمودم
 نجات بمن بده که شهادت ترا نگاه خواهم داشت
 ۱۴۷ * بر فجر مقدم گشتم و استغاثه نمودم (زیرا) که از کلام
 ۱۴۸ تو امیدوار بودم * چشمهای من بسبب تفکر کلام تو
 ۱۴۹ پاسبای شب را پیش گرفتند * ای خداوند آواز مرا

بموافق رحمت خود استماع بفرا و بمطابق حکم خود
 ۱۵۰ مرا زنده بنما * تابعان بدمی نزد یکنند (لیکن) از
 ۱۵۱ شریعت تو دور میباشند * ای خداوند تو قریبی و تمامی
 ۱۵۲ اهرامی تو راست است * در باره شهادت تو از
 ایام قدیم دانستم که ایشان را جنا کردی و تا باین باقی اند

حرف را

۱۵۳ مصیبت مرا ملاحظه بفرا و مرا مستخلص کن بسبب
 ۱۵۴ آنکه شریعت ترا فراموش نکردم * دعوی مرا تفتیش
 کن و مرا فدا کن (پس) بسبب کلام خود مرا زنده
 ۱۵۵ بگردان * نجات از شرایر دور است سبب آنکه
 ۱۵۶ حقوق ترا جستجو نمی نمایند * ای خداوند رحمتهای تو
 ۱۵۷ بسیار است مرا بموافق احکام خود زنده نما * متعمران
 من و اعدای من بسیارند (آما) از شهادت تو بیرون
 ۱۵۸ نرفتم * متجاوزان را دیدم و غمگین گردیدم برای آنکه
 ۱۵۹ کلام ترا نگاه نداشته اند * ای خداوند همچنانکه فرایض

ترا دوست دارم. ^{۱۶۰}نهن ملاحظه بفرما و بموافقت رحمت
خود مرا زنده بگردان * اصل کلام تو حقیقت است
و تمامی احکام صدق تو تا باید باقیست

حرف شین

^{۱۶۱} امیران مرا بی سبب تعمی نمودند اما دل من از
^{۱۶۲} کلام تو خائف است * من در کلام تو مانده کسی که نعمت
^{۱۶۳} بسیار بیابد و حمد می نمایم * کذب را بغض نموده و مکروه
^{۱۶۴} داشته شریعت ترا دوست میدارم * ترا برای احکام
^{۱۶۵} صدق تو هر روز هفت بار حمد می نمایم * سلامت محبتان
^{۱۶۶} شریعت تو بسیار است و ایشان را لغزش نخواهد بود * ای
خدایان از نجات تو امیدوارم و امرهای ترا بعمل آوردم
^{۱۶۷} * جان من شهادت ترا نگاه داشته است و ایشان را
^{۱۶۸} بسیار دوست دارم * فرایض ترا و شهادت ترا نگاه
داشته ام زیرا که تمامی طریقه‌های من در نظر قسست

حرف تا

- ۱۶۹ امی خداوند فریاد من در حضور تو نزدیکی بنماید
 ۱۷۰ عقل را بموافق کلام خود بمن بده * دعای من در
 حضور تو بیاید و بموافق کلام خود مرا مستخلص کن
 ۱۷۱ * هنگامی که حقوق خود را بمن تعلیم داده باشی لبهای
 ۱۷۲ من در وصف تو بلاغت خواهد نمود * زبان من
 متکلم بکلام تو خواهد بود زیرا که تمامی امرهای تو
 ۱۷۳ صدق است * دست تو معاون من باشد زیرا که
 ۱۷۴ فرایض ترا برگزیده ام * امی خداوند از نجات تو آرزو
 ۱۷۵ داشتم و شریعت تو مسروری من است * جان من
 زیست نماید و ترا حمد خواهد نمود و احکام تو بمعاضت
 ۱۷۶ بمن بدهد * مانند گوسفند گم شده آواره گردیدم بنده
 خود را تفتیش کن زیرا که امرهای ترا فراموش نکردم

زبور صد و بیستم سرود مراتب

۱ در تنگدستی خود خداوند را خواندم و مرا استجابت نمود

زبور داد * ۱۳۹ * ۱۴۱ ۲۳۷

- ۲ * ای خداوند جان مرا از لب دروغ گوینده و از زبان
- ۳ فریبنده مستخلص کن * ای زبان فریبنده بتو چه
- ۴ داده خواهد شد و بتو چه چیز ملحق خواهد گردید * (سزاوار)
- تیرهای تیز نیرومندان و با اخگرهای درخت عرعر
- ۵ (میباشی) * و ای بر من که در (ولایت) مشک بیگانه
- ۶ ام و در خیمهای قدر ساکنم * جان من با کسی که سلامتی
- ۷ (مرا) بغض مینماید بسیار نشسته است * من صلح
- اندیش میباشم اما هنگامی که موعظه میکنم ایشان
- اراده جنگ مینمایند

زبور صد و بیست و یکم سرود مراتب

- ۱ چشمهای خود را بسوی کوههایی که نصرت من از
- ۲ ایشان می آید بلند مینمایم * یاری من از جانب خداوند
- ۳ است که آسمانها و زمین را آفریده است * پایی ترا
- بلغزش نخواهد داد (بل) نگاهدارنده تو نخواهد غنود
- ۴ * اینک نگاهدارنده (بنی) اسرائیل نخواهد غنود

- ۵ و خواب نخواهد نمود * خداوند محافظت کننده تست
- ۶ و خداوند بر دست راست تو سایه تست * آفتاب
- ۷ در روز و ماه در شب ترا ضرر نخواهد رساند * خداوند
- ترا از هر نوع بدمی نگاه خواهد داشت (بل) جان ترا
- ۸ محافظت خواهد کرد * خداوند از خراج و دخول نو
- ترا نگاه خواهد داشت از حال تا بامداد

زبور صد و بیست و نهم سرود مرانب از آن داود

- ۱ هنگامی که بمن گفتند که بخانه خداوند برویم شاو مان
- ۲ گردیدیم * ای اورشلیم پای ما در دروب تو خوانند
- ۳ ایستاد * اورشلیم مانده شهری که بهم ملحق است
- ۴ معهور میباشند * بهمین جا (تامی) فرق و فرقه های خداوند
- (یعنی) گروهها (بنی) اسرائیل بسبب شکر نمودن
- ۵ اسم پروردگار بالا میروند * بدرستی که در آنجا تختهای
- ۶ حکم و کرسیهای زرت داود باقی میباشد * سلامت
- اورشلیم را سوال بنمائید و کسانی که ترا دوست دارند

۷ خجسته باشند * اندرون دیواری تو سلامت و در
 ۸ میان بارگاههای تو برکت باد * از برای برادران
 خود و رفیقان خود خواهیم گفت که اکنون در تو سلامت
 ۹ باد * بسبب خاندان خداوند و خدای ما نیکوئی ترا جستجو
 خواهیم کرد

زبور صد و بیست و سیم سرود مراتب

۱ ای آنکسی که در آسمانها ساکنی چشمهای خود را
 ۲ بسوی تو بلند مینمایم * اینک چنانکه چشمهای
 بندگان بدست خداوند ایشان است و چشمهای
 کنیز بدست بگم اوست بهمین طریق چشمهای
 ما بدست خداوند و خدای ما (مینگرد) تا آنکه ما را رحمت
 ۳ نماید * ای خداوند ما را رحمت کن و ما ترحم نما زیرا که
 ۴ حقارت بسیاری با مملو است * جان ما از استهزای
 صاحبان غرور و از حقارت متکبران بینهایت مملو
 است

زبور صد و بیست و چهارم سرود مرثیه از آن داود -
 ۱ اکنون (بنی) اسرائیل بگویند که اگر خداوند از آن
 ۲ مانعی بود * و اگر خداوند ناصر ما نمی شد در هنگامی که
 ۳ انسان در ضد ما مقاومت می نمودند * پس آنزمان
 ۴ زنده ما را می بلعیدند زیرا که غضب ایشان در ضد
 ۵ ما افروخته شده بود * پس آنها ما را فرو میگرفتند
 ۶ و سیلابها بر جان ما گذشته میبود * آنگاه آنها میمتوج
 ۷ بر جان ما عبور مینمودند * خجسته باد خداوندی که
 ۸ ما را (مانند) یغما بدندانهای ایشان تسلیم نکرد * جان
 ۹ ما مثل مرغیکه از دام صیادان آزاد گردیده است
 ۱۰ دام یاره یاره شده و ما را نسی یافتیم * یاری ما در اسم
 خداوند است که آسمانها و زمین را آفریده است

زبور صد و بیست و پنجم سرود مرثیه

۱ آنگسانی که بخداوند متوکل اند مانند کوه صیهون
 ۲ اند که بحرکت نخواهند آمد و نا باید خواهند ماند * کوهها

- ۲ در اطراف اورشلیم و خداوند در اطراف قوم خود از
 ۳ حال تا ابد الابد میباشد * بدرستی که تا صدیقان
 ۴ و ستمهای خودشان را بفساد و راز نیکند عصای اشرار بر
 ۵ قسمت صدیقان آرام نخواهد گرفت * ای خداوند
 ۶ بخویان و براستد لان نکوئی را عطا بفرما * و نسبت
 ۷ بآنکسانی که در راههای کج خودشان آواره میکردند
 ۸ خداوند ایشان را بفساد کنندگان روان خواهد نمود
 ۹ (آنا) بر (بنی) اسرائیل سلامت (خواهد بخشید)

زبور صد و بیست و ششم سرود مراتب

- ۱ بهنگامی که خداوند اسیری (اهل) صیهون را رد مینمود
 ۲ مانند خواب دیدگان گردیدیم * در آنزمان دهن ما از
 ۳ تبسم و زبان ما از سرود مملو شدند آنگاه در میان
 ۴ طوایف گفتگو کردند که خداوند در عمل نمودن
 ۵ برای ایشان کبریائی را بجا آورده است * خداوند

در عمل نمودن برای ماکبر یانی را بجا آورده است
 ۴ و شادمان گردیدیم * خداوند اسیری ما را چون سیلاب
 ۵ بطرف بیابان رد کن * آنکسانی که با اشک میکارند
 ۶ بسرود خواهند دروید * آنکسی که با اشک بیرون میرود
 و تخم را برای کاشتن میبرد بی شبهه باز گردیده
 دستهایش را با سرود خواهد بر داشت

زبور صد و بیست و هفتم

سرود مراتب از برای سلیمان

۱ اگر خداوند خانه را معمور نسازد معمارانش زحمت
 ۲ بیفایده خواهند کشید * خداوند اگر شهر را نگاه ندارد
 ۳ میدارمی پاسبان عبت خواهد بود * شمارا سپهر خیزی
 و شب نشینی و از نان درد خوردن بیفایده است
 ۴ بدرستی که خواب را بمحبت خود عطا مینماید * اینک
 خداوند ذریت را میراث میدهد و انعامش ثمر رحم
 ۵ است * فرزندان در جوانی چنان میباشند که تیرها

۶ در دست نیرومندان * خوشا حال آنکسی که ترکش
خود را از ایشان مملو سازد در هنگامی که بدشمنان
خودشان در دروازه ناکم نمایند شرمندگی نخواهند برد

زبور صد و بیست و هشتم سرود مراتب

- ۱ خوشا حال هر کسی که از خداوند میترسد و در راههایش
- ۲ رفتار مینماید * زیرا که از کد و ستمهای خود متبادل خواهی
- ۳ نمود خوشا حال تو که بتو نیکوئی خواهد رسید * زن
- تو مانند تاک بارور در اطراف خانه تو و تپه‌های نو
- مثل نهالهای درخت زیتون در گرداگرد سفره تو
- ۴ خواهند بود * اینک کسی که از خداوند میترسد بهمان
- ۵ طریق برکت خواهد یافت * خداوند ترا از صییهون
- برکت خواهد داد و اورشلیم را در تمامی روزهای عمر خود
- ۶ به نیکوئی خواهی دید * و نوازه‌های خود را نظر خواهی نمود
- بر (بنی) اسرائیل سلامت باد

سر بریش هرون فرو ریخته و از ریشش جاری شده
 ۲ بدامن لباسهایش رسید * و مشابیهست دارد نم حرمون را
 و نمی که بر کوههای صیهون میچکد زیرا که در آنجا
 خداوند برکت زندگانی را تا باید الابد مقرر فرموده
 است

زبور صد و سی و چهارم سرود مراتب
 ۱ اینک ای تمامی بنندگان خداوندی که در شبها بخانه
 ۲ خداوند قیام مینمائید خداوند را شکر نمائید * دستهای
 خود را بمقدس بلند کنید و خداوند را شکر نمائید
 ۳ * خداوندی که آسمانها و زمین را آفریده است از صیهون
 برکت بتو بدهد

زبور صد و سی و پنجم
 ۱ ای بنندگان خداوند خداوند را حمد نمائید و اسم خداوند را
 ۲ تمجید نمائید بلکه حمد نمائید * ای کسانی که در خانه
 خداوند دور بارگاههای خانه خدای ما ایستاده میباشید
 ۳ * خداوند را حمد نمائید زیرا که خداوند نیکوست

- ۴ و اسمش را بسراشید زیرا که دلاویز است * بدرستی که
 خداوند یعقوب را برای خود و (بنی) اسرائیل را
 ۵ برای خصوصیت خود برگزیده است * و یقین
 میدانم که خداوند عظیم است و پروردگار ما بر تمامی
 ۶ خدایان مافوق است * خداوند هر چه خواست همان را
 در آسمانها و در زمین و در دریا و در تمامی عمیقها
 ۷ بعمل آورده است * بخارات را از افطار زمین
 متصاعد میگرداند از جهت باران بر قهاری افروز
 ۸ و باد را از خزاین خود روان مینماید * او شخصست
 مولودهای مصر را تا به دواب هلاک نمود
 ۹ * آیات و معجزات را در وسط تو ای مصر بفرعون
 ۱۰ و بتنامی خازانش فرستاد * طوایف بسیار را هلاک کرد
 ۱۱ و پادشاهان نیرومندان را بقتل رسانید * (مثل) سیحون
 پادشاه اموریان و عوج پادشاه باشن و تمامی (سلاطین)
 ۱۲ ممالک کنعان را * و زمین ایشانرا چون رسد بقوم خود
 ۱۳ (بنی) اسرائیل پادشاهی داد * ای خداوند اسم تو تا با هر

۱۲. وای پروردگار زکر تو پشت به پشت است * بدرستی
که خداوند قوم خود را حکم خواهد کرد و از جهت بندگان
۱۳. خود تغییر خواهد نمود * بجهت های طوایف زر و نقره
۱۴. است و عمل و ستم های انسان است * در آنها دهن
است اما حرف نمی زنند و در آنها چشمها است اما
۱۵. نمی بینند * آنها را گوشهاست اما اصفا نمی نمایند
۱۶. و در دهن ایشان نفس نیست * درست کنندگان
ایشان و هر کسی که بایشان متوکل است مانند
۱۷. ایشان می باشد * ای نسل اسرائیل خداوند را شکر
۱۸. نمائید وای خاندان هرود خداوند را شکر نمائید * ای
خاندان لوی خداوند را شکر نمائید وای تمامی خاندان
۱۹. خداوند خداوند را شکر نمائید * خداوند که در اورشليم
ساکن است از صیون خجسته باد خداوند را حمد
نمائید

زبور صد و سی و هشتم

خداوند را شکر نمائید زیرا که نیکوست بدرستی که

- ۲ رحمتش تا باید اشت * خدای خدایان را شکر نمائید
- ۳ زیرا که رحمتش تا باید است * خداوند خداوندان را
- ۴ شکر نمائید زیرا که رحمتش تا باید است * آنکسی که
- بمجرد عجایبات عظیم را بعمل می آورد زیرا که
- ۵ رحمتش تا باید است * بآنکسی که آسمانها را از حکمت
- ۶ آفریده است زیرا که رحمتش تا باید است * بآنکسی
- ۷ که زمین را بروی آنها گسترانید زیرا که رحمتش تا
- ۸ باید است * بآنکسی که نیرای بزرگ را آفریده زیرا
- ۹ که رحمتش تا باید است * آفتاب را برای سلطانی
- ۱۰ روز زیرا که رحمتش تا باید است * ماه و ستارگان را
- ۱۱ برای سلطانی شب زیرا که رحمتش تا باید است
- ۱۲ * بآنکسی که اولاد نخستین اهل مصر را بپلاک کرد
- ۱۳ زیرا که رحمتش تا باید است * و (بنی) اسرائیل را
- از میان ایشان بیرون آورد زیرا که رحمتش تا
- ۱۴ باید است * از دست قوی و بازوی دراز کرده
- ۱۵ شده زیرا که رحمتش تا باید است * بآن کسی که

- بحر الاحمر را حصه نمود زیرا که رحمتش تا بابه است
- ۱۴ * و (بنی) اسرائیل را از وسطش گذراخیز زیرا که
- ۱۵ رحمتش تا بابه است * و فرعون با لشکرش را در
- بحر الاحمر فرو برد زیرا که رحمتش تا بابه است
- ۱۶ * بانگسی که قوم خود را در تیه راهبری نمود زیرا که
- ۱۷ رحمتش تا بابه است * بانگسی که پادشاهان عظیم را
- ۱۸ هلاک کرد زیرا که رحمتش تا بابه است * و پادشاهان
- فیرومندان را بقتل رسانید زیرا که رحمتش تا بابه
- ۱۹ است * (مانند) سیحون پادشاه اموریان را زیرا که
- ۲۰ رحمتش تا بابه است * و (مانند) عوج پادشاه باشن را
- ۲۱ زیرا که رحمتش تا بابه است * و زمین ایشان را چون
- ۲۲ ارثیت داد زیرا که رحمتش تا بابه است * (یعنی)
- ارثیت برای بندگان خود (بنی) اسرائیل زیرا که
- ۲۳ رحمتش تا بابه است * و ما را در زیر دست بودن
- ۲۴ ما بخاطر آورد زیرا که رحمتش تا بابه است * و ما را از
- اعدای ما مستخلص کرد زیرا که رحمتش تا بابه

۲۵ است * در روزی را بتعالی بشر عطا میفرمایید زیرا که
 ۲۶ رحمتش تا باید است * خدای آسمانها را شکر بنمایید
 زیرا که رحمتش تا باید است

زبور صد و سی و هفتم

۱ بر کنار رودخانههای بابل نشستیم هر وقتی که صیهون را
 ۲ بخاطر آوردیم گریه نمودیم * در وسطش بر بطنهای خود را
 ۳ بر پیدا آوردیم * زیرا که آنجا اسیر کنندگان ما
 ۴ سرودها و خراب کنندگان ما از ما سرور می را سوال
 ۵ نمودند که برای ما سرود صیهون بسرایید * چگونه
 ۶ سرود خداوند را در زمین بیگانه خواهیم سرانید * ای
 ۷ اورشلیم اگر ترا فراموش کنم دست راست من مرا
 ۸ فراموش بکند * اگر ترا بخاطر نیاورم وای اورشلیم
 ۹ اگر (ترا) بر فوق شادمانی خود بلند نمایم زبان من
 ۱۰ بدماغ من بچسبید * ای خداوند بنی اودم را بخاطر آر
 ۱۱ که در روز (بلاء) اورشلیم گفتند که پایمال نمائید او را

- ۸ حقی بنیانش را پایمال نمائید * امی دختر بابل مخروب
خواهی شد خوشا حال آنکسی که مکافات نماید بتو در
۹ عوض آنچهیزائی که بجا کرده * خوشا حال آنکسی که
اطفال ترا بر داشته بر سنگ بکوبد

زبور صد و سی و هشتم از آن داود

- ۱ (ای خداوند) بتماهی دل خود ترا شکر خواهم نمود
۲ و در حضور فرشتگان ترا خواهم سرائید * بسوی هیکل
قدس تو سجده خواهم کرد و بسبب رحمت تو و بعلت
حقیقت تو اسم ترا شکر خواهم نمود زیرا که (بموافق)
۳ کلام خود اسم خود را مافوق همه عظیم گردانیدی * در
روزی که ترا خواندم استجابت بمن فرمودی و از
۴ قوت جان مرا مقوی نمودی * امی خداوند تها
پادشاهان زمین هنگامی که کلامهای دهن ترا بشنوند
۵ ترا شکر خواهند نمود * و در طریقهای خداوند خواهند سرائید
۶ زیرا که جلال خداوند عظیم است * اگر چه خداوند

بلند است لکن افتاده را مینگرد و متکبر را از دور
 ۷ نظر میکند * هر آئینه در میان قنکرستی روان شوم
 مرا فوق غضب و شمنان من زنده نگاه خواهی داشت
 و دست خود را دراز خواهی کرد و دست راست تو
 ۸ بمن نجات خواهد داد * خداوند بکار من خواهد
 پرداخت ای خداوند رحمت تو تا باب است و کار
 دست خود را ترک نخواهی کرد

زبور صد و نهم سالار مغذیان مزبور داود

۱ ای خداوند تفتیش کرده^۶ و مرا شناخته^۵ * نشستن مرا
 ۲ و بر خولستن مرا می یابی و اندیشه^۶ مرا از دور ادراک
 ۳ مینمائی * و راه مرا و خواجهرین مرا تجسس میکنی و تمامی
 ۴ طریقهای مرا واقف میشی * ای خداوند در زمانی
 ۵ که کلمه را بزبان نیاورم آنگاه همه^۶ آنها را میدانی * پس
 ۶ و پیش مرا دایره بستی دید خود را بر من نهایی * و این
 علم برای من عجیب است و مافوق است و آنرا

- ۷ نمیتوانم فهمید * از روح تو کجا خواهیم رفت و از روی
- ۸ تو کجا خواهیم گریخت * اگر با سمانها صعود نایم آنجا
- ۹ توئی و اگر بجهنم فرو بروم آنگاه توئی * اگر بالهای فخر را
- ۱۰ بگیرم و اگر در آخر دریا نشینم * در آنجا نیز دست
- تو مرا راهبری خواهد نمود و بهمین تو مرا خواهد گرفت
- ۱۱ * اگر بگویم که بی شبهه تاریکی مرا پنهان خواهد کرد
- ۱۲ پس شب در گرداگرد من روشن خواهد شد * و تاریکی
- بجهت تو تاریک نیست و شب مانند روز درخشان
- ۱۳ است ظلمت و نور (برای تو) یکی است * بدرستی که
- تو قلبهای مرا متصرف بودی و در رحم مادر مرا مستور
- ۱۴ نمودی * ترا شکر خواهیم نمود ز آنرو که مرا با هیبت و عجیبانه
- آفریدی و جان من نیکو میداند که اعمال تو عجیبست
- ۱۵ * هنگامی که در پنهانی آفریده شدم و در اسفلهای زمین
- مانند نقش درست کرده شدم ذات من از تو نهان
- ۱۶ نبود * چشمهای تو حلقه مرا دیدند و تنای عضوایم در
- روزهای مصور شدن ایشان در دفتر تو نوشته شدند

- ۱۷ و یکی از اینهارا (نمیدند) * ای خدا اندیشه‌های تو از جهت
من چه گرانیهاست و با بهای ایشان چه بسیار است
- ۱۸ * میخواهم ایشان را شمارم از ریگ زیاده تر میباشد و من
۱۹ جیدار گردیدم هنوز با تو ام * ای خدا شیر را بی شبهه بقتل
خواهی رسانید پس ای مردمان خوف ریز از من دور شوید
- ۲۰ * زیرا که شیرانه در ضد تو حرف میزنند و اعدای
۲۱ تو خود را باطلان بلند مینمایند * خداوند آیا میبخشد ترا
بغض نمی نمایم و از آنکسانی که در ضد تو مقاومت
۲۲ مینمایند متعذر نمیباشم * ایشان را بالکلیه بغض مینمایم
۲۳ (بلکه) ایشان را دشمنان خود میدانم * ای خدا مرا تقویت کن
کن و هر که من عارف باشم و مرا امتحان کن
۲۴ و اندیشه‌های مرا بدان * و اگر طریقه شیر در من باشم
بشکر و مرا در راه جاودانی راهبری بفرما

زبور صد و چهل و سالار مغنیان مزمور داود

۱ ای خداوند مرا از هر دشمن مستخلص کن و از اهل

- ۲ فساد مرا نگاهدار * ایشان بدیهارا از دل تدبیر
- ۳ مینمایند و هر روز فتنه‌های انگیزند * زبان خودشان را
- مانند مار تیز مینمایند و زهر افهی زیر لبهای ایشان
- ۴ است سله * ای خداوند مرا از دستهای شریر نگاهدار
- و از مرد مفسد مرا محافظت بفرما زیرا که اراده منم
- ۵ گردانیدن قدمهای من نمودند * متکبران دام را برای
- من پنهان کردند و ریسانهارا گسترانیدند و سیاران
- ۶ تله را از جهت من در کنار راه نهادند سله * خداوند را
- گفتم که خدای من تویی ای خداوند آواز تضرعهای مرا
- ۷ اصغاکن * ای خداوند و پروردگار وقوت منجی من
- ۸ سر مرا در روز جنگ پوشامیدی * ای خداوند خواهشهای
- شریر را عطا مفرما و تدبیرش را بجا میاور مباد که ارتفاع
- ۹ نمایند سله * بدی لبهای سرداران احاطه کنندگان
- ۱۰ من خود ایشان را بپوشاند * و آخر بر ایشان بیفتد
- و در آتش انداخته شوند (بلکه) در صیقهائی که بر
- ۱۱ نخیزند * مرد بدگو پایداری در زمین نیابد و بلا اهل

۱۲ فساد را تا بمکان هلاکت صید خواهند کرد * میدانم که خداوند
داوری مفلوک و حکم مسکینان را بجای خواهند آورد
۱۳ * یقین که صدیقان اسم ترا شکر خواهند نمود و راستان
در حضور تو ساکن خواهند شد

زبور صد و چهل و یکم مرزور داود

۱ ای خداوند ترا خواندم از جهت من شتاب کن
۲ و هنگامی که ترا میخوانم آواز مرا اصفا کن * دعای من
مانند بخور بلند نمودن دستهای من مثل قربانی
۳ شام در حضور تو اراسته شود * بر دهن من پاسبان
۴ بیدار و در لبهای مرا نگاهدار * دل مرا بکار به
و بور زمین کوششهای شیرانه با مردمان فساد کننده
راغب مگردان مبادا که از لذیذهای ایشان بخورم
۵ * صدیق مرا بگوید لطف (بر من است) و مرا تنبیه
ناید روغن عزیز (من است) سر مرا مجروح نخواهد
نمود بدرستی که در هنگام بلاهای ایشان تا بحال در

- ۶ دعا میباشم * چون حاکمان ایشان در سنگلاخ افتاده
باشند آنگاه کلامهای مرا استماع خواهند نمود زیرا که
۷ شیرینند * استخوانهای ما مثل قراشه (چوبی) که
کسی در زمین شکافته و تراشیده است بسر قبر پراکنده
۸ میشوند * زیرا که ای خداوند و پروردگار چشمهای
من بسوی توست و بتو متوکلم جان مرا مجبور و
۹ مگذار * مرا از قیدهای آن داعی که از برای من نهاده
۱۰ و از تله های فسادکنندگان نگاهدار * اشرار در دامهای
خود بیفتند تا من در آنزمان عبور نمایم

زبور صد و چهل و دوم

- تعلیم داود هنگامی که در مغاره بود و دعا نمود
۱ خداوند را باواز خود خواندم و باواز خود خداوند را نضر
۲ نمودم * اندیشه خود را در حضورش خواهم ریخت
۳ و در حضورش تنگمستی خود را آشکار خواهم نمود * هنگامی
که روح من در اندرون من مضطرب شد (خداوند)
طریق مرا دانستی ایسک دامن را در راهی که عبور من

۴ میباشد از جهت من نهانند * بدست راست
 نگر یستم و دیدم اما بمن آشنائی زنده؛ زبور پناه
 از من دور شد و متجسس (نیکوئی) جان من پدید
 ۵ شایم * ای خداوند بتو فریاد نمودم و گفتم که امید من و حصه
 ۶ من در زمین زندگان ثوئی * بفریاد من متوجه باش
 زیرا که بسیار کاهیده ام و مرا از تعدی کنندگان من
 مستخلص کن بدرستی که از من زور آورده میباشند
 ۷ * جان مرا برای شکر نمودن اسم خود از زندان
 بیرون بیاور و در هنگامی که بمن احسان خواهی فرمود
 صد یقان مرا احاطه خواهند نمود

زبور صد و چهل و سیم مزمور داود.

۱ ای خداوند دعای مرا استماع بفرما و تضرعهای مرا اصغا
 کن و در وفاداری خود و صداقت خود مرا استجابت نما
 ۲ * و زنده؛ خود را بمحاکمه؛ در میاور زیرا که در حضور
 ۳ تو بهر زنده؛ عادل شمرده نخواهد شد * بدرستی که

- ۴ دشمن جان مرا تعدی نموده است و حیات مرا بر زمین زده است و مرا در تاریکی مانند آنکسانی که از قدیم مرده شده اند ساکن گردانیده است * روح من در اندرون من مضطرب گردیده است و دل من در وسط من ویران میشود * ایام قدیم را بخاطر آوردم همهٔ عمل ترا اندیشه کردم و بکار دستهای تو متفکر گشتم * دستهای خود را بسوی تو بلند نمودم و جان من مثل زمین خشک برای تو تشنه میباشد سله
- ۵ * ای خداوند بنزدی مرا استجابت بفرما که روح من باختر رسیده است روی خود را از من مستور مکن که مبادا شبیه گردم بانکسانی که بچاه فرو میروند
- ۶ * در صبحدم مرا سامع رحمت خود بگردان زیرا که بتو متوکلیم و مرا براه عبور من عارف کن زیرا که جان خود را بسوی تو بلند می نمایم * ای خداوند مرا از دشمنان من مستخلص کن و مرا نزد خود مستور نما
- ۷ * بعمل نمودن خواهش خود مرا تعلیم بده زیرا که

خدای من توئی روح تو نیکوست و مرا بزمین راستی
 رهبری مینماید * ای خداوند بسبب اسم خود مرا زنده
 بگردان و بعالت صداقت خود جان مرا از تنگدستی
 بیرون آر * و رحمت خود را از دشمنان من منقطع
 کن و تمامی اعدای جان مرا هلاک نما زیرا که بنده
 تو منم

زبور صد و چهل و چهارم از آن داود

۱ خجسته باد خداوندی که قوت من است و ستمهای
 مرا برای حرب و انکشتههای مرا برای جنگ تعلیم
 ۲ میدهد * رحم کننده من و قلعه من و برج من و راننده
 من و پیبر من است و با و متوکلم و او قوم مرا در تحت
 ۳ من فرود می آورد * ای خداوند چه (وجود دارنده) انسان
 که او را تلافی مینمائی و بنی آدم که او را (بنده خود)
 ۴ میشماری * انسان شبیه بچیز باطل است در روزهایش
 ۵ مانند سایه عبور مینمایند * ای خداوند آسمانهای خود را
 ختم کن و نازل باش و کوهها را لمس نما که دود خواهند

- ۶ کرد * برق را درخشان بگردان و ایشان را پراکنده کن
و تیرهای خود را روان ساز و ایشان را پریشان نما
- ۷ * و دست خود را از بالا بفرست و مرا از آبهای بسیار
(بل) از دست فرزندان بیگانه برهان و مرا مستخلص
کن ۸ * زیرا که دهن ایشان دروغ میگوید و بحین
ایشان بحین فریبنده است * ای خدا سرود تازه را
بتو خواهم سرائید و بر نبل ده ریسمانی ترا تمجید خواهم
کرد ۱۰ * اوست که رستگاری پادشاهان میدهد و بنده
۱۱ خود را دورا از شمشیر مفسد میراند * مرا برهان
و مستخلص کن مرا از دست فرزندان بیگانه که دهن
ایشان دروغ میگوید و بحین ایشان بحین فریبنده
۱۲ است * تا آنکه فرزندان ما در جوانی خودشان مانند
نهمال یا بزرگ گشته دختران ما مثل سرزادیه که مانند
۱۳ قصر عالی جلاداده شده است (نشو و نما نمایند) * و اخباری
ما پر شده انواع روزی را ببخشند و دواب ما در
۱۴ صحراهای ما هزاران و ده هزاران بزنند * و گاوان ما بار

بردار شوند نه تاراج و نه اخراج شده در کوههای ما
 ۱۵ هنگامه نشود * خوشا حال آنقوی که باینها متمثلند
 و خوشا حال آن قوی که خدای ایشان خداوند است

زبور صد و چهل و پنجم زبور حمد داود

- ۱ ای خدای من وای پادشاه (من) ترا وصف بکنند
- ۲ خواهم کرد و اسم ترا تا باید الابد شکر خواهم نمود * و هر
 روز شکر ترا بجا آورده اسم ترا تا باید الابد حمد خواهم
- ۳ کرد * خداوند بزرگ و بسیار لایق حمد است
- ۴ و جستجوی بزرگی او نمودن ممکن نیست * اعمال
- ۵ ترا پشت به پشت تمجید خواهم کرد و کبریا ئیهای
- ۶ ترا آشکار خواهم نمود * بعزت جلال عظمت تو و بکارهای
- ۷ مهیب تو متفکر خواهم بود * قوت اعمال مهیب ترا
- ۸ نگنم خواهند نمود و بزرگی ترا آشکار خواهم کرد * ذکر
- ۹ وفور نیکوئی ترا جاری خواهند گردانید و صداقت ترا
- ۱۰ تمجید خواهند کرد * خداوند کریم و رحیم و دیر غضب

- ۹ و کثیر الرحمة است * خداوند بر تمامی (مخلوقاتش)
- نیکوست و رحمتهایش بر تمامی اعمالش مافوق است
- ۱۰ * ای خداوند تمامی اعمال تو ترا اقرار خواهند کرد
- ۱۱ و مقدسان تو ترا شکر خواهند نمود * بجلال مملکت
- ۱۲ تو گفتگو خواهند نمود و یکبر یائی تو سخن خواهند راند * تا
- آنکه فرزندان انسان را یکبر یائیهایش و بجلال عظمت
- ۱۳ ملکوتش عارف بگردانند * ملکوت تو ملکوت
- ۱۴ ابدیست و تسلط تو کلا بشت به بشت است * خداوند
- تمامی افتادگان را یاری مینماید و تمامی خم گشتگان را بر
- ۱۵ میخیزاند * چشمهای همگی بتو مینگرند و تو روزی
- ۱۶ ایشان را بایشان در زمانش عطا میفرمائی * دست
- خود را میکشائی و خواهش هر زنده را تا بسیری عطا
- ۱۷ مینمائی * خداوند در تمامی طریقههای خود صدیق و در
- ۱۸ تمامی اعمال خود مقدسست * خداوند بتامی خوانندگان
- خود و بتامی آنکهسانی که او را براستی میخوانند قریبست
- ۱۹ * خواهش خائفانش بجا خواهد آورد و فریاد ایشان را

۲۰. خواهید شنید و بایشان نجات خواهد داد * خداوند تمامی
 محبتان خود را نگاه میدارد و تمامی اشرار را قطع نسل خواهد
 نمود * دهن من حمد خداوند را تکلم خواهد نمود و تمامی
 بشر اسم قدسش را شکر نمایند تا باید الابد

زبور صد و چهل و ششم

۱. خداوند را حمد نمائید و ای جان من خداوند را حمد بنما
 ۲. * خداوند را تا بقای حیات خود حمد خواهیم نمود و خدای
 ۳. خود را تا باخر نفس خواهم سرائید * بامیران و بنی آدمی
 ۴. که از او یاری نمی آید متوکل مباشید * روحش
 ۵. بیرون میرود و جفاک خود بر میگردد و همان روز
 ۶. تدبیراتش تباه میشوند * خوشا حال آنکسی که خدای
 ۷. یعقوب یار اوست و امیدش از خداوند و خدای خود
 ۸. میباشد * او آسمانها و زمین و دریا و هر آنچه در ایشان
 ۹. است آفرید و حقیقت را تا باید نگاه میدارد * او حکم را
 ۱۰. برای ستمدیدگان بعمل می آورد و دنان را بگرسنگان

۸ عطا میفرماید و خداوند اسیران را رها میکنند * خداوند
چشمهای نابینایان را می کشاید و خداوند خم گشتگان را
بر میخیزاند و خداوند صدیقان را دوست میدارد
۹ * خداوند بیگانگان را نگاه میدارد و یتیم و بیوه را بلند
۱۰ مینماید و راه اشرار را بر میگرواند * خداوند تاباید و خدای
تو ای صیهون پشت به پشت پادشاهی مینماید
خداوند را بسراشید

زبور صد و چهل و هفتم

۱ خداوند را حمد نمائید زیرا که تسبیح بخدای ما نیکوست
۲ و پدرستی که حمدش دلاویز و خوشنماست * خداوند
اورشلیم را معمور میسازد و پیراکنندگان اسرائیل را فراهم
۳ می آورد * دل شکستگان را شفای بخشند و جراحتهای
۴ ایشان را می بندد * عدد ستارگان را می شمارد و تمامی
۵ ایشان را با اسمها میخواند * خداوند ما عظیم و پر زور
۶ است و در آیه او بی احتیاست * خداوند افتادگان را
۷ بر میخیزاند و اشرار را بخاک می اندازد * خداوند را

- ۸ * او آسمانها را بابرها مستور میکند و باران را برای
 ۹ زمین مهیا میسازد و گیاه را بر کوهها میرویانند * رزق را
 بدواب و بیچکان زانغ در زمان فریاد نمودن بایشان
 ۱۰ میرسانند * بقوت اسب خوشنودی نمی نمایند و از
 ۱۱ ساق انسان راضی نیست * (اما) خداوند از خائفتنش
 ۱۲ * ای اورشلیم خداوند را بنواز و ای صیهون خدای خود را
 ۱۳ حمد بنما * زیرا که قفلهای دروازههای تورا مقوی ساخته
 است و فرزندان تورا در اندرون تو برکت عطا
 ۱۴ فرموده است * حدود تورا سالم گردانیده تورا از
 ۱۵ بهترین گندم مملو می سازد * امر خود را بر زمین
 ۱۶ روان مینماید و فرمانش برودی روان میشود * برف را
 مانند پشم میریزاند و ژاله را مثل خاکستر می گستراند
 ۱۷ * و یخ خود را مانند قطعهها میفرستد کیست که تواند
 ۱۸ در حضور سرایش ایستاد * فرمان خود را روان می

نماید و ایشان را میگردانند و باد خود را میوزاند و آبها جاری
 ۱۹ میگردند * کلام خود را بیعقوب و حقوق خود و احکام
 ۲۰ خود را با اسرائیل آشکار کرده است * بهر طایفه چنین
 ۱ نپیرداخته است و ایشان خود احکام را ندانسته اند
 خداوند را حمد بنمائید

زبور صد و چهل و هشتم

- ۱ خداوند را حمد نمائید و خداوند را در آسمانها حمد نمائید
- ۲ و او را در بلندیا حمد نمائید * ای تمامی ملائکش
 او را حمد نمائید و ای تمامی لشکرهاش او را حمد
- ۳ نمائید * ای آفتاب و ماه او را حمد نمائید و ای تمامی
- ۴ ستارگان نورانی او را حمد نمائید * ای اسما آسمانها
 و ای آبهای که مافوق آسمانها اید او را حمد نمائید
- ۵ * اسم خداوند را حمد نمائید زیرا که مقرر فرموده
- ۶ است و آفریده گشتند * و ایشان را تا باید الابد قیوم
- ۷ گردانیده است و حکم بقیام فرموده است زایل
 نخواهد گردید * ای (مخلوقات) زمین و ای نهنگان

- ۸ وای تمامی عمیقها خداوند را حمد نمائید * ای آتش و تگرگ و برف و بخار وای باد شدیدی که حکمش را
- ۹ بجای آوردی * ای کوهها و تمامی تلها وای درخت میوه
- ۱۰ دار و تمامی سرو آزاده * ای وحشیان و تمامی دواب ای
- ۱۱ جنبندگان و طیور اجنه * ای پادشاهان زمین و تمامی
- ۱۲ امم ای امیران و تمامی حاکمان زمین * ای جوانان
- ۱۳ و دختران ای پیران و طفلان * اسم خداوند را حمد
- نمائید زیرا که بمحیر اسم او بلند است و عظمتش
- ۱۴ مافوق زمین و آسمانها است * و شاخ قوم خود را و حمد
- تمامی مقدسانش (یعنی) بنی اسرائیل را که قوم قریب
- اوست بلند مینماید خداوند را حمد نمائید

زبور صد و چهل و نهم

- ۱ خداوند را حمد نمائید سرود تازه را بخداوند و حمدش در
- ۲ جماعت مقدسان بسرائید * (بنی) اسرائیل از
- آفریننده خودشان خوشنود باشند و فرزندان صیهون در

۳ پادشاه خودشان وجد نمایند * اسم اورا بسرنا حمد نامید
 ۴ واورا بطبل و بربط تمجید کنید * زیرا که خداوند از قوم
 خود خوشنود است و افتادگان را نجات خود مریں
 ۵ خواهد کرد * مقدسان در جلال وجد نمایند و بر بسترهای
 ۶ خودشان بسرایند * در دهن ایشان اوصاف خدا در
 ۷ دست ایشان شمشیر دو دم باشد * تا انتقام از
 ۸ طوایف بکشند و بر امم تنبیه نمایند * و پادشاهان
 ایشان را بنرنجیر و امیرهای ایشان را بقیدهای آهنین
 ۹ ببندند * و حکم نوشته شده را بر ایشان عمل آورند
 این فخر از برای تمامی مقدسان او میباشد خداوند را
 حمد نامید

زبور صد و پنجاهم

۱ خداوند را حمد نامید خدا را در مقدس خود حمد نامید
 ۲ و در سپهر قوتش اورا حمد نامید * اورا بسبب
 ۳ کبریائیهایش حمد نامید و موافق کثرت نظامتش
 ۴ اورا حمد نامید * اورا باواز کرنا حمد نامید و اورا به نبل

- ۴ ویربط حمد نمائید * اورا بطویل و سرنا حمد نمائید و اورا
 ۵ بسازهای ریسائی وارغنون حمد نمائید * اورا بزنگولهایی
 مسهوع حمد نمائید (بل) بزنگولهایی ظفر حمد نمائید
 ۶ * و هر متنفسی خداوند را حمد نماید خداوند را حمد نمائید

تمام شد کتاب زبور داود که مشتمل است

بحمد های خداوند اعظم واحد که

از زبان عبرانی بزبان

فارسی ترجمه نموده

شده است

چون انکسار و انقلاب بعضي آلات الطبع در جاي چند
روي داده بايد که قاري آنها را اينچنين تصحيح کند

زبور	فقرة	اصلاح	۵۵	۸	شتابان
۱۰	۸	بمسکين	۵۸	۴	زهر
۱۶	۶	پسنديد	۵۸	۵	مسخر
۱۷	۷	اضهار	۶۸	۱۶	خدا
۱۷	۹	ظالمانيکه	۶۹	۱۹	مرفوع
۲۶	۴	نهي نشينم	۷۷	۱۶	بتلاطم
۳۰	۴	بسر ايميد	۷۸	۵۳	ماخذ
۳۴	۸	بينيد	۷۸	۵۷	منحرف
۳۷	۱۶	البضاعة	۸۰	۱۳	ميربايند
۴۰	۴	ميروند	۸۱	۱	اندرون
۴۴	۴	بفرما	۸۸	۹	ضعيف
۴۴	۱۰۰	غارت	۸۹	۴	پيشت
۴۴	۱۸	منحرف	۹۱	۱۶	مملو خواهم ساخت
۴۵	۴	حکم	۹۵	۱۰	در يغم
۴۵	۹	معتز	۹۷	۳	حضورش
۴۷	۳	عظيم	۱۰۴	۱۳	سرايمد

294
 C. No. { 127 ACC. NO. 2821
 20
 AR
 TR
 زبور داود پین



MAULANA AZAD LIBRARY

ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. Book must be returned on the date stamped
- 2.
3. Fee of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 P- for

